



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

آموزشی ابتداری

رشد

ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و هشتم | اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۹ | صفحه ۴۸
www.roshdmag.ir



آموزش قدیم به رسم جدید!

- به روانی آب، به سختی سنگ
- مشق‌های ننوخته



ISSN : 1606-9102



«... فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ...»

امیرالمؤمنین امام علی^(ع)

به مناسبت نهم اردیبهشت، روز ولادت حضرت معصومه^(س) و روز دختر

(کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۵۱، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.)



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجو معلمان
و کارشناسان
وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست و هشتم | اردیبهشت ماه ۱۴۰۴
شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۹ | ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۸۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد
@roshd_amooshesh_ebtadaei

فهرست

- ۲ ما معلم هستیم! | مهدی رضایی
- ۴ مناسبت‌های ماه | امیر ذوقی
- ۶ دل به کتاب خدا دادن | رضا دزبخش، مریم خدادادی

آموزش

- ۸ مشق‌های ننوشته | عرفان حمیدی مقدم
- ۱۴ تربیت نرم | ساجده میرزایی
- ۱۶ تدریس مزاجی! | سیدعلی عبداللہی حسینی، عذرا بیگم هزبری
- ۱۸ از مخاطره تا آسیب | فرشته آذری خاکستر
- ۲۰ ریاضی واقعی با هوش مصنوعی | سعیده جعفری
- ۲۲ برگ برگ تا گل | مریم جلیلی
- ۲۴ دانش و هنر معلمی | افسانه وطن‌دوست
- ۲۶ روند تا به‌روز ماندن | زهرا غلامرضایی

در کلاس

- ۳۰ دَم قیچی‌های زیبا | مریم اسدی
- ۳۳ زبان جهانی نقش‌ها | نگین فخار، فاطمه ستوده‌تپان
- ۳۶ به روانی آب، به سختی سنگ | فاطمه شیخ محسنی، مجتبی محرابی، سمانه محرابی
- ۳۸ فکری به حال تفکر! | سیداحمد ابوالحسنی، ریحانه خاقانی‌نژاد

تجربه

- ۴۲ قصه‌های رشد | محمدرضا رشیدی
- ۴۴ الگوی روستایی مدرسه | احسان وادی‌السلامی
- ۴۶ علم زندگی | سینا آقاجانی دفرازی

به نام خدا

اللهم صلِّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مدیر مسئول: سیدسعید بدیعی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرهوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حق‌

تصویرگر: حسین یوزباشی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱



درگاه ورود به سامانه‌ی
فروش و اشتراک



nazar.roshdmag.ir
برای ثبت نظرات شما
در مورد این مجله



در نقشه، پراکندگی فرهنگی‌بان مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: ● با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. ● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. ● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. ● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. ● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأمین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



ما معلم هستیم!



مهدی رضایی

کلاه سعادت یکی بر سرش
گلیم شقاوت یکی در برش
گلستان کند آتشی بر خلیل
گروهی به آتش بزد ز آب نیل
گر آن است، منشور احسان اوست
ور این است، توقیع فرمان اوست
به درگاه لطف و بزرگیش بر
بزرگان نهاده بزرگی ز سر

سعدی



«کاری که معلم بر عهده گرفته، معلم متعهد، به نظر من مهم‌ترین کار در کشور است؛ یعنی تربیت و تعلیم نونهالان کشور؛ یعنی ساختن آینده‌ی کشور. معلم در واقع معمار آینده‌ی کشور است. امروز شما دارید فردای کشور را می‌سازید. اگر بتوانید انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، متفکر، اهل منطق، باایمان، بارآده، متشروع، پایبند به اخلاق اسلامی، پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ‌ترین خدمت به کشور انجام گرفته؛ یعنی واقعا هیچ خدمت دیگری قابل مقایسه با این نیست. این قضیه‌ی تربیت نوجوانان ما، با توجه به هوش نوجوان ایرانی، ضریب پیدا می‌کند و اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. اگر ما با یک جامعه‌ی جوان و نوجوان متوسط از لحاظ ذهنی مواجه بودیم، یک جور بود؛ حالا که با یک قشر جوان هوشمند مواجهیم که از متوسط هوش جهانی بالاترند، قضیه جور دیگر است. این ثروت عظیمی است.»^۱

اردیبهشت ماهی است که با گرامیداشت مقام معلم گره خورده است. موعد به نتیجه رسیدن تلاش‌های یک ساله‌ی ما در کلاس‌های درس نیز هست. به‌نوعی این تلاقی یادآور عبارت «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»^۲ است. ما معلمان به محض تمام‌شدن مأموریت گذشته‌ی خود با مأموریت جدیدمان روبه‌رو می‌شویم و وارد تابستانی می‌شویم که با جمع‌بندی

نکات سال تحصیلی گذشته و برنامه‌ریزی برای آغاز بهتر سال تحصیلی آینده عجین شده است. وجه تمایز معلمی آموزش مستقیم به دانش‌آموز است. چه عظمتی دارد وقتی پرورش نسل آینده به دست معلم است و چه لذتی دارد مشاهده‌ی رشد دانش‌آموزانی که شاید حتی مقدمات زندگی را هم از ما آموخته باشند و فردا در جایگاه‌های بالا خواهند بود. همین ویژگی منحصر به فرد است که معلمی را با همه‌ی سختی‌های معیشتی و اداری و... هنوز برای معلمان شیرین می‌کند.

سال گذشته، در رشد آموزش ابتدایی، تلاش کردیم بتوانیم ذره‌ای کمک باشیم برای حال خوب شما آموزگاران عزیز. این مجله متعلق به شماست و برای شما تولید می‌شود تا در کنار هم بتوانیم به پیش برویم و با تحولات روز به‌روز باشیم. از مشارکت همه‌ی عزیزان در این دوره از نشریه سپاسگزاریم و برای دوره‌ی جدید نشریه، دست نیاز به‌سوی تک‌تک آموزگاران عزیز دراز می‌کنیم. باز خورد و مشارکت شما بهترین سنججه برای اصلاح مسیر رشد است. ما را از نظرات خود مطلع کنید.

پی‌نوشت‌ها

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با معلمان

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲

۲. سوره مبارکه الشرح، آیه ۷

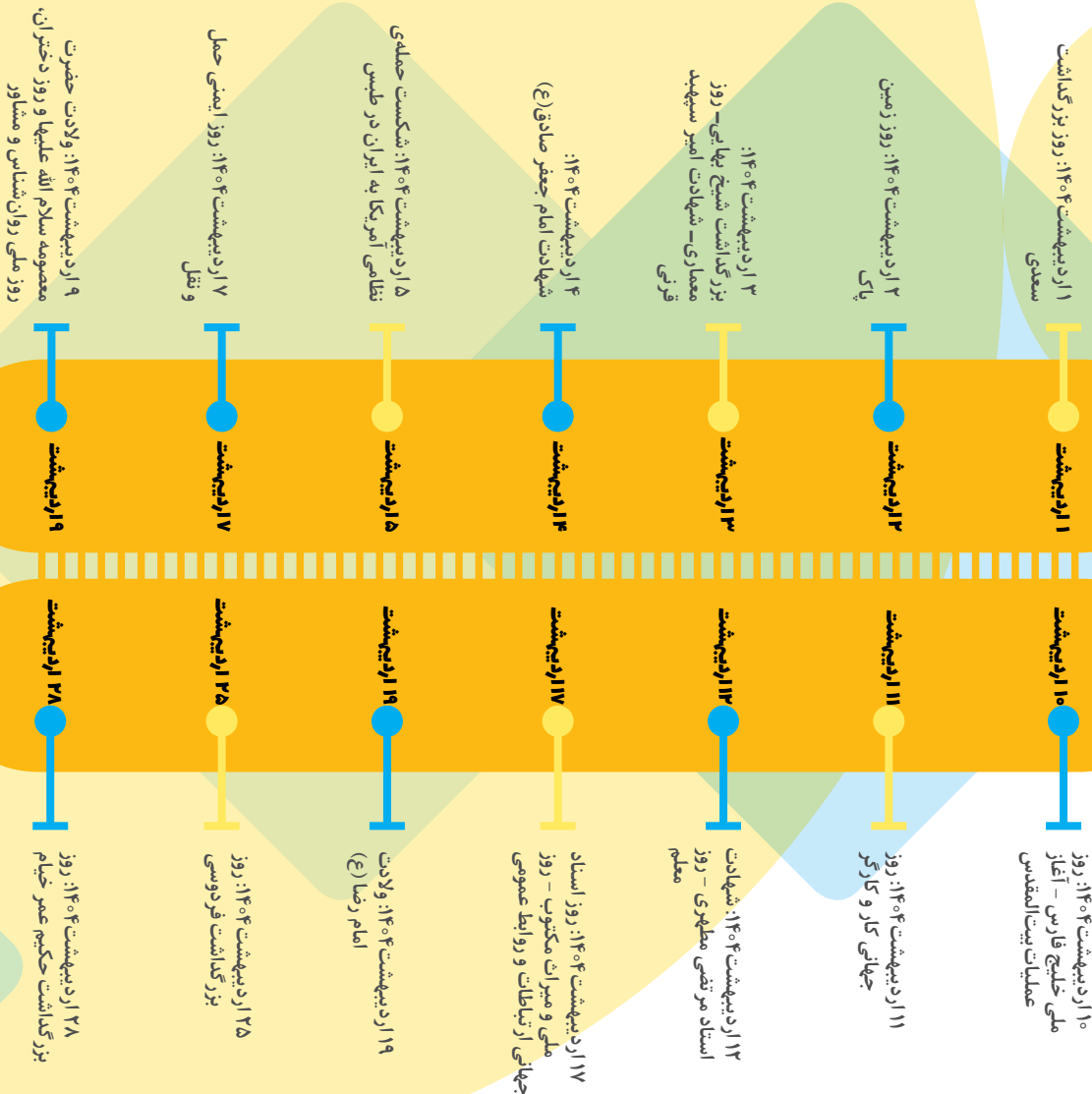
مناسبت‌های ماه



امیر ذوقی، کارشناس مدیریت فرهنگی و آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

چند ایده‌ی مناسبتی

سلام، خدا قوت! کم‌کم داریم به پایان سال نزدیک می‌شویم. تلاش کردیم در این بخش از مجله به روش تدریس با محوریت تقویم پیردازیم. روشی که اگر خاطرتان باشد، دو مسیر کلی داشت: **اولی:** جابه‌جایی موضوعات درسی و آموزشی متناسب با تقویم. **دومی:** تدریس به‌طور عادی اما با واکنش مناسب به مناسبت‌ها، هر زمان که به آن‌ها رسیدیم. پیش‌نیاز اصلی این روش، دانستن مناسبت‌های پیش‌روست؛ بنابراین در این شماره به سراغ تقویم اردیبهشت‌ماه و ایده‌های متناسب با آن می‌رویم.





۲ اردیبهشت؛ روز زمین پاک



طوفان شن



در کتاب‌های دوره ی ابتدایی در قالب‌های متنوع در مورد بازیافت و همچنین مراحل رشد گیاهان یا ساخت کاردستی از بازیافتی‌ها صحبت شده است. یکی از تاریخ‌هایی که می‌توان این مبحث را در آن تدریس کرد، همین روز زمین پاک است. دانش‌آموزان می‌توانند از منزل بطری‌های خالی شیشه‌ای یا غیرشیشه‌ای بیاورند و آن‌ها را با روش‌های گوناگون مثل رنگ کردن یا کناف چسباندن زیبا کنند و گلدان‌های زیبایی درست کنند. حتی می‌توان از بطری‌های شیشه‌ای رنگی به عنوان گلدان‌های آبی و بدون خاک برای نگهداری از گیاه پوتوس استفاده کرد که امروزه بسیار رایج است. می‌توان از این گلدان‌ها برای تزئین فضای کلاس استفاده کرد. در پایان سال هم بچه‌ها می‌توانند گلدان‌هایشان را به عنوان یادگاری از یک سال تحصیلی به منزل ببرند. با این روش هم موضوع کاشت و رشد گیاهان را آموزش داده‌ایم و هم استفاده از دورریختنی‌ها یا همان بازیافت را تمرین کرده‌ایم.

۵ اردیبهشت؛ سالروز شکست آمریکایی‌ها در حمله طبس



یکی از حماسی‌ترین و الهی‌ترین ماجراهایی که می‌توان برای دانش‌آموزان تعریف کرد، همین حمله ی برنامه ریزی شده ی آمریکایی‌ها بود که به امداد الهی در طبس شکست خورد. این ماجرا ظرفیت زیادی دارد که به مباحث کتاب قرآن و برخی سرفصل‌های کتاب هدیه‌های آسمانی متصل شود. این موضوع همچنین برای درک موضوع امدادهای غیبی و الهی کمک زیادی می‌کند و در کنار آن حس غرور ملی را در شاگردان تقویت می‌کند. برای پرداختن به این ماجرا، چند پویانمایی موجود است. خاطرات و مستنداتی هم از افرادی که به صحنه ی سقوط رفته‌اند وجود دارد، از جمله سخنرانی مقام معظم رهبری که در نماز جمعه ی تهران بیان کرده‌اند. در میان آن برنامه، تصویرهایی واقعی از آن ماجرا نیز نمایش داده می‌شود. این برنامه یکی از جذاب‌ترین روایت‌هاست که می‌توان برای بچه‌های دوره ی دوم از آن استفاده کرد.

۱۲ اردیبهشت؛ روز معلم

همیشه در این روز ما معلم‌ها مورد لطف و مهربانی شاگردان خود و خانواده‌هایشان قرار می‌گیریم و حتی گاهی اوقات مدیر و مسئول مجموعه نیز به فکر قدردانی از معلم‌ها می‌افتند؛ اما به نظر می‌رسد آنچه موضوع را از نظر تربیتی غنی می‌کند، اقدام ما معلم‌ها برای معلم‌های قبلی دانش‌آموزان خودمان است؛ یعنی ما بتوانیم با دانش‌آموزان خود برای معلم‌های سال قبل یا سال‌های قبل که اکنون در مجموعه حضور دارند، برنامه‌ریزی و از ایشان تشکر کنیم. این تشکر به هر نحوی می‌تواند باشد، حتی با یک کاردستی و نامه ی ساده یا برپایی یک جُنگ به مناسبت روز معلم و در نهایت تشکر حضوری بچه‌ها از تمام معلم‌های فعلی و قبلی خود. چه خوب است معلم فعلی با دقت و ظرافت در تمام مراحل ساخت هدیه و تشکر بچه‌ها را همراهی و به نوعی معلم قبلی را متعجب کند. واقعاً چه حس خوبی دارد که دانش‌آموزان قبلی ما که حالا بزرگ‌تر شده‌اند، به یادمان باشند و قدردانی را فراموش نکنند و چقدر این موضوع «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»^۱ در این ماجرا پررنگ و دوست‌داشتنی آموزش داده می‌شود. پیشاپیش روزتان مبارک!

پی‌نوشت

۱. امام رضا(ع) می‌فرماید: «آنکه از دیگری که نعمتی را به او ارزانی کرده‌اند تشکر نکند، شکرگزار خداوند نیز نخواهد بود». شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا(ع)، محقق و مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۲، ص ۲۴، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.





دل به کتاب خدا دادن

رضا دژبخش

کارشناس ارشد تفسیر قرآن

مریم خدادادی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

پایه ششم

در پایه ششم، دانش آموزان باید به هدف رشدی کل دوره ابتدایی برسند. به همین دلیل توجه به نیازها و اقتضات سنی آنها مهم است. در این سن توان فعالیت‌ها و حرکت‌های جمعی تا حد خوبی در بچه‌ها فعال می‌شود و آنها علاقه‌مند خواهند بود کارهایی جدی و تأثیرگذار انجام دهند. این توان اگر به‌خوبی جهت‌دهی شود، هم زمینه‌ی رشد و شکوفایی توان‌های گوناگون دانش آموزان فراهم می‌شود و هم مدیریت این گروه که بزرگ‌ترهای مدرسه هستند، آسان می‌شود. در غیر این صورت، چیزی که به‌طور معمول در پایه ششم ظاهر می‌شود، حرکت‌های گروهی برای برهم‌زدن نظم کلاس و مدرسه است. آنها کلاس را به هم می‌زنند و به این کار به‌عنوان حرکتی تأثیرگذار افتخار می‌کنند. پس یکی از نیازهای مهم ششمی‌ها حرکت‌های جمعی سازنده است. خوب است والدین بدانند فرزندشان در خانه نیز به داشتن برنامه‌های خانوادگی نیازمند است؛ برنامه‌هایی که خود فرزند در آنها مسئولیت داشته باشد.

دانش آموزان کلاس ششم می‌توانند دسته‌جمعی نظم کلاس را به هم بزنند. آنها نیاز دارند برای انجام حرکت‌های جمعی سازنده مورد اعتماد قرار بگیرند و به آنها مسئولیت داده شود.

از آنجا که در این سن، بچه‌ها به انجام کارهای مهم و مؤثر توجه دارند، افرادی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند نیز برایشان مهم می‌شوند. به همین دلیل در این سن با اسطوره‌ها آشنایی پیدا می‌کنند؛ کسانی که آنها را قهرمان می‌دانند و فکر می‌کنند کارهای زیادی از دستشان برمی‌آید. بچه‌ها در این بازه سنی نیز نیاز دارند درباره‌ی

تحولات دانش آموزان و افزایش کیفیت آموزش و ارتقای نشاط و انگیزه‌ی آنها مفید است. در این پایه مهمان سوره‌های ابتدایی جزء سی قرآن کریم می‌شویم که نسبت به سوره‌های پایه‌های قبل بلندتر هستند. همین بلندبودن سوره‌ها و اینکه معمولاً بچه‌ها از قبل آنها را حفظ نیستند، القای خوبی دارد و باعث می‌شود خواندن آنها به نظرشان بچگانه نیاید. هم‌خوانی حماسی سوره مناسب شروع کلاس‌های بانشاط اما جدی و شروع فعالیت‌های گروهی و قیام‌گونه‌ی پایه ششمی‌هاست. تک‌خوانی این سوره‌ها هم می‌تواند احساس غرور مقدسی را در دانش آموزان ایجاد کند. بهتر است هر بار همه‌ی سوره خوانده شود؛ اما اگر به هر دلیل نمی‌توانیم کل سوره را یکجا بخوانیم و می‌خواهیم سوره در زمان کوتاه‌تری خوانده شود، می‌توانیم سوره را به دو یا سه بخش تقسیم کنیم. بهتر است علاوه بر پیام کلی سوره، برای هر بخش از سوره هم پیامی به دانش آموزان معرفی کنیم. خوب است هر بار که بخشی از سوره خوانده می‌شود، دفعه‌ی بعد، بخش بعدی را بخوانیم تا همه‌ی سوره خوانده شود.

به طور کلی برای انتقال مفاهیم به دانش آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی، گفت‌وگو قالب مناسبی است. اگر بتوانیم فضای گفت‌وگو را جذاب نگه داریم، درباره‌ی مسائل مربوط به درس‌های

فعالیت‌ها و دریافت‌های خود صحبت کنند و شرح حال بدهند. مهم‌ترین کاری که ما به‌عنوان آموزگار باید انجام بدهیم این است که به این گروه سنی در مدیریت و رهبری فعالیت‌ها یا انجام کارهای جمعی اعتماد کنیم، در کلاس به آنها مسئولیت بدهیم و خودمان بر فعالیتشان نظارت داشته باشیم. باید توجه کنیم آنچه در این سن بستر رشد دانش آموزان ما را فراهم می‌کند، همین فعالیت‌های گروهی همراه با تأثیرگذاری اجتماعی است؛ البته جامعه‌ای که بچه‌ها در آن فعالیت می‌کنند، به تناسب سطح توانایی خودشان و شرایط متعدد، می‌تواند کلاس، مدرسه، خانواده، محله یا جوامع بزرگ‌تر باشد.

برای مواجهه‌ی درست با دانش آموزان، علاوه بر برنامه‌ریزی مناسب آموزشی و تربیتی، لازم است قالب‌های آموزشی هم متناسب با اقتضات رشدی بچه‌ها باشد. در همه‌ی پایه‌های دوره‌ی ابتدایی هم‌خوانی و تک‌خوانی سوره‌ها قالب‌هایی هستند که نه تنها برای انس با سوره‌ها و انتقال پیام آنها، بلکه برای رشد و





را بشناسند، کار درست را تشخیص بدهند و آن را به انجام برسانند. اهداف تربیتی پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی، گام‌های رسیدن به این مقصد بودند. در واقع برای تحقق هدف تربیتی پایه‌ی ششم، لازم است دانش‌آموزان در شروع سال تحصیلی جدید به‌واسطه‌ی رشد سال‌های گذشته، نشاط فعال و تحرک جهت‌دار داشته باشند، تمایزها را درک کنند و خوبی و بدی در نظرشان متمایز باشد، رابطه‌ها و همچنین قوانین را درک کنند و قدرت تحلیل و انتخاب درست داشته باشند، بتوانند برنامه‌ریزی کنند و به برنامه‌ی خود عمل کنند، به‌خوبی تمایل داشته باشند و اراده‌شان برای شناسایی و انجام کارهای خوب فعال باشد. در این صورت تمرکز در این سال روی ارتقای توان عملیاتی دانش‌آموزان و انجام فعالیت‌های گروهی توسط آن‌ها برای گسترش کارهای خوب است.

هدف تربیتی پایه‌ی ششم، توان عملیات گروهی برای انجام و گسترش کارهای خوب است.

در صورتی که اهداف تربیتی پایه‌های قبل محقق نشده باشد و دانش‌آموزان به رشد مطلوب سال‌های گذشته نرسیده باشند، باید امسال مقاصد قبلی را نیز دنبال کنیم. می‌توانیم این مقاصد را با رویکرد مقصد پایه‌ی ششم و از زاویه‌ی خیرگزینی و تحقق خیر در نظر بگیریم. به این ترتیب دانش‌آموزان به هر سطحی از رشد سال‌های گذشته برسند، به سطحی از خیرگزینی رسیده‌اند. نشاط و تحرک اجتماعی را می‌توان به‌عنوان تحقق خیر در نظر گرفت. دانش‌آموزان می‌توانند از این سطح از تحقق خیر بهره‌برداری کنند. رسیدن به تحلیل‌های جمعی نیز سطح شایان توجهی از تحقق خیر است که دانش‌آموزان می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. داشتن توان اولویت‌دادن به کارهای جمعی و ترجیح آن‌ها نسبت به کارهای فردی و به‌کارگیری مجزای توان خود و دیگران در کار جمعی و شناخت نواقص خود در جمع، گام‌های دیگری از خیرگزینی است. پس از این مراحل دانش‌آموزان باید ابتدا بتوانند عملیات‌های جمعی را با موفقیت به انجام برسانند و در نهایت توانایی گسترش و توسعه‌ی کارها را بیش از حد تصور دیگران به دست آورند.

از قالب پرسش و پاسخ می‌توانیم سؤال‌های هدفمندی بپرسیم تا دانش‌آموزان خودشان به راه‌حل برسند یا دانش‌آموزان سؤال بپرسند و ما با پاسخ‌هایمان تصمیم‌های آن‌ها را جهت‌دهی کنیم.

«داستان» حتی در پایه‌ی ششم هم می‌تواند برای آموزش مفید باشد؛ اما لازم است داستان را از روی کتاب بخوانیم و این اقدام ما القای قصه‌گویی کودکانه نداشته باشد. با خواندن داستان‌های مفید، به‌خصوص در ادامه‌ی گفت‌وگو یا پرسش و پاسخ یا تجربه‌ی فعالیتی در بستر محیط زیست، می‌توانیم به‌شکل مؤثری بچه‌ها را برای تصمیم‌گیری و ادامه‌ی فعالیت راهنمایی کنیم.

گاهی وقت‌ها نیز می‌توانیم از بچه‌ها بخواهیم درباره‌ی مسائلی که با آن‌ها مواجه هستند، متن بنویسند و مسئله‌ای را تحلیل کنند. «متن‌نویسی» اگر با برنامه و حساب‌شده مورد استفاده قرار بگیرد، می‌تواند برای آموزش دانش‌آموزان بسیار مفید باشد.

«خطاطی» باعث افزایش نظم ذهنی دانش‌آموزان می‌شود و به یادگیری کمک می‌کند. برای دانش‌آموزان پایه‌ی ششم می‌تواند کاربردهای بیشتری هم داشته باشد. آن‌ها می‌توانند از این مهارت در بخش‌های گوناگون عملیات‌های خود از جمله تبلیغ و... استفاده کنند.

«بازی و فعالیت‌های کلاسی» در همه‌ی پایه‌های دوره‌ی ابتدایی برای بچه‌ها جالب است؛ اما در پایه‌های بالاتر، بیشتر از آنکه مثل کلاس اولی‌ها، بستر آموزش آن‌ها باشد، برایشان تنوع و تفریح است. دانش‌آموزان پایه‌ی ششم اگر همیشه مشغول فعالیت و عملیات باشند، نیاز چندانی به بازی ندارند. با وجود این، خوب است گاهی برای ایجاد نشاط از بازی استفاده کنیم؛ اما بازی‌هایی که هم‌راستا با عملیات جمعی بچه‌ها باشد. سعی می‌کنیم با پررنگ کردن و جذابیت‌دادن به عملیات‌ها، بازی را کم‌رنگ‌تر کنیم و به دانش‌آموزان خود که در آستانه‌ی ورود به دوره‌ی متوسطه هستند، القا کنیم به‌جای بازی از فعالیت‌های واقعی لذت ببرند.

هدف تربیتی پایه‌ی ششم

در پایه‌ی ششم دانش‌آموزان به مقصد نهایی دوره‌ی ابتدایی یعنی «خیرگزینی» می‌رسند؛ یعنی می‌توانند در حد سن خود منافع حقیقی

متعدد می‌توان با دانش‌آموزان پایه‌ی ششم گفت‌وگو کرد. همچنین درباره‌ی پیام سوره‌ها و هماهنگی فعالیت‌هایی که قرار است بچه‌ها به‌صورت گروهی انجام دهند، می‌توان گفت‌وگوهای پرشوری در کلاس صورت داد؛ گفت‌وگوهایی که اقدام و عمل در پی دارند و مقدمه‌ای هستند برای فعالیت‌هایی که باعث رشد بچه‌ها می‌شوند و روی محیط هم تأثیرات مثبت می‌گذارند.

دانش‌آموزان پایه‌ی ششم برای اینکه بتوانند فعالیت‌های اجتماعی تأثیرگذاری داشته باشند، نیازی جدی به ارتباط با محیط‌زیست دارند. محیط‌زیست می‌تواند طبیعت یا فضای جامعه باشد. بچه‌ها در این پایه نیاز دارند با موقعیت‌های طبیعی و اجتماعی مواجهه‌ی مستقیم داشته باشند تا در آن‌ها فعالیت کنند و از آن‌ها بیاموزند.

بهترین قالب‌های آموزشی برای پایه‌ی ششم، هم‌خوانی سوره، گفت‌وگو و ارتباط با محیط‌زیست است.

دانش‌آموزان ما برای مدیریت کلاس یا انجام انواع فعالیت‌های گروهی نیاز به راهنمایی و نظارت ما دارند. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ برای این امر بسیار مفید است. در استفاده



فهم قرآن در پایه‌ی ششم ابتدایی



عرفان حمیدی مقدم
کارشناس ادبیات عرب

مشق‌های ننوشته (قسمت دوم)

در مقاله‌ی قبلی (رمزینه‌ی آن در همین صفحه آمده است)، روش‌های تشویق و تنبیه شرطی و تأثیرات منفی آن‌ها بر دانش‌آموزان بررسی شد. در این مقاله، با استفاده از چهار محور «ولایت و محبت»، «انس»، «حل مسئله» و «مسئولیت» راهکارهایی عملی برای حل مشکل ننوشتن تکلیف ارائه می‌شود. این راهکارها بر پایه‌ی ایجاد انگیزه‌های درونی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان طراحی شده‌اند و جایگزین مناسبی برای روش‌های سنتی تنبیه و تشویق شرطی محسوب می‌شوند.

نکات عمومی

- معمولاً اگر معلم در دو ماهه‌ی اول سال بررسی تکلیف‌ها را به‌صورت منظم انجام دهد، دانش‌آموزان به نظم گرفتن عادت می‌کنند.
- بهتر است معلم بین ناقص نوشتن و ننوشتن تکلیف‌ها تفاوتی قائل شود.
- خوب است معلم از هر دانش‌آموز به‌صورت فردی علت انجام‌ندادن تکلیف را جویا شود؛ مثلاً وقتی تکلیف به‌صورت جمعی بررسی می‌شود، دفتر کسانی که تکلیفشان را ناقص نوشته‌اند یا ننوشته‌اند، امضا نشود یا به رنگ‌های متفاوت امضا شود. می‌توانیم اعلام کنیم کسانی که دفترشان امضا نشده یا به رنگ آبی امضا شده است، زنگ تفریح بیرون کلاس بایستند. در زمان زنگ تفریح یکی‌یکی علت انجام‌ندادن را جویا شویم.

همراهی والدین

دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی نیاز به همراهی و پیگیری والدین در انجام تکالیف دارند؛ البته این پیگیری‌ها نباید به گونه‌ای باشد که مسئولیت انجام تکلیف را بر گردن پدر و مادر بیندازد. از پدر و مادر می‌خواهیم بعد از آمدن فرزندشان از مدرسه وی را مکلف کنند تکلیف‌های روزش را نشان دهد و سر ساعت مشخصی آن‌ها را انجام دهد.

دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی به سنی رسیده‌اند که کم‌کم می‌توان روی فردی آن‌ها در برعهده گرفتن مسئولیت تکلیف حساب باز کرد. در این دوره دیگر نیازی به پیگیری والدین وجود ندارد و پیگیری جای خود را



نه به تنبیه شرطی
قسمت اول



عکاس: مرتضی سلطانی

کمکت کنیم؟

زمانی که دانش‌آموز علت قابل‌قبولی را برای نوشتن تکلیف‌هایش ذکر می‌کند، باید از کلماتی مثل «فدای سرت»، «حال خودت برام مهم‌تره» استفاده کنیم. در صورتی که دلیل قابل‌قبولی نگفت، باید تذکر بدهیم؛ مثلاً «دلیلت قابل‌قبول نبود، شاید برای تو دلیل باشه، ولی برای من قابل‌قبول نیست.» همچنین تعداد دفعات نقص و نوشتن تکلیف نیز باید به دانش‌آموز گفته شود.

وقتی برای بار سوم یا چهارم دلیل قابل‌قبولی ارائه نمی‌شود، از دانش‌آموز می‌خواهیم برنامه‌ی زمان‌بندی مشخصی برای نوشتن تکلیف‌هایش ارائه دهد. در این مرحله، او را در مقام مشورت قرار می‌دهیم؛ مثلاً می‌پرسیم: «هر روز رأس چه ساعتی تکلیفت را می‌نویسی؟»

وقتی برای بار پنجم یا ششم دلیل قابل‌قبولی ارائه نمی‌شود، برنامه‌ی زمان‌بندی از طرف خود معلم بدون مشورت دانش‌آموز داده می‌شود و معلم با هماهنگی خانوادگی دانش‌آموز پیگیر اجرای برنامه‌ی داده‌شده می‌شود.

وقتی برای بار هفتم یا هشتم دلیل قابل‌قبولی ارائه نمی‌شود، دانش‌آموز به مقامی اجرایی مانند معاون آموزشی ارجاع داده می‌شود. معلم مسیر طی‌شده با دانش‌آموز را برای معاون توضیح می‌دهد و از معاون راهکار می‌خواهد (بهتر است این مقام اجرایی جدیت بیشتری داشته باشد).

مقدم بر هر راهکاری است.

معمولاً دانش‌آموز عاری از اختلالات آموزشی، تا راهکار هشتم (که در جدول صفحه‌ی بعد آمده)، مسئله‌ی نوشتن یا ناقص‌نوشتن تکلیفش حل خواهد شد و بعد از این مرحله، اگر مشکل حل نشد، می‌بایست با مشاور گفت‌وگو کرد.

در شماره‌گذاری دفعات به‌منظور تغافل یا آزادی عملکرد مربی از «یا» به جای «و» استفاده کرده‌ایم؛ مثلاً عبارت «سوم یا چهارم» را آورده‌ایم.

بهتر است در اولین برخورد با دانش‌آموزانی که نقص تکلیف دارند، سراغ علت‌یابی نرویم و با گفتن جملاتی نقص صورت گرفته را گوشزد کنیم؛ مثلاً «می‌دونم که نوشتن تکلیف عادت شما نیست؛ ولی این یه دفعه رو چشم‌پوشی می‌کنم. زنگ تفریح کتاب و دفتر رو ببرید و تکالیف رو تا پایان امروز تحویل بدید.»

در مرتبه‌ی دوم باید سراغ علت‌یابی نوشتن تکلیف برویم. بهتر است در ابتدای سال وقتی علت انجام‌ندادن تکلیف‌ها را جویا می‌شویم، از لحظی تهدیدی بازپرسی و خشن استفاده نکنیم؛ مثلاً به جای اینکه بگوییم: «مگه توی کلاس نگفته بودم کسی رو که تکلیف نمی‌نویسه، چی کار باهاش می‌کنم؟!»، بهتر است بگوییم: «عزیز دلم، (عبارت محبت‌آمیز) من روی تو حساب دیگه‌ای باز می‌کردم. می‌شه علت نوشتن تکلیف‌هات رو بدونم تا بتونم بهتر

به یادآوری می‌دهد؛ بنابراین از پدر و مادر می‌خواهیم زمانی که دانش‌آموز از مدرسه به خانه می‌آید، یک یا دو بار نوشتن تکالیف را یادآوری کنند؛ ولی میزان وقت‌گذاری دانش‌آموز را برای انجام تکلیف‌ها به مربی منتقل کنند و اگر دانش‌آموز در طول هفته وقت زیادی برای انجام تکلیفش نمی‌گذارد، معلم را در جریان سستی یا تبلی فرزندشان قرار و پیگیری‌های لازم را انجام دهند.

تغافل

بهتر است اگر دانش‌آموز تنبلی جدی ندارد و بیشتر مواقع تکلیف‌هایش را انجام می‌دهد، در مواردی خود را به تغافل زد. به این صورت که وقتی تکلیف‌ها بررسی می‌شود، به‌گونه‌ای که مشخص نشود، دفتر آن دانش‌آموز را سرسری بررسی کرد.

محور ولایت و محبت (گفت‌وگو)

گفت‌وگویی که به‌منظور علت‌یابی روند نقص تکلیف دانش‌آموز صورت می‌گیرد، باید به‌گونه‌ای باشد که کرامت نفس دانش‌آموز حفظ شود. اصل مهم در استفاده از این راهکار پیگیری معلم است.

اولین نکته‌ای که در این محور باید بدان توجه داشت این است که باید رابطه‌ی محبت بین دانش‌آموز و مربی برقرار شده باشد. این رابطه

آماده و هفته‌ای یک یا دو بار، تکلیفی را منحصر بر علاقه‌ی آن‌ها ارائه کرد؛ مثلاً فوتبال یکی از موضوعات مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان پسر است. می‌توان با آمارهای پایان بازی تکلیف ریاضی داد یا با ارسال صوت گزارش بخشی از فوتبال برای دانش بیانی فارسی تکلیف داد، شناخت شهر و استان‌های هر تیم برای تکلیف اجتماعی و استفاده از کتاب آقا بهبودی نیز برای تکلیف هدیه مناسب است.

همچنین می‌توان بعضی از تکلیف‌های اذیت‌کننده مانند رونویسی را بهبود بخشید؛ مثلاً به جای صفحات خیلی زیاد و خسته‌کننده که عموماً با خط نازیباً نوشته می‌شود، به اندازه یک یا دو بند رونویسی داد تا هم به بهبود خط دانش‌آموزان کمک کند و هم ثبت در حافظه‌ی تصویری به‌منظور بهبود دانش املاپی دانش‌آموزان صورت بگیرد.

توجه به استعداد خاص

بهتر است مربی در ارائه‌ی تکلیف خیلی بسته عمل نکند و اجازه‌ی بروز استعداد‌های متعدد را بدهد؛ مثلاً اگر دانش‌آموزی علاقه به نقاشی در دفتر مشقش دارد، به استعداد او توجه ویژه‌ای کند تا زمینه‌ساز بروز سایر استعدادها بشود.

ایجاد تنوع و خلاقیت در تکلیف

بهتر است مربی با ایجاد تنوع در تکلیف‌ها دانش‌آموزان را به این موضوع علاقه‌مند کند؛ مثلاً می‌تواند از دانش‌آموز بخواهد برای نوشتن املا، ابتدا با استفاده از گوشی صدای خود را ضبط کند و سپس با گوش دادن به صدای خود املا بنویسد. برای تکلیف ریاضی، می‌توان از آن‌ها خواست از برگه‌های رسید خرید از فروشگاه‌های گوناگون استفاده کنند و با عدد‌های روی رسید، عملیات ریاضی انجام دهند. برای علوم، آن‌ها می‌توانند راجع به درس آموخته‌شده، در خانواده مسابقه‌ی «از کی بپرسم؟» را برگزار کنند. برای اجتماعی می‌توانند فرایند مصاحبه کردن با افراد گوناگون را پیش بگیرند. برای قرآن می‌توانند صوت جذابی را تکرار و تمرین کنند و بعد صدای خود را ضبط کنند. برای هدیه و قرآن می‌توانند با نرم‌افزار «قصه و بازی‌های قرآنی برای کودکان» تعامل کنند و....

مربی می‌تواند از چالش‌های متفاوت آموزشی و غیرآموزشی برای جذاب کردن تکلیف‌ها

معلم خارج شده است.

ارجاع به مدیر: زمانی که دانش‌آموزی به مدیر مراجعه می‌کند، مدیر به تناسب شخصیت دانش‌آموز می‌تواند یکی از این برخوردها را با مشورت مربی انجام دهد. برخوردهایی مثل: محبت و وساطت، توبیخ و....

نکته: همه‌ی این راهکارها در شرایطی است که شرط اول اتفاق افتاده و مربی توانسته باشد با بچه‌ها ارتباط بگیرد. در غیر این صورت ممکن است اعمال این راهکارها به تغییر رفتار دانش‌آموز نینجامد.

محور انس

برخی از راهکارهایی را که در این محور می‌توان مطرح کرد، عبارت‌اند از:

شخصی سازی تکلیف

بنای ما از شخصی سازی تکلیف‌ها این است که با توجه به راهکارهایی، علاقه‌ی دانش‌آموز را نسبت به انجام تکلیف بیشتر کنیم.

توجه به علائق

یکی از مواردی که دانش‌آموزان را به نوشتن تکلیف‌هایشان مانوس می‌کند، مرتبط بودن تکلیف‌ها با علائق دانش‌آموزان است. می‌توان در ابتدای سال فهرستی از علائق دانش‌آموزان

وقتی برای بار نهم یا دهم دانش‌آموز نقص تکلیف داشت یا آن را انجام نداده بود، بهتر است مربی هنگامی که تکلیف‌ها را یادداشت می‌کند، به آن دانش‌آموز به صورت شخصی با حالتی کنایه‌وار و ناراحت بگوید: «شما لازم نیست تکلیف بنویسی.» هدف از این کار این است که به دانش‌آموز هشدار داده شود که دارد از دایره‌ی اهمیت مربی خارج می‌شود. احتمالاً بیشتر دانش‌آموزان بعد از این حالت به خود بیایند و اگر دانش‌آموز فردا تکلیفش را انجام داده بود، معلم تکلیف او را نگاه نمی‌کند تا خود دانش‌آموز پیگیر شود و وقتی پیگیر شد، معلم توضیحی با این محتوا ارائه می‌دهد که نوشتن تکلیف سودی برای معلم ندارد و سود و ضرر نوشتن یا ننوشتن تکلیف به خود دانش‌آموز می‌رسد.

وقتی برای بار یازدهم یا دوازدهم مشکل تکلیف دانش‌آموز حل نشده بود، با دعوت از اولیا سعی می‌شود تلنگری زده شود. مسیر انجام تکلیف دانش‌آموز توضیح داده و به خانواده گفته می‌شود: «من معلم تمام تلاش‌م را کرده‌ام و فکر نمی‌کنم دیگه کاری از دست بنده بر بیاد» (بهتر است از قبل با خانواده هماهنگ شویم تا برخوردهای نافی کرامت نفس اجرا نشود).

وقتی برای بار سیزدهم یا چهاردهم مشکل تکلیف دانش‌آموز حل نشده بود، معلم با ارجاع به مدیر و توضیح شرایط دانش‌آموز، به دانش‌آموز می‌فهماند که کاملاً از دایره‌ی توجه

راهکارهای محور ولایت و محبت برای تغییر رفتار «ننوشتن تکلیف»

دفعات نوشتن تکالیف	راهکار (خلاصه)
اول	بدون علت‌یابی، با عبارات محبت‌آمیز نقص تکلیف گوشزد می‌شود.
دوم	علت نوشتن تکلیف بررسی می‌شود.
سوم یا چهارم	از دانش‌آموز در مقام مشورت خواسته می‌شود که برنامه‌ی زمان‌بندی مشخصی برای انجام تکلیف‌هایش تحویل دهد.
پنجم یا ششم	برنامه‌ی زمان‌بندی از طرف معلم با هماهنگی اولیا، بدون مشورت دانش‌آموز، داده می‌شود.
هفتم یا هشتم	دانش‌آموز به مقامی اجرایی که جدیت دارد، ارجاع داده می‌شود و مسیر طی شده برای او توضیح داده می‌شود و او راهکاری را ارائه می‌دهد.
نهم یا دهم	به دانش‌آموز بابت خروج از دایره‌ی اهمیت مربی هشدار داده می‌شود.
یازدهم یا دوازدهم	از اولیای دانش‌آموز مدنظر دعوت به عمل می‌آید.
سیزدهم یا چهاردهم	دانش‌آموز به مدیر ارجاع داده می‌شود و او در جریان خروج دانش‌آموز از دایره‌ی توجه مربی قرار می‌گیرد.

انتخاب

چندین گزینه را برای تکلیف دانش‌آموزان به آن‌ها ارائه دهید تا بتوانند بر اساس علاقه‌ی خود انتخاب کنند.

فارسی: «انتخاب کن داستان بنویسی یا نقاشی بکشی یا شعر کوتاهی بگویی.»

ریاضی: «انتخاب کن نموداری بسازی، مسئله‌ی جمع و تفریق حل کنی یا با شکل‌های هندسی شکلی بسازی.»

علوم: «انتخاب کن گیاهی را پرورش دهی، آزمایشی در مورد آب و هوا انجام دهی یا درباره‌ی حیوانات تحقیق کنی.»

اجتماعی: «انتخاب کن درباره‌ی یک شغل، یک شهر یا یک جشن ایرانی تحقیق کنی.»

جلب مشارکت والدین

مشارکت والدین را در فرایند یادگیری برای افزایش حمایت و انگیزه‌ی دانش‌آموزان جلب کنید.

فارسی: «با والدین خود حکایت را به صورت مشترک بخوانید و درباره‌ی آن‌ها بحث کنید.»

ریاضی: «با کمک والدین، هزینه‌های متعدد خانه را محاسبه و نمودار کنید.»

علوم: «با کمک والدین پروژه‌های علمی ساده مثل ساخت باغچه کوچک یا انجام آزمایش‌های ساده را انجام دهید.»

اجتماعی: «با کمک والدین کاربرگ درس را انجام دهید.»

تشویق به یادگیری

از طریق تجربه‌های عملی

برای دانش‌آموزان فرصتی فراهم آورید تا مفاهیم درسی را به صورت عملی و واقعی تجربه کنند.

فارسی: «درباره‌ی اردوی قبلی گزارشی بنویسید.»

ریاضی: «شای گوناگون را اندازه‌گیری و مساحت و محیط آن‌ها را محاسبه کن.»

علوم: «آزمایش‌های ساده مثل ساخت باغچه‌ای کوچک یا آزمایش‌های هواشناسی را انجام بده.»

اجتماعی: «از مکانی تاریخی یا محلی بازدید کن و گزارشی درباره‌ی تاریخ و اهمیت آن بنویس.»

تشویق به استفاده

از منابع متعدد برای یادگیری

از منابع متعدد مانند کتاب‌ها، اینترنت، ویدئوها و بازی‌های آموزشی برای یادگیری جامع‌تر استفاده کنید.

مخصوصی برای ثبت وضعیت ماهانه‌ی خود در تکلیف‌ها داشته باشند. سپس با استفاده از داده‌ها نمودارهای پیشرفت خود را در میزان تکمیل تکالیف ثبت و به صورت بصری مشاهده کنند. اگر هر روز سه تکلیف داشته باشند، هر هفته پانزده تکلیف خواهند داشت. از آن‌ها بخواهید میزان انجام تکلیف‌های خود را در هر هفته به صورت نمودار خطی یا میله‌ای رسم کنند.

بازخوردهای سازنده

و تشویق به ارزیابی شخصی

باید فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم شود تا عملکرد خود را ارزیابی و بازخوردهای مثبت دریافت کنند.

فارسی: «بعد از خواندن متن درس، بگو چه قسمتی از داستان را بیشتر دوست داری و چرا؟»

ریاضی: «پس از حل یک مسئله‌ی ریاضی، بگو از چه روشی برای حل آن استفاده کردی و آیا می‌توانستی از روش دیگری استفاده کنی؟»

علوم: «پس از انجام آزمایشی ساده، بگو چه چیزی یاد گرفتی و چه سؤالاتی هنوز داری؟»

اجتماعی: «پس از تحقیق درباره‌ی موضوعی اجتماعی، بگو چه چیزی برای تو جالب‌تر بوده است و چرا؟»

طراحی تکلیف‌های چندانگانه و دادن حق

استفاده کند؛ چالش‌هایی مثل نونوگرام و سودوکو و حل معما در ریاضی، استفاده از ضرب‌المثل‌ها و اشعار در زندگی روزمره و تعریف کردن موقعیت‌های استفاده از آن‌ها در کلاس یا دقت در پدیده‌های خلقت به تناسب درس علوم، مثلاً دانش‌آموز می‌تواند در طول روز میزان تغییرات شیمیایی و فیزیکی‌ای را که در خانه انجام می‌شود، بنویسد. چالش‌های غیرآموزشی هم می‌تواند شامل این امور باشد: راه رفتن روی لبه‌ی جدول، روپایی زدن، آب خوردن روزی هشت لیوان، شستن جوراب‌های شخصی، مشت‌ومال پدر، شستن ظرف، بازی‌های متعدد و ...

ایجاد تجربه‌ی موفقیت و پیشرفت

تکلیفی را طراحی کنید که به صورت مرحله‌ای انجام شوند، به طوری که هر مرحله به مرحله‌ی قبلی متصل باشد و دانش‌آموزان بتوانند پیشرفت خود را مشاهده کنند؛ مثلاً در تکلیف ریاضی می‌توان از جواب‌های تکلیف قبلی برای سؤالات تکلیف بعدی استفاده کرد و چنین سؤال داد: «جواب سؤال یک کاربرگ قبلی را تقریب دهگان بزن و بنویس» یا در تکلیف فارسی از این نمونه‌ها استفاده کرد: «با غلط‌های املائی قبلی داستان کوتاه بنویسد.»

ثبت مسیر پیشرفت

از دانش‌آموزان بخواهید دفترچه‌ی یادداشت





فارسی: «متناسب با موضوع درس، یک پویانمایی پیدا کنید.»

ریاضی: «ویدئوهای آموزشی ریاضی را مشاهده کن و به سؤالات مطرح شده در آن‌ها پاسخ بده.»
علوم: «از وبگاه‌های آموزشی رشد درباره‌ی موضوعی علمی تحقیق کن و نتیجه را به کلاس ارائه بده.»

اجتماعی: «با استفاده از منابع متعدد مثل کتاب‌ها، مقالات و ویدئوها تحقیق کن و فعالیت کتاب را انجام بده.»

تشویق به یادگیری از طریق هنر و خلاقیت

از ترکیب هنر و خلاقیت برای درک بهتر مفاهیم درسی استفاده کنید.

فارسی: «بخشی از متن درس را نقاشی کن و آن را به کلاس ارائه بده.»

ریاضی: «اشکال هندسی را با رنگ‌ها و مواد متعدد طراحی کن و مفاهیم ریاضی پشت آن‌ها را توضیح بده.»

علوم: «مدل‌های ساده‌ای از دستگاه‌های زیستی یا طبیعت با استفاده از مواد بازیافتی بساز.»

اجتماعی: «نمایشگاه‌های کوچک فرهنگی را طراحی کنید که فرهنگ‌های اصیل شهرتان را به نمایش بگذارند.»

محور حل مسئله

برخی از راهکارهای مورد استفاده در این محور عبارت‌اند از:

ارائه‌ی تکلیف‌ها با محوریت مسائل واقعی زندگی

تکلیف‌هایی را طراحی کنید که به مسائل و

راهکارهای محور انس برای تغییر رفتار («ننوشتن تکلیف»)

طراحی تکلیف‌های چندگانه و دادن حق انتخاب

جلب مشارکت والدین

تشویق دانش‌آموزان به یادگیری از طریق تجربه‌های عملی

تشویق دانش‌آموزان به استفاده از منابع متعدد برای یادگیری

شخصی‌سازی تکلیف‌ها

ایجاد تجربه‌ی موفقیت و پیشرفت

تشویق به یادگیری از طریق هنر و خلاقیت

در چه شغلی دوست داری کار کنی و چرا.»
ریاضی: «پول توجیبی هفتگی خود را محاسبه کن و بگو چطور می‌توانی مقداری از آن را پس‌انداز کنی.»
علوم: «درباره‌ی شغلی مثل پزشکی یا کشاورزی تحقیق کن و بگو چه چیزهایی باید یادگیری تا آن شغل را داشته باشی.»
اجتماعی: «تحقیق کن که مهارت‌های اجتماعی چگونه می‌توانند به تو در آینده‌ی شغلی کمک کنند و برنامه‌ای به‌منظور توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی برای خودت تهیه کن.»

پیوند دادن تکلیف‌ها

با تجربه‌های روزمره‌ی دانش‌آموزان

تکلیفی طراحی کنید که دانش‌آموزان بتوانند آن‌ها را در زندگی روزمره تجربه و با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

فارسی: «روزی را در مدرسه توصیف کن و بگو چه اتفاقات جالبی در آن روز رخ داده است.»

ریاضی: «به همراه والدین خود به خرید برو و بگو قیمت چند محصول را چگونه محاسبه کردی.»

چالش‌های روزمره مرتبط باشند تا دانش‌آموزان ارتباط عملی با آن‌ها برقرار کنند.

فارسی: «داستان کوتاهی بنویس که در آن یکی از دوستان به مشکلی در خانه برخورد کرده است و تو به او کمک می‌کنی تا آن را حل کند.»

ریاضی: «با کمک والدین خود فهرست خرید هفته را تهیه کن و مجموع هزینه‌ها را محاسبه کن.»

علوم: «برنامه‌ای برای صرفه‌جویی در مصرف آب در خانه‌ی خود طراحی کن و نتیجه‌ی آن را گزارش بده.»

اجتماعی: «نقشه‌ی کوچکی از محله‌ی خود بکش و مکان‌های مهم مانند مدرسه، مسجد و مغازه‌ها را مشخص کن.»

ارتباط بین تکلیف

و آینده‌ی شغلی یا زندگی

ارتباط میان تکلیف و مهارت‌های مورد نیاز در آینده‌ی شغلی یا زندگی روزمره را به بچه‌ها نشان دهید.

فارسی: «نامه‌ای به آینده‌ی خود بنویس و بگو

خواست به‌صورت گروهی فعالیت‌ها را انجام دهند. در مورد دانش‌آموزان دوره‌ی اول هم بهتر است برخی تکلیف‌ها را هر میز با هم انجام دهند. البته باید با نظارت دقیق مانع از این شد که بچه‌ها از رو بنویسند؛ مثلاً به‌صورت تصادفی از یکی از اعضای گروه بخواهیم سؤال را جواب بدهد. قسمت‌هایی را که در هر درس می‌توان به‌صورت گروهی انجام داد، عبارت‌اند از:

فارسی: درک مطلب، درست و نادرست، حکایت‌های پایان هر فصل.

ریاضی: فعالیت و حل مسئله. این دو بخش برای انواع مدل‌های یادگیری طراحی شده‌اند و می‌توان آن‌ها را به خود یادگیرنده سپرد و بعد از روی کتاب خواند و از بچه‌ها پرسید که با کدام روش راحت‌تر کنار آمده‌اند. بخش کاردرکلاس هم چنین ویژگی دارد.

علوم: فکر کنید، گفت‌وگو و جمع‌آوری اطلاعات. **اجتماعی:** می‌توان از ظرفیت ارائه‌ی درس‌ها توسط بچه‌ها استفاده کرد. بدین صورت که یک درس را معلم به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد و روند ارائه‌دادن را یاد می‌دهد. سپس صفحات کتاب را بین دانش‌آموزان تقسیم می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که تدریس را ادامه دهند.

تشویق به یادگیری مستقل و خودگردان

دانش‌آموزان را به یادگیری مستقل و خودگردان برای افزایش مسئولیت‌پذیری تشویق کنید.

فارسی: «کتابی را که خود انتخاب کرده‌ای، بخوان و خلاصه‌ای از آن را بنویس.»

ریاضی: «موضوعی را که در درس ریاضی برای جالب است، انتخاب و درباره‌ی آن تحقیق کن.» **علوم:** «موضوع علمی جذابی را انتخاب کن و تحقیقی مستقل درباره‌ی آن انجام بده.»

اجتماعی: «کشوری خارجی را انتخاب و پروژه‌های کوچک درباره‌ی فرهنگ آن تهیه کن.»

راهکارهای محور حل مسئله برای تغییر رفتار «ننوشتن تکلیف»
ارائه‌ی تکلیف با محوریت مسائل واقعی زندگی
ایجاد ارتباط بین تکلیف و آینده‌ی شغلی یا زندگی
پیوند دادن تکلیف با تجربه‌های روزمره‌ی دانش‌آموزان
تشویق به تفکر انتقادی و حل مسئله

محور مسئولیت

فرایند نوشتن تکلیف را از طریق مسئولیت‌دهی فردی و گروهی تقویت کنید. راهکارهای پیشنهادی در این محور عبارت‌اند از:

ایجاد حس استقلال

به‌منظور پذیرش مسئولیت انجام تکلیف

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، از دانش‌آموزان پنجم و ششم می‌توان انتظار داشت که خودشان فرایند دریافت، انجام و بازخوردگیری تکلیف‌ها را بر عهده بگیرند. در تعامل با این دانش‌آموزان باید از هویت بزرگ‌بودن استفاده کرد؛ مثلاً در ابتدای سال می‌توان به آن‌ها گفت: «دیگه شما بزرگ شدید و زشته برای کارهای شخصی‌تون با پدر یا مادرتون وارد گفت‌وگو شویم و مثلاً به آن‌ها بگوییم که فلاتی بچه‌ی شما ناخن‌هاش رو کوتاه نمی‌کنه، بی‌زحمت پیگیر باشید که ناخن‌هاش کوتاه بشه یا تکالیفش رو ننوشته، بی‌زحمت پیگیر باشید.»

کارگردهای درسی

در بررسی تکلیف‌ها می‌توان از دانش‌آموزانی که روند بهتری در انجام تکلیف دارند، استفاده کرد. دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت گروهی مسئول بررسی تکلیف‌های درسی باشند. بهتر است ابتدا تکلیف‌های آسانی مثل درس فارسی، اجتماعی و هدیه را بررسی کنند. از ابتدای قبول مسئولیت، بچه‌ها فقط باید نوشتن، نوشتن یا ناقص نوشتن را از طریق گذاشتن علامتی روی فهرست تحویل مربی دهند. به‌مرور می‌توان بررسی درستی یا نادرستی تکلیف‌ها را هم به آن‌ها سپرد. باید به این نکته دقت کرد که این مسئولیت خواهان بسیاری دارد و بهتر است بین تمامی دانش‌آموزان، اگر تا اواسط سال از نظر انجام تکلیف مشکلی نداشتند، تقسیم شود. در ابتدای راه ممکن است با زیاده‌خواهی افراد مسئول مواجه شوید؛ دانش‌آموزانی که می‌خواهند بر سایر دانش‌آموزان حکمرانی کنند. به‌مرور بایستی برای آن‌ها مشخص شود که ما وظیفه‌ای جز کمک به دانش‌آموزان برای بهبود روند انجام تکلیف نداریم.

انجام تکلیف به‌صورت گروهی و فردی

برای دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی، برخی از فعالیت‌های کتاب را می‌توان به‌صورت تکلیف ارائه نکرد؛ بلکه به‌منظور افزایش حس مسئولیت‌پذیری در کلاس، می‌توان از آن‌ها



علوم: «روز به بوستان برو و درباره‌ی درخت‌ها، پرندگان و حیواناتی که می‌بینی، تحقیق کن.» **اجتماعی:** «در محله‌تان قدم بزن و بگو چه مکان‌های مهمی در آنجا وجود دارد، مثل مسجد، مدرسه، مغازه و...»

تشویق به تفکر انتقادی و حل مسئله

تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله را در دانش‌آموزان تقویت کنید.

فارسی: «بخوان و ببیندیش را که خوانده‌ای؟! تحلیل کن و به سؤالاتی مانند چرا شخصیت اصلی این تصمیم را گرفت؟ پاسخ بده.»

ریاضی: «مسائل ریاضی پیچیده‌ای را حل کن که نیاز به چندین مرحله دارند.»

علوم: «پرسش‌هایی علمی مطرح کن، مانند چرا بعضی گیاهان در شرایط خشک بهتر رشد می‌کنند؟ به دنبال پاسخ‌های خلاقانه بگرد.»

اجتماعی: «مسائلی اجتماعی مثل این مسئله را که چگونه می‌توانیم در مدرسه‌مان محیط زیست را حفظ کنیم؟ بررسی کن و راه‌حل‌های خود را ارائه بده.»



ساجده میرزایی
کارشناس آموزش ابتدایی

تربیت نرم

شاید مهم‌ترین نقشی که مطالعه‌ی ناتوانی‌های یادگیری در آموزش دارد، کشف این نکته است که افراد نقاط قوت و ضعف متفاوتی دارند و آن ضعف‌ها و قوت‌ها باید در برنامه‌ریزی و تدارک آموزشی آن‌ها در نظر گرفته شوند.

تعریف ناتوانی‌های یادگیری

طبق تعریف انجمن ملی اختلالات یادگیری^۱، ناتوانی‌های یادگیری به اختلالاتی اطلاق می‌شود که توانایی فرد را در پردازش، ذخیره‌سازی یا بازیابی اطلاعات محدود می‌کنند. این اختلالات می‌توانند بر توانایی‌های متعددی از جمله خواندن (دیسلکسی)، نوشتن (دیسگرافیا) و محاسبات ریاضی (دیسکالکولیا) تأثیر بگذارند، در حالی که سطح هوش افراد مبتلا معمولاً در محدوده‌ی عادی (نرمال) یا بالاتر از آن است. به عبارت دیگر، این اختلالات به دلیل نقص در نحوه‌ی پردازش اطلاعات در مغز به وجود می‌آیند و ارتباطی با هوش فرد ندارند.

چه تفاوتی بین اختلال

یادگیری و ناتوانی یادگیری وجود دارد

ناتوانی‌های یادگیری کارکردهای اساسی مغز هستند که در کودک دچار اختلال یادگیری، غیرعادی جلوه می‌کنند. در واقع ناتوانی یادگیری موجب اختلال یادگیری می‌شود. این اختلال یادگیری همان جلوه‌ی عملکرددهای غیرعادی کودک است که شما آن را می‌بینید؛ مثلاً کودکی را می‌بینید که نمی‌تواند بخواند، بنویسد یا اعمال ریاضی را انجام دهد و به طور کلی نمی‌تواند روان عمل کند. بهترین روش برای درک ماهیت ناتوانی یادگیری این است که شما اطلاعات مختصری از نحوه‌ی استفاده‌ی افراد از مغزشان برای یادگیری داشته باشید (شریعتی، ۱۳۸۷).

انواع ناتوانی‌های یادگیری

الف) اختلال در خواندن (دیسلکسی)

این اختلال یکی از اختلالات رایج در میان ناتوانی‌های یادگیری است که افراد مبتلا به آن در تشخیص حرف‌ها، تلفظ کلمات یا درک مطلب با مشکل مواجه می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند این اختلال به دلیل مشکلات در عملکرد مغز در پردازش زبان شفاهی و نوشتاری رخ می‌دهد (شیویتز، ۲۰۰۳).

ب) اختلال در نوشتن (دیسگرافیا)

افراد مبتلا به این اختلال در نوشتن مشکل

بررسی شخصیت دانش‌آموزانی که با ناتوانی‌های یادگیری درگیر هستند، یکی از مهم‌ترین مقولاتی است که معلمان باید به آن بپردازند. پذیرش تفاوت‌ها یا گوناگونی‌ها در عملکرد دانش‌آموز و اصلاح آموزش با توجه به نیازهای متفاوت دانش‌آموزان پیامدهای موفقیت‌آمیزی خواهد داشت که هدف آموزش دانش‌آموزانی است که ناتوانی یادگیری دارند. هدف معلمان بدون در نظر گرفتن اینکه آیا آن‌ها منحصرأ با دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری کار می‌کنند یا با دانش‌آموزان عادی یا با آن‌هایی که ناتوانی‌های اساسی‌تر دارند، باید با نیازهای انفرادی دانش‌آموزانشان متناسب باشد.





دارند. این اختلال می‌تواند شامل دشواری در نگارش دقیق و منظم حرف‌ها، ساخت جملات صحیح و استفاده از دستور زبان درست باشد. مطالعات نشان داده‌اند اختلال در نوشتن با مشکلات در هماهنگی حرکتی و پردازش زبان در مغز ارتباط دارد (برنینگر، ۲۰۰۸).

ج) اختلال در ریاضیات (دیسکالکولیا)

این اختلال توانایی فرد را در درک و انجام عملیات ریاضی تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند مشکلاتی در شناسایی اعداد، انجام محاسبات ساده و درک مفاهیم ریاضی ایجاد کند (گی‌تری، ۲۰۰۴).

علل ایجاد ناتوانی‌های یادگیری

علت دقیق ناتوانی‌های یادگیری هنوز کاملاً شفاف نیست؛ اما تحقیقات نشان می‌دهند این اختلالات ممکن است به عوامل ژنتیکی، محیطی و آسیب‌های مغزی مرتبط باشند. برخی از مهم‌ترین عوامل شامل این موارد هستند:

الف) عوامل ژنتیکی

مطالعات نشان داده‌اند ناتوانی‌های یادگیری در برخی از خانواده‌ها بیشتر دیده می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده‌ی نقش ژنتیک در بروز این اختلالات است (شیویتز و همکاران، ۱۹۹۲).

ب) عوامل محیطی

تأثیرات محیطی نیز می‌توانند بر بروز ناتوانی‌های یادگیری تأثیر گذار باشند؛ مثلاً سوء تغذیه، مصرف مواد مخدر یا الکل توسط مادر در دوران بارداری و آسیب‌های جسمی به مغز می‌توانند عوامل مؤثری در بروز این اختلالات باشند (کاتیوسیک و همکاران، ۲۰۰۱).

ج) آسیب‌های مغزی

آسیب‌های مغزی در دوران تولد یا در مراحل ابتدایی زندگی، مانند آسیب‌های ناشی از تصادفات یا بیماری‌ها، می‌توانند به اختلالات در پردازش اطلاعات و ایجاد ناتوانی‌های یادگیری منجر شوند (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۰).

تشخیص ناتوانی یادگیری

تشخیص ناتوانی‌های یادگیری معمولاً از طریق ارزیابی‌های تخصصی انجام می‌شود. این ارزیابی‌ها شامل آزمون‌های روان‌شناسی و آموزشی است که به تعیین سطح عملکرد فرد در زمینه‌های گوناگون کمک می‌کند. علاوه بر این، بررسی تاریخچه‌ی تحصیلی و خانوادگی فرد نیز می‌تواند

در تشخیص ناتوانی‌های یادگیری مفید باشد. مهم‌ترین ابزار تشخیص شامل این موارد هستند:

الف) آزمون‌های هوش

آزمون‌های هوش می‌توانند توانایی‌های شناختی فرد را ارزیابی کنند. این اطلاعات به تشخیص ناتوانی‌های یادگیری کمک می‌کنند (وچسلر، ۲۰۰۸).

ب) آزمون‌های مهارت‌های تحصیلی

این آزمون‌ها مهارت‌های فرد را در زمینه‌های گوناگون مانند خواندن، نوشتن و ریاضیات می‌سنجند و می‌توانند به شناسایی ناتوانی‌های یادگیری کمک کنند.

درمان و حمایت‌های آموزشی

افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری می‌توانند از روش‌های آموزشی ویژه‌ای برای بهبود مهارت‌های خود بهره‌مند شوند. این روش‌ها معمولاً شامل تدریس خصوصی، استفاده از فناوری آموزشی و طراحی برنامه‌های آموزشی خاص است. به علاوه، حمایت‌های روان‌شناختی نیز برای کمک به افراد در مقابله با مشکلات اجتماعی و روانی می‌تواند مفید باشد. برخی از روش‌های درمانی عبارتند از:

الف) آموزش خاص

آموزش‌های خاص می‌توانند به فرد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری کمک کنند تا مهارت‌های خود را در زمینه‌های متعدد بهبود بخشد. این نوع آموزش معمولاً با برنامه‌های فردی و با استفاده از فنون متناسب با نیازهای خاص هر فرد طراحی می‌شود (فلچر و همکاران، ۲۰۰۷).

ب) فناوری آموزشی

استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی، ابزارهای دیجیتال و دستگاه‌های کمک‌پزشکی می‌تواند به افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری کمک کند تا مهارت‌های خود را در زمینه‌های متعدد تقویت کنند (رز و میر، ۲۰۰۲).

ج) حمایت روان‌شناختی

افراد مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری ممکن است به دلیل مشکلات اجتماعی

و روانی خود نیاز به حمایت روان‌شناختی داشته باشند. مشاوره و روان‌درمانی می‌تواند به این افراد در مدیریت تنش، اضطراب و مشکلات اجتماعی کمک کند (سوانسون، ۲۰۰۱).

نتیجه‌گیری

ناتوانی‌های یادگیری یکی از مشکلات پیچیده در زمینه‌ی آموزش و روان‌شناسی است که می‌تواند تأثیرات منفی بر زندگی افراد مبتلا به این اختلالات داشته باشد. تشخیص زودهنگام، حمایت‌های آموزشی مناسب و استفاده از روش‌های درمانی ویژه می‌تواند به بهبود شرایط تحصیلی و اجتماعی این افراد کمک کند. آگاهی بیشتر از این اختلالات و روش‌های درمانی همچنین می‌تواند کیفیت زندگی افراد مبتلا را بالاتر برد و از تبعات منفی این اختلالات جلوگیری کند.

پی‌نوشت

1. National Learning Disabilities Association, NLDA

منابع

۱. شریعتی، هوشنگ، ۱۳۸۷، «ناتوانی‌های یادگیری، اختلال‌های یادگیری»، مجله تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۸۳.
2. Berninger, V. W., et al. (2008). "Evidence-based treatment of dyslexia." *Developmental Neuropsychology*, 33(3), 162-188.
3. Fletcher, J. M., Lyon, G. R., Fuchs, L. S., & Barnes, M. A. (2007). *Learning disabilities: From identification to intervention*. Guilford Press.
4. Geary, D. C. (2004). *Mathematical disabilities: Cognitive, neuropsychological, and genetic components*. *Psychological Bulletin*, 130(3), 525-548.
5. Katusic, S. K., et al. (2001). "The epidemiology of learning disabilities in children." *The Journal of Pediatrics*, 139(3), 489-495.
6. Rose, D. H., & Meyer, A. (2002). *Teaching every student in the digital age: Universal design for learning*. Association for Supervision and Curriculum Development.
7. Shaywitz, S. E. (2003). *Overcoming dyslexia: A new and complete science-based program for reading problems at any level*. Alfred A. Knopf.
8. Shaywitz, S. E., et al. (1992). "Disruption of posterior brain systems for reading in children with developmental dyslexia." *Biological Psychiatry*, 32(12), 1045-1063.
9. Swanson, H. L. (2001). "Interventions for students with learning disabilities: A meta-analysis of treatment outcomes." *The Journal of Learning Disabilities*, 34(2), 118-136.
10. Thompson, M., et al. (2000). "The neurological basis of learning disabilities." *Journal of Learning Disabilities*, 33(4), 368-381.
11. Wechsler, D. (2008). *Wechsler Adult Intelligence Scale—Fourth Edition (WAIS-IV)*. Pearson.



تدریس مزاجی!

خانم معلم سال‌ها بود که تدریس می‌کرد؛ اما هر سال به این نتیجه می‌رسید که هیچ کلاسی شبیه به کلاس دیگر نیست. هر گروه از دانش‌آموزان، ترکیبی منحصر به فرد از شخصیت‌ها و نیازها را با خود به همراه می‌آوردند. او معتقد بود برای موفقیت در تدریس، باید هر دانش‌آموز را به خوبی شناخت و بر اساس ویژگی‌هایش کلاس را مدیریت کرد. این بار، تصمیم گرفت از شناخت مزاج‌ها^۱ استفاده کند؛ روشی که به او کمک می‌کرد تا یادگیری را برای همه جذاب‌تر و مؤثرتر کند.

مدیریت کلاس متناسب با مزاج‌ها

صفاوی‌ها همیشه اولین گروهی بودند که در کلاس جلب توجه می‌کردند. این دانش‌آموزان، پراثری و پر جنب و جوش و گاهی حتی شلوغ بودند. خانم معلم متوجه شده بود اگر این انرژی

به این مقوله بپردازد؟^۲ پاسخ ساده است؛ وقتی معلمان مزاج دانش‌آموزان خود را بشناسند، می‌توانند روش‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی، مدیریت کلاس و... را طوری طراحی کنند که با ویژگی‌های هر دانش‌آموز سازگار باشد. این شناخت، معلمان را قادر می‌سازد به جای نگاه کلیشه‌ای به دانش‌آموزان، با هر کدام بر اساس ویژگی‌های منحصر به فردشان تعامل کنند و آن‌ها را به بهترین نسخه از خودشان تبدیل کنند.

در ادامه می‌خواهیم وارد مدرسه‌ای شویم که معلم، در کلاس، متناسب با هر مزاج به ارائه روش‌های تدریس، مدیریت کلاس یا ارزشیابی می‌پردازد:

سید علی عبداللہی حسینی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سفیر نوآفرینی
آموزش، مربی (کوچ) عملکرد
عدرا بیگم هژبری
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و مدیر
مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

چند وقت پیش در جلسه‌ای در شورای معلمان دبستان مهرگان بابل، فرصتی پیش آمد تا کارشناس بهداشت مدرسه، خانم اعظمی^۱، با موضوعی غیر مرتبط و شاید کمتر پذیرفته شده در دنیای تعلیم و تربیت، به نام «مزاج‌شناسی^۲»، کارگاهی را برگزار کند. موضوع این کارگاه پیرامون ارتباط مزاج‌ها با یادگیری و رفتار دانش‌آموزان بود. ابتدا فکر کردیم این مبحث شاید فقط رویکردی جانبی باشد، اما هر چه پیش‌تر رفتیم، متوجه شدیم این دانش می‌تواند تحولی جدی در شیوه‌های تدریس و مدیریت کلاس ایجاد کند.

این جلسه باعث شد من به عنوان مربی (کوچ) عملکرد و خانم دکتر هژبری، مدیر مدرسه، ایده‌هایی عملی برای استفاده از این رویکرد ارائه کنیم؛ چرا که پس از آشنایی اولیه با مفاهیم مرتبط با طب سنتی و مزاج‌شناسی به این باور رسیدیم که مزاج‌شناسی نه تنها درک معلمان از دانش‌آموزان را عمیق‌تر می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش تعاملات مثبت در کلاس نیز کمک می‌کند. بنابراین تصمیم گرفتیم، در این مقاله، تجربه‌ها و یافته‌های خودمان را با شما به اشتراک بگذاریم.

مزاج چیست و چرا شناخت آن اهمیت دارد؟

مزاج‌شناسی یکی از مفاهیم کلیدی در طب سنتی^۳ است. بر اساس این دیدگاه، هر فرد دارای مزاجی منحصر به فرد است که بر اساس تعادل یا غلبه یکی از اخلاط چهارگانه‌ی صفرا، دم، بلغم و سودا شکل می‌گیرد.

شاید بپرسید: «این موضوع چه ربطی به آموزش دارد و چرا مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی باید





را در مسیر درستی هدایت کند، صفراوی‌ها می‌توانند به نیروی محرکه‌ی کلاس تبدیل شوند. او تصمیم گرفت برنامه‌های کلاسی را به بخش‌های کوتاه و هیجان‌انگیز تقسیم کند؛ مثلاً برای تدریس درس ریاضی، از بازی‌های رقابتی استفاده می‌کرد. او روی تخته، سؤال‌های چالشی می‌نوشت و می‌گفت: «چه کسی می‌تواند سریع‌تر جواب بدهد؟» صفراوی‌ها با اشتیاق دست‌هایشان را بالا می‌بردند و تلاش می‌کردند زودتر از بقیه پاسخ دهند. خانم معلم حتی زمان استراحت بین درس‌ها را برای این دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کرده بود. او فعالیت‌های حرکتی مانند پریدن روی حرف‌ها یا بازی‌های تعاملی را طراحی می‌کرد تا انرژی آن‌ها را تخلیه کند و توجهشان را برای درس‌های بعدی حفظ کند. دمو‌ها با روحیه‌ی اجتماعی و تعامل‌گرای

خود همیشه به دنبال فرصتی برای همکاری و مشارکت بودند. خانم معلم این ویژگی را به‌خوبی می‌شناخت و فعالیت‌های گروهی را به بخش مهمی از برنامه‌ی کلاسی تبدیل می‌کرد؛ مثلاً در درس علوم، پروژه‌هایی طراحی می‌کرد که هر گروه باید درباره‌ی موضوعی تحقیق می‌کرد و نتیجه‌ی کارش را ارائه می‌داد. دمو‌ها عاشق این نوع فعالیت‌ها بودند.

بلغمی‌ها دانش‌آموزانی آرام و دقیق بودند که به محیطی منظم و پایدار نیاز داشتند. خانم معلم برای این گروه، قوانینی شفاف و برنامه‌ریزی دقیق ارائه می‌کرد. او هر روز قبل از شروع درس‌ها، جدول زمان‌بندی روزانه را روی تخته می‌نوشت تا بلغمی‌ها بدانند چه انتظاری از آن‌ها می‌رود.

در تدریس، خانم معلم از روش‌هایی استفاده می‌کرد که به بلغمی‌ها اجازه می‌داد با آرامش و تمرکز یاد بگیرند. داستان‌خوانی، حل جدول کلمات یا فعالیت‌هایی که به تفکر و تحلیل نیاز داشتند، بخش مهمی از برنامه‌ی کلاسی او برای این دانش‌آموزان بود. بلغمی‌ها در این محیط آرام و بدون تنش، عملکرد بهتری داشتند و حس امنیت و پیشرفت را تجربه می‌کردند.

و اما سوداوی‌ها، این دانش‌آموزان دقیق و تحلیلگر، همیشه به دنبال موضوعات عمیق و چالش‌های فکری بودند. خانم معلم برای آن‌ها پروژه‌های تحقیقی طراحی می‌کرد؛ مثلاً از آن‌ها می‌خواست درباره‌ی موضوعاتی مانند «تحولات علمی» یا «سیر تکاملی زندگی گیاهان» تحقیق کنند.

ارزشیابی یکی از مهم‌ترین بخش‌های تدریس خانم معلم بود. او معتقد بود هر دانش‌آموز باید فرصتی برابر برای نشان‌دادن توانایی‌هایش داشته باشد. برای صفراوی‌ها، آزمون‌های عملی و مسابقه‌ای طراحی می‌کرد. دمو‌ها از ارائه‌های گروهی و کارهای تعاملی لذت می‌بردند؛ بنابراین او از این روش برای ارزشیابی آن‌ها استفاده می‌کرد. بلغمی‌ها در آزمون‌های کتبی با زمان کافی، بهترین عملکرد را داشتند و سوداوی‌ها با پروژه‌های تحقیقی و تحلیل‌های دقیق خودشان را نشان می‌دادند.

خانم معلم با این شیوه‌ها کلاسش را به فضایی

شاد و پربار تبدیل کرده بود. هر دانش‌آموز، با هر مزاجی، احساس می‌کرد دیده می‌شود و ارزش دارد. او نه تنها توانسته بود نظم را در کلاس برقرار کند، بلکه بچه‌ها را به یادگیری مشتاق‌تر کرده بود.

این کلاس، نمادی از هماهنگی تفاوت‌ها بود؛ جایی که هر دانش‌آموز با تمام ویژگی‌های منحصر به فردش، می‌توانست بدرخشد و بهترین خود را نشان دهد. خانم معلم با لبخند به بچه‌ها نگاه می‌کرد و با خود می‌گفت: «آموزش یعنی همین؛ شناختن، پذیرفتن و هدایت کردن».

جمع‌بندی

شناخت مزاج دانش‌آموزان ابزاری کاربردی است که می‌تواند در بهبود تعاملات کلاسی و ارتقای یادگیری مؤثر باشد. این رویکرد به معلمان کمک می‌کند کلاس‌هایی شادتر، هدفمندتر و متناسب‌تر با نیازهای دانش‌آموزان طراحی کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای حفظ حریم خصوصی، نام انتخابی واقعی نیست.
۲. مزاج‌شناسی در طب سنتی ایرانی به مطالعه‌ی کیفیت‌ها و ویژگی‌های بدنی افراد بر اساس تعادل یا غلبه‌ی عناصر چهارگانه (آب، آتش، خاک، هوا) در بدن آن‌ها می‌پردازد. مزاج کیفیتی است که از تعامل این عناصر در بدن ایجاد می‌شود. به‌طور کلی، افراد را به مزاج‌های گرم و خشک (صفراوی)، گرم و تر (دموی)، سرد و خشک (سوداوی)، و سرد و تر (بلغمی) تقسیم می‌کند. این مزاج‌ها بر اساس ویژگی‌های بدنی، رفتاری و حتی حساسیت‌های فرد نسبت به محیط تعریف می‌شوند.
۳. طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت (WHO)، طب سنتی به مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و روش‌های مبتنی بر نظریه‌ها، باورها و تجارب بومی اشاره دارد که در فرهنگ‌های مختلف توسعه یافته است و برای پیشگیری، تشخیص، بهبود یا درمان بیماری‌ها به کار می‌رود.
۴. با مشاهده‌ی رفتارها و واکنش‌های دانش‌آموزان، توجه به الگوهای یادگیری‌شان، بررسی ویژگی‌های جسمانی، مصاحبه و گفت‌وگو و مهم‌تر از همه با استفاده از آزمون‌ها و پرسش‌نامه‌ها می‌توان مزاج دانش‌آموزان را تشخیص داد.

منابع

۱. قلی‌پور، جوادعلی، ۱۴۰۲، مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، تهران: جام جوان
۲. کیانی، کاظم، ۱۴۰۲، مزاج‌شناسی و شناخت طبع میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان دارویی، تبریز: زر‌قلم





از مخاطره تا آسیب

بررسی عوامل مخاطرات کودکان و ارائه راهکارهای حمایتی

فرشته آذری خاکستر

کارشناس فقه و حقوق، آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی منطقه ۱۷ تهران

عوامل خطر منجر به آسیب روحی

کودک برای رشد روانی علاوه بر تغذیه‌ی مناسب به محبت نیز نیاز دارد؛ پس هرگونه سوء رفتار خواه ناشی از شکنجه‌ی روحی و خواه ناشی از کوتاهی در محبت کردن باشد، منجر به آسیب روانی در کودک می‌شود.

یکی از نتایج آسیب روانی کودکان فرار آن‌ها، به‌ویژه دختران، از منزل است. آن‌ها با این اقدام در پی نجات از رفتارهای منجر به آسیب هستند.

میزان بزهکاری در بین نوجوانان خانواده‌هایی که دچار ازهم‌پاشیدگی عاطفی شده‌اند، بیشتر از

کودکانی که مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند ممکن است متحمل آسیب‌های جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی شوند. گاهی این سوء رفتار به‌طور مستقیم متوجه کودک نیست، اما غیرمستقیم کودک را با آسیب مواجه می‌کند که در این راستا می‌توان به انحرافات اخلاقی و اعتیاد والدین اشاره کرد. آسیب اجتماعی ممکن است در قالب ارتکاب رفتاری مجرمانه باشد.

عوامل خطر منجر به آسیب جسمی

طبق ماده‌ی ۱۹ پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، کشورهای عضو این پیمان‌نامه باید در برابر هر خشونت جسمی یا روحی و روانی، صدمه یا آزار، بی‌توجهی یا رفتار توأم با سهل‌انگاری، سوء رفتار یا بهره‌کشی از جمله سوءاستفاده‌ی جنسی اقدامات تقنینی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را به عمل آورند.

با توجه به اینکه پیشگیری رشدمدار به دنبال شناسایی عوامل مخاطره‌آمیز و تلاش برای رفع آن‌ها و انجام اقدامات حمایتی در این زمینه است، باید عوامل ایجاد آسیب جسمی شناسایی شوند و کودکان در معرض این آسیب، تحت حمایت قرار گیرند.

یکی از این عوامل، بر اساس دیدگاه «بی‌سازمانی اجتماعی»^۱، تغییرات اجتماعی سریع است. این تغییرات هنجارهای جامعه را مختل و ضعیف می‌سازد و ضعیف‌شدن هنجارهای هنجاری را به وجود می‌آورد که نتیجه‌ی آن ارتکاب بزه نظیر آزار جسمی علیه کودکان است.

شاید یکی دیگر از دلایلی که ممکن است منجر به ایراد صدمه‌ی بدنی به کودک شود، «حق تنبیه طفل توسط والدین» حسب ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی باشد. طبق این ماده ابوبن حق تنبیه طفل خود را دارند؛ اما ذکر این نکته نیز ضروری است که به استناد همین ماده‌ی قانونی، والدین نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه کنند.

همه‌ی کودکان می‌توانند ستاره‌ای شوند و در راهی یگانه و یکتا بسیار بدرخشند؛ برخی با هنر، برخی با تحصیلات، برخی با موفقیت‌های ورزشی و... کودکان گل‌های زیبایی هستند که اگر درست پرورش یابند عطر وجودشان همه‌جا را فرامی‌گیرد. با این اوصاف، در همه‌ی قرن‌های گذشته همواره کودکانی بوده‌اند که هرگز فرصت کودکی کردن را نیافته‌اند و برای رهایی از فقر مجبور به کار کردن شده‌اند.

بسیاری از این کودکان در زمین‌های کشاورزی صبح را به شام می‌رسانند یا چوپانی می‌کردند؛ اما بعد از انقلاب صنعتی و تمایل کارفرمایان برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت، دنیا با پدیده‌ای جدی مواجه شد؛ کودکان کار. پدیده‌ای که بهره‌کشی از کودکان را با هدف منافع اقتصادی به‌شکل ساختاری در جوامع نهادینه کرد. در واقع پس از انقلاب صنعتی بود که کودکان در کارخانه‌های بزرگ و کوچک به کارهایی گمارده شدند که از توان جسمی آن‌ها خارج بود و سلامت روح و روانشان را هم به خطر می‌انداخت. کودکانی که از کمترین حقوق بی‌بهره بودند و از طرف حکومت‌ها هم حمایت نمی‌شدند.

عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹)

عوامل خطر عواملی هستند که منجر به آسیب جسمی و روحی فرد می‌شوند. عواملی نظیر سوء رفتار، انجام یا مسامحه در هر عملی که منجر به ضرر رساندن به کودک و ایجاد مشکلات بهداشتی او می‌شود یا آسایش و سلامتی او را به هم می‌زند. سوء رفتار لزوماً مبتنی بر عمد نیست و گاهی به خطا اتفاق می‌افتد.





نوجوانانی است که خانواده‌ای سالم دارند؛ پس کمبود محبت می‌تواند باعث طردشدن از خانواده شود و کودکانی که والدین به آن‌ها بی‌توجه هستند یا کمبود محبت دارند، بیش از همه در معرض ارتکاب بزه یا انحرافات مانده فرار از مدرسه و خانه قرار می‌گیرند. عوامل خطر اخلاقی و بی‌توجهی در انجام تکالیف منجر به آسیب اجتماعی نیز می‌شود. سوء رفتار والدین لزوماً ناظر به رفتارهای مبتنی بر خشونت با کودکان نیست؛ بلکه گاهی اوقات ناشی از ارتکاب برخی رفتارهای صدهنجاری است که والدین انجام می‌دهند و

کودک را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهند.

عوامل خطر منجر به آسیب اخلاقی

رفتار کودکان ناشی از آموزش‌های محیطی است. با این توضیح که نحوه‌ی رفتار والدین یا سایر اعضای خانواده ساختار اخلاقی کودک را شکل می‌دهد. الگوهای رفتاری کودک، در آغاز زندگی، والدین و سایر اعضای خانواده هستند و نخستین شیوه‌های رفتاری انعکاسی از نحوه‌ی رفتار والدین و سایر اعضای خانواده هستند؛ پس اگر والدین در تربیت کودک بکوشند،

زمینه‌ای برای بزهکاری کودکان نیست.

بی‌توجهی والدین در انجام تکالیف خود

والدین مکلف به فراهم‌آوردن نیازهای اولیه‌ی کودکان هستند و بی‌توجهی آن‌ها کودکان را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌دهد. بی‌توجهی رفتاری انفعالی است و به محرومیت‌هایی نظیر فقدان غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت بهداشتی و احترام و محبت اطلاق می‌شود. تفاوت بی‌توجهی با سوء رفتار این است که سوء رفتار عموماً یک رفتار فعالانه است که منجر به آسیب‌های جسمی می‌شود.

بی‌توجهی والدین در ایجاد زمینه‌ای برای تحصیل نیز از مواردی است که کودک را در مخاطره قرار می‌دهد. اختلال کمبودتوجه در افرادی دیده می‌شود که به‌طور مشخص بی‌توجه، نامنظم، حواس‌پرت و فراموشکارند. این افراد اعتمادبه‌نفس پایینی دارند و در تحصیل چنان موفق نیستند. کودکانی که نشانه‌های کمبودتوجه و بیش‌فعالی را دارند، اگر راهکاری برای هدایتشان ارائه نشود، در موقعیت مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها اقداماتی که در زمینه‌ی حقوق کودکان انجام شده است، نشان‌دهنده‌ی اهمیت پیشگیری خانواده‌مدار و لزوم مشارکت تمامی نهادهای مؤثر در این زمینه است. کودکان در شرایط مساوی قرار ندارند و حتی بعضی از آن‌ها در شرایطی قرار می‌گیرند که زمینه‌ی ارتکاب بزه فراهم است. این وضعیت که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به مخاطره‌آمیز تعبیر شده است، ناشی از شرایطی است که گاه والدین نقش ارادی و گاه غیرارادی در ایجاد آن دارند و گاه به‌صورت ضرب و جرح و طرد روحی کودکان بروز می‌کند.

مسیر رفع وضعیت مخاطره‌آمیز و بازگشت به شرایط عادی زندگی مستلزم مداخله‌ی نهادهای اجتماعی با تأکید بر نقش خانواده است؛ زیرا خانواده مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار بر کودکان است.

بی‌نوشت‌ها

۱. طبق نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی، وجود هرگونه ناپهنجاری محصول مجموعه‌ای از اشکالات در ساخت هنجاری جامعه است.

منابع

۱. پنتلی، الیزابت و دیگران، (۱۳۹۲)، دنیای کودکان موفق، با همکاری الیزابت و ترجمه‌ی بهاره نیکجو، مهرداد مشیرراد، تهران: پنجره.
۲. دو گاندی، جورجیا و کندل، آن، (۱۳۹۹)، با کودکان بدقلق و ناآرام چه کار کنیم؟ مهارت‌های عملی برای والدین و مشاوران، با مقدمه‌ی دکتر کتایون خواجهی و ترجمه‌ی سولماز جوکار، یاسمن بانکی، تهران: ارجمند.
۳. سونا، لیندا، (۱۳۸۸)، کلیدهای آموختن درباره‌ی کودکان کم‌توجه و بیش‌فعال، ترجمه‌ی ترانه پیمانی، چاپ اول، تهران: صابرین.
۴. عباسی، سجاد و دیگران، (۱۴۰۰)، «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان؛ آموزه‌های حقوق کیفری»، نشریه‌ی آموزه‌های حقوق کیفری، دوره‌ی جدید، بهار و تابستان، شماره‌ی ۱۸، دوره‌ی ۲۱.





ریاضی واقعی با هوش مصنوعی

سعیده جعفری

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

سرگروه آموزشی پایه‌ی ششم ناحیه‌ی یک شیراز

کاربردهای هوش مصنوعی

در تدریس ریاضی

۱. استفاده از سامانه‌های

آموزش تطبیقی

سامانه‌های آموزش تطبیقی از هوش مصنوعی برای تحلیل عملکرد دانش‌آموزان و ارائه‌ی محتوای آموزشی شخصی‌سازی‌شده استفاده می‌کنند. این سامانه‌ها با شناسایی نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان، به ارائه‌ی تمرین‌ها و محتوای مناسب برای هر فرد کمک می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند استفاده از سامانه‌های تطبیقی هوش مصنوعی در تدریس ریاضی می‌تواند عملکرد دانش‌آموزان را تا ۳۰ درصد بهبود بخشد (اسمیت، ۲۰۲۰).

۲. تولید محتوای آموزشی هوشمند

هوش مصنوعی می‌تواند به تولید محتوای آموزشی تعاملی و جذاب کمک کند. این محتواها شامل بازی‌های آموزشی، جورچین‌ها و شبیه‌سازهای تعاملی هستند که به بهبود درک مفاهیم ریاضی کمک می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استفاده از بازی‌های آموزشی هوش مصنوعی می‌تواند انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموزان را تا ۴۰ درصد افزایش دهد (جانسون و براون، ۲۰۱۹).

۳. استفاده از شبیه‌سازهای آموزشی

شبیه‌سازهای مبتنی بر هوش مصنوعی

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، تدریس ریاضی، آموزش ابتدایی، فناوری آموزشی، یادگیری هوشمند، انگیزه‌ی یادگیری، یادگیری پایدار

مقدمه

در عصر حاضر، فناوری به‌سرعت در حال پیشرفت است و تأثیرات عمیقی بر زندگی روزمره‌ی ما دارد. آموزش یکی از حوزه‌هایی است که از این تحولات بهره‌مند شده است. استفاده از هوش مصنوعی در آموزش می‌تواند به بهبود فرایند یادگیری و افزایش انگیزه‌ی دانش‌آموزان کمک کند که در این مقاله به بررسی این موارد و تأثیرات مثبت هوش مصنوعی می‌پردازیم.

این مقاله به بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در تدریس ریاضی در دوره‌ی ابتدایی می‌پردازد و تأثیر این فناوری را بر بهبود یادگیری، افزایش علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان و پایداری یادگیری آن‌ها ارزیابی می‌کند. در این نوشتار همچنین با استفاده از مطالعات موردی و نمونه‌های عملی، روش‌های کاربردی و عملی برای تدریس با هوش مصنوعی معرفی می‌شود. نتیجه‌ها نشان می‌دهند استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند بهبود شایان توجهی در کیفیت آموزش و انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموزان ایجاد کند.





۲. ایجاد بازی‌های آموزشی هوشمند

بازی‌های آموزشی هوشمند می‌توانند به عنوان ابزارهای جذاب و تعاملی برای تدریس مفاهیم ریاضی مورد استفاده قرار گیرند. معلمان می‌توانند از این بازی‌ها برای تقویت انگیزه و علاقه‌ی دانش‌آموزان به یادگیری استفاده کنند.

۳. استفاده از شبیه‌سازهای آموزشی

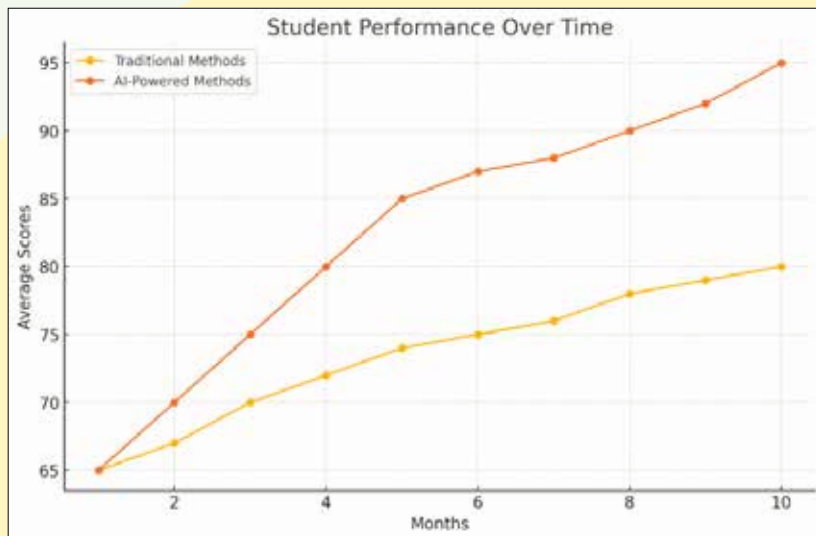
شبیه‌سازهای آموزشی می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند مفاهیم پیچیده‌ی ریاضی را از طریق تجربه‌های تعاملی و شبیه‌سازی‌های واقعی یاد بگیرند. معلمان می‌توانند از این شبیه‌سازها برای توضیح و آموزش مفاهیم پیچیده استفاده کنند.

۴. تحلیل داده‌های یادگیری

معلمان می‌توانند از ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های یادگیری دانش‌آموزان استفاده کنند و بر اساس نتیجه‌ی این تحلیل‌ها، روش‌های تدریس خود را بهبود دهند. این ابزارها به معلمان کمک می‌کنند نقاط ضعف دانش‌آموزان را شناسایی کنند و راهکارهای مناسبی برای بهبود عملکرد آن‌ها ارائه دهند.

نتیجه‌گیری

استفاده از هوش مصنوعی در تدریس ریاضی می‌تواند تحولی شگرف در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری ایجاد کند. با وجود چالش‌های موجود، مزایای بالقوه‌ی آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری بیشتری است. با پیاده‌سازی صحیح و مدیریت مناسب، هوش مصنوعی می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای بهبود فرایند آموزش و یادگیری در مدرسه‌های ابتدایی تبدیل شود.



۲. افزایش علاقه و انگیزه

استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مانند بازی‌های آموزشی و شبیه‌سازها علاقه و انگیزه‌ی دانش‌آموزان را به یادگیری افزایش می‌دهد. این ابزارها با ایجاد فضایی تعاملی و جذاب، دانش‌آموزان را به مشارکت فعال در فرایند یادگیری ترغیب می‌کنند (جانسون و براون، ۲۰۱۹).

۳. یادگیری پایدار و تدریس پایدار

هوش مصنوعی، با ارائه‌ی بازخوردهای فوری و دقیق، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم را به‌صورت عمیق‌تری درک کنند و یادگیری پایدار داشته باشند. علاوه بر این، معلمان هم با استفاده از داده‌ها و تحلیل‌هایی که هوش مصنوعی ارائه می‌کند، می‌توانند روش‌های تدریس خود را بهبود دهند و تدریس پایدارتری داشته باشند (میلر، ۲۰۲۰).

روش‌های کاربردی و عملی برای تدریس با هوش مصنوعی

۱. استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی تطبیقی

معلمان می‌توانند از نرم‌افزارهای آموزشی تطبیقی که بر اساس هوش مصنوعی طراحی شده‌اند، برای ارائه‌ی محتوای شخصی‌سازی‌شده به دانش‌آموزان استفاده کنند. این نرم‌افزارها به شناسایی نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان کمک می‌کنند و تمرینات مناسب را به آن‌ها ارائه می‌دهند.

ابزارهایی هستند که به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مفاهیم پیچیده‌ی ریاضی را از طریق شبیه‌سازی‌های واقع‌گرایانه و تعاملی یاد بگیرند. این شبیه‌سازها می‌توانند به تقویت توانایی‌های حل مسئله و تفکر منطقی دانش‌آموزان کمک کنند. میلر (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای نشان داده است که استفاده از شبیه‌سازهای آموزشی در کلاس‌های ریاضی تا ۲۵ درصد درک مفاهیم دانش‌آموزان را افزایش داده است.

۴. ارزیابی و پیش‌بینی عملکرد دانش‌آموزان

هوش مصنوعی می‌تواند در ارزیابی سریع و دقیق عملکرد دانش‌آموزان و پیش‌بینی نتیجه‌ی عملکرد آن‌ها نقش مهمی ایفا کند. با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، می‌توان نقاط ضعف دانش‌آموزان را شناسایی کرد و راهکارهایی مناسب برای بهبود عملکرد آن‌ها ارائه داد. این روش‌ها می‌توانند به افزایش یادگیری پایدار و تدریس پایدار کمک کنند (تقی‌زاده، ۱۳۹۸).

تأثیرات مثبت هوش مصنوعی

۱. بهبود یادگیری

هوش مصنوعی با ارائه‌ی محتوای آموزشی متناسب با نیازهای فردی دانش‌آموزان، بهبود چشمگیری در یادگیری آن‌ها ایجاد می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند دانش‌آموزانی که از ابزارهای هوش مصنوعی در آموزش استفاده می‌کنند، نسبت به روش‌های سنتی یادگیری بهتر و ماندگارتری دارند (اسمیت، ۲۰۲۰).

منابع
۱. شهنازی‌کوهی، مهدی؛ خانزاده، فتنه؛ مرادی، الهام؛ سلطانی، صدیقه، ۱۴۰۲، «کاربرد هوش مصنوعی در آموزش و یادگیری»، مجله‌ی اختلالات جنسی و روان‌شناختی (روان‌شناسی مرضی با تأکید بر اختلال‌های جنسی)، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲، صفحات ۱۴۳-۱۵۵.

- Smith, J. (2020). Artificial Intelligence in Education: Promises and Challenges. Educational Technology Publications.
- Johnson, L. & Brown, M. (2019). Adaptive Learning and AI in the Classroom. Journal of Educational Technology, 45(3), 215230.
- Miller, R. (2021). Case Studies on AI in Education. International Journal of Learning Technologies, 12(4), 98110.

برگ برگ تا گل



آموزش تصویری
گل‌های کاغذی

لوازم مورد نیاز برای ساخت گل‌های زیبای کاغذی:
چند برگ دستمال کاغذی، قیچی، یک لیوان بدون دسته،
خودکار، چسب، آبرنگ و قلم‌مو



برای خلق این کاردستی بهاری ابتدا دستمال‌های کاغذی
را روی هم می‌گذاریم و با الگوی لیوان، دایره‌ای می‌کشیم.



مریم جلیلی، کارشناس گرافیک و آموزگار هنر
پایه‌ی اول تا ششم ابتدایی



در دنیای پرسرعت امروزی، پیدا کردن راهکارهای خلاقانه بسیار مهم شده است. هنر به ما این امکان را می‌دهد تا احساسات خود را آسان‌تر بیان کنیم. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان عامل ایجاد ارزش است و تقویت این وجه از ما با خلق آثار هنری امکان‌پذیر می‌شود. ما فقط نباید آموزش دهیم، بلکه باید شوق یادگیری را در روح دانش‌آموز پرورش دهیم و لذت آموختن همراه با خلق کردن را در آن‌ها ایجاد کنیم. از تأثیر ایده‌پردازی در آموزش غافل نشویم که سرمنشأ تمام خلاقیت‌های بشر است. خلاقیتی که در اثر ایده‌پردازی ایجاد می‌شود، چندوجهی و چندبعدی است و فقط محدود به ساخت یک نوع فناوری یا کاردستی نیست و شامل انواع فکر کردن و تصویرسازی ذهنی می‌شود.

بهار است و گل‌های زیبا و رنگارنگش؛ پس بیایید ما هم در خلق این زیبایی سهیم باشیم. گل‌سازی هنری تزیینی است که با انواع وسایل می‌توان آن را تجربه کرد. درست کردن گل با دستمال کاغذی یکی از خلاقیت‌های تزیینی در خانه یا کلاس است. ساخت انواع گل‌های زیبا و رنگارنگ با وسایل قابل دسترس یک آفرینندگی جدید برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان است. در ضمن فعالیت‌های سرگرم‌کننده و جذاب است که رشد خلاقیت و مهارت‌های حرکتی ظریف را شامل می‌شود. لایه‌های کوچک و ظریف این گل‌ها انگشتان دست را تقویت می‌کند و دقت را در دانش‌آموزان بالا می‌برد. همچنین کمک می‌کند تا دوباره یادآور قدرت خالق باشیم. به ما می‌آموزد که چگونه با استفاده از لوازم ساده و قابل دسترس شگفتی بسازیم.



زمانی که تمام گلبرگ‌ها روی هم چسبانده شدند، کمی صبر می‌کنیم و سپس لیوان را به آرامی برعکس می‌کنیم.



دایره‌ها را برش می‌زنیم و با آبرنگ رنگ می‌کنیم. این کار خلاقیت و مهارت‌های حرکتی را رشد می‌دهد.



منتظر خلق شگفتی جدیدی باشید!
گل زیبای ما آماده است.



زمان می‌دهیم تا دایره‌ها (گلبرگ‌های گل) کاملاً خشک شوند. سپس با صبر و حوصله لایه‌ها را روی دهانه‌ی لیوان، یکی‌یکی روی هم می‌گذاریم.



توجه: برای ماندگاری بهتر گل، به غیر از لایه‌ی اول که به لیوان متصل می‌شود، باقی لایه‌ها را با چسب می‌چسبانیم.



دانش و هنر معلمی

طراحی درس یکی از نقطه‌های کلیدی است که با استفاده از آن، معلمان می‌توانند برای آموزش درس خود بهترین روش‌ها و منابع را برای دانش‌آموزان انتخاب کنند. برنامه‌ی درسی و طرح درس باید با توجه به ویژگی‌های دانش‌آموزان، هدف، محتوا و نیازهای آینده طراحی شود و به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان بهترین فرصت را برای یادگیری داشته باشند.

۵. توجه به تفاوت‌های دانش‌آموزان: یکی دیگر از فواید دانش و هنر معلمی برای معلمان، توجه به تفاوت‌های دانش‌آموزان در فرایند آموزش است. با توجه به این تفاوت‌ها، معلمان می‌توانند برای دانش‌آموزان و توانایی‌های آن‌ها برنامه‌ای جدید درست کنند تا بهترین نتیجه را در مرحله‌ی آموزش به دست آورند.

دانش و هنر معلمی در عمل چیست؟

دانش و هنر معلمی در عمل کاربرد فراوانی هم در حوزه‌ی آموزش و هم در حوزه‌ی پرورش دارد. در آموزش، اصول دانش و هنر معلمی راهنمایی برای طراحی و ارائه‌ی درس‌ها هستند. معلمان و مدرسان با استفاده از اصول دانش و هنر معلمی می‌توانند روش‌هایی را برای جذب

می‌دهد و شامل فنون آموزشی‌ای می‌شود که به عنوان ابزاری در دست معلم به او کمک می‌کند به صورت بهتری درس بدهد و بر مهارت‌های آموزشی و تربیتی خود نیز بیفزاید. چند مورد از کاربردهای دانش و هنر معلمی در کلاس درس که مورد استفاده‌ی بیشتر معلمان است عبارت‌اند از:

۱. ارزیابی: ارزیابی یکی از مفاهیم مهم دانش و هنر معلمی است که به معلمان کمک می‌کند درک بهتری از پیشرفت دانش‌آموزان خود داشته باشند. با استفاده از روش‌های ارزیابی، معلمان راهکارهای مناسبی را برای رسیدن به پیشرفت و توسعه‌ی دانش‌آموزان در دست خواهند داشت. ارزیابی باید به گونه‌ای باشد که بتواند بهترین نمایش از میزان موفقیت دانش‌آموزان را در یادگیری نشان دهد. با استفاده از ارزیابی فعال، متنوع و متناسب با هدف درس، دانش‌آموزان با روشی قوی و مؤثر آموزش داده می‌شوند.

۲. تنظیم محتوای درس: هر معلم نیاز دارد محتوای درس را به گونه‌ای تنظیم کند که دانش‌آموزان به آسانی مفاهیم را بفهمند. با مراجعه به اصول دانش و هنر معلمی، می‌توانید محتوا را به طور منطقی و مصور، تنظیم و آماده کنید.

به اختصار می‌توان گفت که به دلیل کاربردی بودن اصول دانش و هنر معلمی، این علم به عنوان علمی مهم و حیاتی در کلاس درس استفاده می‌شود که در نهایت به بهبود یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند.

۳. روش‌های آموزشی: استفاده از روش‌های آموزشی، اصول دانش و هنر معلمی را در کلاس درس حفظ و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین نتیجه را از خود بگیرند. از طریق روش‌هایی مانند گروه‌بندی، بحث، کار گروهی، پروژه‌ها و کاربرد عملی مفاهیم، دانش‌آموزان به شیوه‌ی مؤثرتر آموزش داده می‌شوند.

۴. طراحی درس: در دانش و هنر معلمی،

افسانه وطن دوست
کارشناس علوم تربیتی، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی، قرچک
ورامین

پداگوژی [پ گ] (فرانسوی، ا) (از یونانی پدس: کودک و آگوز: رهبری) به معنی علم تعلیم و تربیت اطفال است. یعنی دانش آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان که شامل تعلیم و تربیت اخلاقی، علمی و بدنی آنان می‌شود.

این واژه اشاره به هنر یا علم وجودی یک معلم دارد که در لغت‌نامه‌ها به معنی «روش آموزشی» یا «فن تعلیم» و «علم تعلیم» ترجمه شده است. گهگاهی هم در جریان فرایند یاددهی یادگیری، به عنوان استفاده‌ی صحیح از راهبردهای آموزشی تعریف می‌شود. در گذشته، این واژه به معنی هنر و علم تربیت کودکان بود و غالباً مترادف با واژه‌ی تدریس یا تعلیم و آموزش به کار برده می‌شد؛ اکنون مفهوم گسترده‌تری یافته است و در موارد متعددی به کار می‌رود، از جمله علم، اخلاق، فلسفه‌ی علم، فنون، گوناگون و آفرینش آثار زیبا. در حال حاضر، در مجلات رشد، با مشورت صاحب‌نظران حوزه‌ی تعلیم و تربیت، عبارت «دانش و هنر معلمی» برای واژه‌ی پداگوژی استفاده می‌شود. در این مقاله نیز از همین شیوه استفاده شده است.

مهم‌ترین دستاوردی که از دانش و هنر معلمی انتظار می‌رود این است که فراگیرندگان با این روش به جای اینکه نگرش و مهارت‌های خود را به طور مستقیم از معلمان خود دریافت کنند، بتوانند با راهنمایی معلمان، به کشف و نوآوری برسند و یاد بگیرند که به چه دانشی، نگرشی یا مهارتی نیازمندند و چگونه و از چه راهی می‌توانند آن را به دست آورند.

دانش و هنر معلمی در کلاس درس چه جایگاهی دارد؟

دانش و هنر معلمی یکی از رشته‌های مهم آموزشی است که به کلاس درس اهمیت زیادی





تفاوت فناوری (تکنولوژی) و دانش و هنر معلمی چیست؟

فناوری و دانش و هنر معلمی اصطلاحاتی هستند که برای توصیف دو مفهوم متفاوت در حوزه‌ی یادگیری و آموزش به کار می‌روند. فناوری توصیف‌کننده‌ی ابزار، تجهیزات و سامانه‌های اطلاعاتی است که به کلاس درس و فرایند آموزش و پرورش کمک می‌کند. در دنیای امروز، فناوری‌های آموزشی از جمله دستگاه‌های دیجیتال، نرم‌افزارهای آموزشی، تجهیزات مجازی و... بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. دانش و هنر معلمی اما نظریه‌ای در مورد چگونگی یادگیری و آموزش است؛ مثلاً این نظریه می‌تواند توضیح دهد که چگونه با یادداشتهای خوب، توضیحات بصری و نیز تدوین سؤال‌های مطرح برای دانش‌آموزان در یک کلاس درس، یادگیری بهتر را تسهیل کنیم. به‌اختصار می‌توان گفت فناوری و دانش و هنر معلمی دو مفهوم متفاوت هستند که هر دو به کلاس درس و فرایند یادگیری و آموزش کمک می‌کنند؛ اما تفاوت‌های محسوس‌ی دارند. فناوری به‌عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت کلاس درس، با استفاده از روش‌های مرتبط با دانش و هنر معلمی، به یادگیری کمک می‌کند.

درسی باید موردی باشند که دانش‌آموزان بتوانند آن اهداف را درک کنند و به آن‌ها دست یابند.

۳. مواد آموزشی: دانش و هنر معلمی در پی طراحی و ارائه‌ی مواد آموزشی‌ای است که در ساختار و تنظیم مناسب و همچنین محتوای مناسب کاربرد دارد و زبان تمام‌کننده‌ای برای اهداف آموزشی است.

۴. رابطه‌ی معلم و دانش‌آموز: بخش دیگری از دانش و هنر معلمی در مورد روابط بین معلم و دانش‌آموزان است. اهمیت برقراری ارتباط درست و مشارکت معلم و دانش‌آموز در فرایند یادگیری و اجرای یک طرح درس مؤثر واضح است.

۵. روش‌های ارزیابی: درک روش‌های گوناگون ارزیابی در سطوح متعدد، تعیین نیازهای ارزیابی و تعیین رسته‌های نظرسنجی بخشی از دانش و هنر معلمی است که شناخت آن‌ها ضروری است.

۶. روش‌های مدیریت کلاس: دانش و هنر معلمی به معلمان کمک می‌کند روش‌های مدیریت کلاس مانند هدایت کردن دانش‌آموزان رو به جلو و مدیریت هیجانات آن‌ها را یاد بگیرند.

توجه دانش‌آموزان، ارائه‌ی محتوا و به‌کارگیری روش‌های آموزشی متنوع بهینه‌سازی کنند.

در پرورش، اصول دانش و هنر معلمی به‌عنوان زمینه‌ای کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با الهام گرفتن از اصول دانش و هنر معلمی، می‌توان بهترین راهکارها را برای برخورد با مسائلی مانند رفتار آسیب‌زا، مسائل ارتباطی، مشکلات خانوادگی و اختلالات رفتاری پیدا کرد.

بنابراین، دانش و هنر معلمی در عمل برای افراد فعال در حوزه‌ی آموزش و پرورش و دیگر حوزه‌های مرتبط، علمی اثربخش و مؤثر است.

دانش و هنر معلمی چیست؟

برخی دانسته‌ها در زمینه‌ی دانش و هنر معلمی عبارت‌اند از:

۱. روش‌های متعدد آموزش: یکی از آگاهی‌هایی که دانش و هنر معلمی را شکل می‌دهد، شناخت روش‌های گوناگون آموزشی مانند بحث، کار گروهی، ارائه، درس‌های تعاملی و خردکردن موضوعات برای توضیح مفاهیم است.

۲. تعیین اهداف درسی: شناخت اهمیت تعیین و تعریف اهداف درسی نیز بخشی از دانش‌های دانش و هنر معلمی است. اهداف





و عاطفی در برنامه‌ی درسی، نقش معلمان حیاتی و ضروری است؛ زیرا آن‌ها می‌توانند محیط‌های یادگیری ایمن و بالنده‌ای بسازند که در آنجا دانش‌آموزان احساس ارزشمندی، قدرت و تحت‌حمایت بودن کنند و به حداکثر توان بالقوه‌ی خود دست یابند...

۴. ادغام فناوری در آموزش اولیه

ادغام فناوری در آموزش اولیه فرصت‌ها و چالش‌هایی را به همراه دارد. ابزارهای دیجیتال توانایی بهبود تجربه‌های یادگیری را دارند؛ اما معلمان باید بدانند استفاده‌ی مناسب و محدودیت‌هایی دارد و لازم است دانش‌آموزان را به سمت درست هدایت کرد. همه‌گیری کووید-۱۹ پذیرش فناوری در آموزش را تسریع و بر اهمیت تعادل بین تجربه‌های یادگیری مجازی و یادگیری تجربی و عملی تأکید کرده است. با راهبرد استفاده از

۱۰ روند تا به روز ماندن تحول شیوه‌ی آموزش ابتدایی

۲. الهام از طبیعت

دومین روندی که در آموزش ابتدایی مورد توجه قرار می‌گیرد، روند الهام از طبیعت است. مدرسه‌ی طبیعت که با نام‌های مهدکودک طبیعت، مهدکودک در فضای باز یا پیش‌دبستانی طبیعت نیز شناخته می‌شود، نوعی آموزش در دوران کودکی است که در طبیعت یا مناطق جنگلی انجام می‌شود. در این نوع مدرسه‌ها، برنامه‌ی درسی روان است و روی بازی در فضای باز به رهبری یادگیرنده تمرکز دارند و کنجکاوی و کاوش را تشویق می‌کنند.

رشد مدرسه‌های پیش‌دبستانی مبتنی بر طبیعت نشان می‌دهد که مزایای کلی تشکیل محیط‌های یادگیری در فضای باز مورد تأیید فزاینده‌ای قرار گرفته است. یادگیری در فضای باز شرایط محیطی مسخ‌کننده‌ای را برای اکتشاف، خلاقیت و فعالیت بدنی کودکان فراهم می‌کند، رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی آن‌ها را ارتقا می‌دهد و آن‌ها را به دنیای طبیعت نزدیک می‌کند. معلمان می‌توانند با استفاده از راهبردهای آموزشی الهام‌گرفته از طبیعت و با پرورش حس شگفتی و کنجکاوی در دانش‌آموزان، آن‌ها را برای پیشرفت تحصیلی و حفظ محیط‌زیست آماده کنند.

۳. پرورش یادگیری اجتماعی و عاطفی

یادگیری اجتماعی و عاطفی، به‌عنوان یکی از اجزای اساسی آموزش ابتدایی، مورد اقبال اندیشمندان در این حوزه است. یادگیری اجتماعی و عاطفی، با افزایش خودآگاهی و پرورش مهارت‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری مسئولانه، ابزارهایی را به دانش‌آموز می‌دهد که برای پشت سر گذاشتن چالش‌های زندگی به آن‌ها نیاز دارد. در تلفیق یادگیری اجتماعی

گردآوری و ترجمه: زهرا غلامرضایی
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی آموزش ابتدایی، آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

در حال حاضر اولویت معلمان، والدین و سیاست‌گذاران آگاهی از روندهای فعلی و گرایش‌های کلی در آموزش ابتدایی است تا به دانش‌آموزان تجربه‌های یادگیری جامع‌تری ارائه دهند. این روندها محیط‌های آموزشی را برای پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر دانش‌آموزان بازآرایی و تغییر شکل می‌دهند. این مقاله به بررسی ده روند برتر در آموزش ابتدایی می‌پردازد و گرایش‌های مبتنی بر شواهد را که شیوه‌های آموزشی را متحول و دانش‌آموزان را برای موفقیت در دنیای همیشه در حال تغییر آماده می‌سازد، بررسی می‌کند.

۱. شیوه‌های ذهن‌آگاهی (حضور ذهن)

مفهوم ذهن‌آگاهی (حضور ذهن) به‌معنای تمرکز بر لحظه‌ی حاضر و مشاهده بدون قضاوت افکار، احساسات و تجربه‌هاست. ذهن آگاهی حالتی از زیاده‌تر شدن آگاهی نسبت به لحظه‌ی حاضر است و به‌دلیل مزایای آن برای معلمان و دانش‌آموزان، در حلقه‌های آموزشی، توجه روزافزونی را به سوی خود جلب کرده است.

با پرورش شیوه‌های ذهن‌آگاهی، مربیان در مدیریت تنش و ترویج روابط مثبت توانا تر می‌شوند و در نهایت محیط یادگیری مناسبی را فراهم می‌سازند. تلفیق ذهن‌آگاهی در برنامه‌ی درسی، دانش‌آموزان را برای خودتنظیمی و بهزیستی عاطفی^۱ آماده می‌کند. ذهن‌آگاهی همچنین بنیان محکمی را برای پیشرفت تحصیلی و تاب‌آوری مادام‌العمر^۲ بچه‌ها ایجاد می‌کند.



عکس: ندا رهگذر



فناوری، مربیان می‌توانند دسترسی منصفانه و حمایت از همه‌ی دانش‌آموزان را تضمین و تفکر انتقادی را تقویت کنند و دانش‌آموزان را برای زندگی در عصر دیجیتال آماده سازند.

۵. رویکردهای استم و استیم

استم رویکرد نوینی در آموزش محسوب می‌شود که می‌تواند مشارکت‌های متنوع را در زمینه‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی در پی داشته باشد و به تبع آن به ارتقای حل مسئله‌ی خلاق، سواد فناورانه و ظرفیت کارآفرینی در یادگیرندگان کمک کند. در حال حاضر، تقریباً نیمی از ده شغلی که رشد بسیار سریعی دارند، استیم‌محورند. این موضوع اهمیت توجه به این حوزه را در آموزش و پرورش پررنگ‌تر می‌کند. آموزش استیم‌محور رویکردی است بین‌رشته‌ای برای یادگیری علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات که در آن مفاهیم دقیق

علمی با درس‌های واقعی همراه شده‌اند. این مفاهیم به گونه‌ای به دانش‌آموزان آموخته می‌شود که ایشان بتوانند بین مدرسه، دنیای کار، جامعه و شرکت‌های بزرگ جهانی پیشرو در حوزه‌ی استیم ارتباط برقرار کنند (تسوپروس، کوهرل و هالینن، ۲۰۰۹).

استیم^۲ رویکردی برای آموزش موضوعات استم است که مهارت‌های هنری مانند تفکر خلاق و طراحی را در بر می‌گیرد (جولی، ۲۰۱۴). این نام از مخفف استیم گرفته شده است که یک حرف A به معنای هنر به آن اضافه شده است. هدف برنامه‌های **استیم** آموزش نوآوری، تفکر انتقادی و استفاده از مهندسی یا فناوری در طرح‌های تخیلی یا رویکردهای خلاقانه برای مسائل دنیای واقعی در حالی که بر پایه‌ی ریاضیات و علوم دانش‌آموزان استوار است (جونز، ۲۰۲۲). تأکید بر آموزش استیم و استم اهمیت یادگیری مبتنی بر پرسش و مهارت‌های

حل مسئله از سنین پایین را نشان می‌دهد. مربیان با تلفیق علم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضیات در برنامه‌ی درسی، کنجکاوی و خلاقیت دانش‌آموزان را برمی‌انگیزند و زمینه‌ساز موفقیت‌های آینده در زمینه‌های مرتبط با موضوعات استم را فراهم می‌کنند. فعالیت‌های عملی و دست‌ورزی^۳ استم و استیم درک مفهومی را عمیق‌تر می‌کند و مقاومت در برابر چالش‌ها را پرورش می‌دهند. با اتخاذ رویکردهای میان‌رشته‌ای، مربیان به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که به بررسی مسائل واقعی دنیای اطراف بپردازند، به صورت مؤثر با یکدیگر کار کنند و راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای آینده‌ای پایدار بیابند.

۶. افزایش مهارت‌های زبانی و سوادآموزی اولیه

برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت اجتماعی کودکان، افزایش مهارت‌های زبانی و سوادآموزی اولیه در سال‌های اولیه بنیادی است. مربیان از سنین پایین، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند دایره‌ی لغات و آگاهی‌های واج‌شناختی (آگاهی فرد از ساختار واجی یا ساختار صوتی کلمات) خود را توسعه دهند. معلم‌ها با طراحی محیط‌های غنی زبان‌آموزی که در آن‌ها، تعامل برقرار و دیدگاه‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود و گفت‌وگو محور هستند، با ادغام تجربه‌های سوادآموزی تعاملی در آموزش روزمره‌ی خود، دانش‌آموزان را برای خواندن ماهرانه و ارتباط مؤثر آماده می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهند بچه‌های پیش‌دبستان که آموزش‌های زبانی و سوادآموزی خوبی دارند، برای مدرسه آماده‌تر هستند و در درازمدت بهتر عمل می‌کنند. در این مطالعات، به ارزش مداخله‌ی زودهنگام و حمایت متمرکز تأکید شده است (دیکینسون و پورچه، ۲۰۱۱).

۷. به کارگیری روش‌های تدریس

متناسب با شرایط فرهنگی

بایه کارگیری روش‌های تدریس متناسب با فرهنگ هر منطقه، تفاوت‌های



۸. تأکید بر یادگیری کودک محور

معلم با تدریس کودک محور، در سفر یادگیری دانش آموزان، آنان را پیش‌تاز و در خط مقدم قرار می‌دهد و به مشارکت فعال و استقلال آن‌ها اولویت می‌بخشد. معلمان با انطباق درس‌ها با علائق، نقاط قوت و نیازهای رشدی دانش آموزان انگیزه‌ی درونی و عادات یادگیری مادام‌العمر را پرورش می‌دهند. کلاس‌های کودک محور برای کاوش عملی و دست‌ورزی، انجام پروژه‌های مشارکتی و ارزیابی‌های واقعی فرصت‌هایی فراهم و استعدادها و توانایی‌های متنوع دانش آموزان را تقویت می‌کنند. بر اساس تحقیقات، محیط‌های یادگیری کودک محور از نگرش‌های مثبت دانش آموزان به یادگیری، رشد اجتماعی-عاطفی و پیشرفت تحصیلی بهره‌مند می‌شوند (کرنلیوس و وایت، ۲۰۰۷). معلمان می‌توانند خلاقیت، کنجکاوی و تاب‌آوری را در فراگیرندگان پرورش دهند و با تسهیل شرکت فعال آنان در آموزش خود، پایه‌ای برای موفقیت‌های آینده ایجاد کنند.

۹. تمرین مناسب رشد

تمرین مناسب رشد (دی‌ای‌پی)^۵ دیدگاهی در آموزش دوران کودکی است که به‌موجب آن، معلم یا مراقب کودک رشد اجتماعی/عاطفی، جسمی و شناختی کودک را پرورش می‌دهد. تمرین مناسب رشد (دی‌ای‌پی) اطمینان می‌دهد راهبردهای تدریس با مراحل رشد منحصربه‌فرد کودکان و نیازهای فردی آن‌ها هم‌راستا باشد. با گنجاندن اصول رشد کودک مبتنی بر تحقیقات، در برنامه‌ریزی آموزشی، مربیان می‌توانند تجربه‌های یادگیری‌ای را طراحی کنند که پیشرفت و یادگیری دانش آموزان را به حداکثر برساند. این نوع تمرین بر اهمیت بازی، کاوش و تجربه‌های عملی در آموزش دوران کودکی تأکید می‌کند و کودکان را به‌عنوان سازندگان فعال دانش خود می‌شناسد. معلمانی که تمرین مناسب رشد را می‌پذیرند، داربست آموزشی دارند (حمایتی است که توسط یک مربی در طول فرایند یادگیری به دانش آموز داده می‌شود) و تجربه‌های یادگیری را پشتیبانی می‌کنند، تدریس را متمایز می‌سازند و

فرهنگی دانش آموزان در نظر گرفته می‌شود. معلمان می‌توانند محیط‌های یادگیری را ایجاد کنند که همه‌ی دانش آموزانشان در آن مشارکت دارند. در این محیط‌ها، هر دانش آموز با پذیرش و بزرگداشت تنوع پیشینه‌های فرهنگی خود، احساس ارزشمندی و احترام می‌کند. تدریسی که پاسخ‌گوی فرهنگ هر منطقه باشد، فراتر از ارائه‌ای سطحی است و تجربه‌ها و دیدگاه‌های واقعی دانش آموزان را در برنامه‌ی درسی تلفیق می‌کند.

تحقیقات نشان می‌دهند کلاس‌هایی که این چنین‌اند، پیشرفت تحصیلی را ارتقا و هویت مثبت را ترویج می‌دهند. همچنین، این کلاس‌ها روابط بین دانش آموزان، آموزگاران و خانواده‌ها را تقویت می‌کنند (دیبری و همکاران، ۲۰۱۹). مربیان با پذیرش عدالت و تنوع فرهنگی به فراگیرندگان جوان کمک می‌کنند آگاهی انتقادی، همدلی و شناختشان را که برای موفقیت در یک جامعه‌ی چندفرهنگی موردنیاز است، پرورش دهند.



پژوهش‌های مجلس^۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی^۲ معمولاً گزارش‌ها و تحقیقات مربوط به روندهای آموزشی را منتشر می‌کنند و دیدگاه‌های مبتنی بر داده را ارائه می‌دهند.

● **آگاهی از سیاست‌های آموزشی:** از سیاست‌ها و به‌روزرسانی‌های دولتی مرتبط با آموزش مطلع باشید. تغییرات در سیاست‌های آموزشی می‌تواند تأثیر چشمگیری بر شیوه‌های تدریس، تدوین برنامه‌ی درسی و مدیریت مدرسه‌ها داشته باشد.

● **گوش‌دادن پادپخش‌های آموزشی:** این پادپخش‌ها شامل مصاحبه‌هایی با معلمان، محققان و کارشناسان هستند که بینش‌هایی درباره‌ی روندهای کنونی آموزش ارائه می‌دهند. بدین منظور، می‌توانید به وبگاه شبکه‌ی آموزشی تربیتی رشد^۳ مراجعه کنید. این وبگاه منبعی ارزشمند از اطلاعات آموزشی است که منابع و بینش‌هایی را برای حمایت از معلمان در مسیر توسعه حرفه‌ای خود ارائه می‌دهد.

ده‌روند برتر کنونی در آموزش ابتدایی تمایل به توسعه‌ی جامع، نوآوری و شمولیت را نشان می‌دهد. با پذیرفتن این روندها و استفاده از منابع، معلمان می‌توانند تجربه‌های یادگیری غنی‌ای ایجاد کنند که دانش‌آموزان را برای موفقیت در قرن بیست و یکم توانمند سازد. مطلع و درگیر باشید و با چشم‌انداز در حال تغییر آموزش ابتدایی، مسیر را ادامه دهید!

با جذب خانواده‌ها به فرایند آموزشی، به‌عنوان شرکای فعال، مدرسه‌ها به محیط‌های یادگیری پشتیبانی‌کننده‌ای تبدیل می‌شوند که دانش‌آموزان، در آنجا، احساس ارزشمندی، حمایت و توانمندی برای موفقیت می‌کنند

۱۰. افزایش مشارکت خانواده

معلمان می‌توانند با آگاه‌بودن و سازگار و تطابق‌پذیری‌بودن، در چشم‌انداز آموزش ابتدایی همیشه در حال تغییر، راه خود را باز و طی مسیر کنند. برخی از راهبردهای محوری برای پذیرش نوآوری عبارت‌اند از:

● **توسعه‌ی حرفه‌ای مداوم:** در کارگاه‌ها، وب‌نشست‌ها و همایش‌ها و رویدادهای آموزشی شرکت کنید تا درباره‌ی روندهای نوظهور، روش‌های تدریس نوآورانه و بهترین شیوه‌ها بیاموزید.

● **آشنایی با نشریات آموزشی:** نشریات، مجلات و سکوهایی برخط آموزشی تجزیه و تحلیل‌های عمیق و یافته‌های تحقیق‌ها و مقالات را که درباره‌ی جدیدترین روندهای آموزشی، از پیش‌دبستان تا پایان متوسطه، است، ارائه می‌دهند.

● **شرکت در جوامع آموزشی برخط:** سکوهایی مانند لینکدین و وبگاه‌های مخصوص آموزش فضایی را برای معلمان فراهم می‌کنند تا تجربه‌ها، منابع و بینش‌های خود را به اشتراک بگذارند.

● **شبکه‌سازی با همکاران و هم‌تایان آموزشی:** تبادل منظم ایده‌ها، شرکت در دیدارها و همکاری در پروژه‌ها با همکاران درون و بیرون از مدرسه یا منطقه‌ی شما می‌تواند بینش‌هایی درباره‌ی محیط‌های آموزشی گوناگون ارائه دهد.

● **کاوش در سکوهایی ادتک:** سکوها و وبگاه‌های فناوری آموزشی را بررسی کنید. آخرین پیشرفت‌ها در ادتک که مخفف Educational Technology است، شما را از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد تجربه‌های یادگیری جذاب‌تر، فراگیر و فردی، آگاه می‌کند و بینش‌های ارزشمندی درباره‌ی ابزارها و راهبردهای تحول‌آفرین ارائه می‌دهد.

● **پیگیری تحقیقات آموزشی:** سازمان‌هایی مانند پژوهشکده‌ی مطالعات آموزش و پرورش^۴، پژوهشکده‌ی کودکان استثنایی^۵، مرکز

روابط مثبت با دانش‌آموزان و خانواده‌ها را پرورش می‌دهند. معلمان با احترام به علائق، پیشینه‌ها و ترجیحات یادگیری متنوع کودکان، محیط‌هایی ایجاد می‌کنند که در آن، دانش‌آموزان می‌توانند شکوفا شوند و توان بالقوه‌ی کامل خود را باور کنند.

مشارکت فعال خانواده سنگ بنای مهمی در آموزش ابتدایی است و همکاری بین معلمان، خانواده‌ها و جوامع را تقویت می‌کند. مدرسه‌ها با تشکیل مشارکت‌های قوی خانواده، عملکرد تحصیلی، یادگیری و سلامت روان دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند. شیوه‌های مؤثر مشارکت فعال خانواده شامل ارتباط مستمر، تصمیم‌گیری مشترک و احترام متقابل بین معلمان و خانواده‌هاست. مشارکت خانواده‌ها شکاف‌های پیشرفت تحصیلی را کاهش می‌دهد، آمادگی مدرسه را بهبود می‌بخشد و روابط مثبت والد-فرزند را تقویت می‌کند.



پی‌نوشت‌ها

1. emotional well-being
2. lifelong resilience
3. STEAM
4. Hands-on
5. Developing appropriate practice(DAP)
6. EdTech Platforms
7. <http://www.rie.GOV.ir>
8. www.riec.ac.ir
9. www.majlis.ir/mhtml
10. <http://www.ihcs.ac.ir>
11. www.roshd.ir/

منبع

1. Jolly, Anne (18 November 2014). "STEM vs. STEAM: Do the Arts Belong?". Teacher. Education Week: Teacher. Retrieved 6 September 2016.
2. Jones, Elena (202211-01-). "STEM Vs STEAM: Making Room For The Arts". Spiral Toys. Retrieved 202202-05-.
3. <https://articles.unishanoi.org/current-trends-in-elementary-education/>

دم قیچی های زیبا



مریم اسدی
کارشناس ارشد گرافیک و معاون آموزشی
مدرسه ی ابتدایی، منطقه ی ۳ تهران

منشأ چسبانه کاری را می توان در صدها سال پیش جست و جو کرد. فن های چسبانه کاری برای اولین بار در زمان اختراع کاغذ در چین، حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد، استفاده شده بود. با این حال، استفاده از این هنر تا قرن دهم در ژاپن رایج نشد

تا زمانی که خوشنویسان شروع به استفاده از کاغذ چسب دار هنگام نوشتن اشعار خود کردند. اما در اوایل قرن بیستم این فن به عنوان شکلی هنری ظاهر شد. چسبانه کاری فنی است که عمدتاً در هنرهای تجسمی استفاده می شود؛ اما در موسیقی نیز کاربرد دارد. در این فن، از مجموعه ای از اشکال با رنگ و جنس متفاوت، کل جدیدی ایجاد می کنند (چسباندن شیء یا تصویری مستقیم روی کاغذ چسبانه کاری نیست و به آن پاستیج می گویند).

چسبانه کاری ممکن است گاهی شامل بریده های مجله و روزنامه، روبان، رنگ، تکه کاغذهای رنگی یا دست ساز، بخش هایی از آثار هنری یا متون دیگر، عکس ها و سایر اشیای چسبانده شده به تکه ای کاغذ یا بوم باشد. در جهان هنرهای تجسمی، چسبانه کاری در ابتدا مکمل نقاشی بود؛ اما به مرور به هنری مستقل تبدیل شد. براک اولین کسی بود که از فن چسبانه کاری در نقاشی های زغال چوب بهره برد و پیکاسو بلافاصله پس از او از این فن در نقاشی های رنگ روغن خود استفاده کرد.

چسبانه کاری یکی از فنونی است که با پیشرفت فناوری از بین نرفته و منسوخ نشده است و هنوز تصویرگران جهان از آن بهره می برند و لذت تماشای تصویر را برای مخاطب چند برابر می کنند.

چسبانه کاری با گیاهان: در این روش، از برگ، چوب، میوه و مواد طبیعی و چسباندن آن ها در کنار یکدیگر تصویرهای نو و نگاهی تازه ایجاد می شود. **چسبانه کاری با کاغذ رنگی:** در این روش، با چسباندن تکه های کاغذ رنگی، تصویرهای خلاقانه ای ایجاد می شود.

چسبانه کاری با عکس: با استفاده از تصویرهای موجود در مجلات و روزنامه ها، می توان ترکیبات جدید و جذابی ساخت.

چسبانه کاری با پارچه: استفاده از تکه های پارچه با طرح ها و بافت های گوناگون، به اثر هنری تنوع و عمق می بخشد.

چسبانه کاری با وسایل دورریختنی: با بهره گیری از مواد بازیافتی و اشیای دورریختنی، می توان آثار هنری خلاقانه و پایداری ایجاد کرد. **توجه:** امروزه چسبانه کاری در هنرهای تجسمی، در نرم افزارهای گرافیکی نیز استفاده می شود؛ تصویرهای گوناگون در کنار یکدیگر قرار می گیرند و تصویری جدید و خلاق به وجود می آورند. حسین خسروجردی از هنرمندان نقاش ایرانی است که از این فن برای نقاشی های خود استفاده می کند. ابتدا تصویر را در نرم افزار فتوشاپ می سازد. سپس روی بوم نقاشی چاپ می کند و در ادامه، کار را با فن های نقاشی تکمیل می کند.

اهداف آموزش تکه چسبانی به کودکان

آموزش تکه چسبانی به کودکان ذهن و خلاقیت آن ها را پرورش می دهد. این فن می تواند روشی مناسب برای پرورش و بهسازی ادراک دیداری، توانایی بینایی حرکتی و حافظه ی دیداری کودکان نیز باشد.



چسبانه کاری، اثر پیکاسو، موزه ی هنر نیویورک، بخش طراحی و چاپ



تصویرگر: زهرا کیانی

نقاشی حسین خسرو جردی با فن تکه چسبانی رایانه‌ای و نقاشی روی بوم





تصویرگر: علی خدایی

به اطراف خود کنجکاوتر خواهند بود.

جلسه اول کلاس چسبانه کاری

بهتر است مربی یا معلم در ابتدا از فن ساده تری استفاده کند؛ مثلاً کاغذی را انتخاب کند و اگر سن کودکان کلاس پایین است، به جای استفاده از قیچی، از آن‌ها بخواهد با دست کاغذها را برش دهند. پس از برش کاغذ و چسباندن روی بستر کار، از کودک بخواهد تا ادامه‌ی چسبانه کاری را با استفاده از مداد و ماژیک نقاشی کند.

جلسه دوم کلاس چسبانه کاری

مربی از کودکان بخواهد که فقط چسب و بستر را با خود بیاورند و برگ و الیاف طبیعی و چوب را خود از قبل جمع‌آوری کنند و در دسترس آن‌ها قرار دهد. سپس از آن‌ها بخواهد با استفاده از وسایلی که در اختیار دارند، هر تصویری را که دوست دارند، خلق کنند (اسم خودشان، شکل حیوانات، گل، منظره، خانه و...).

جلسات بعد

در جلسات بعد بر همین اساس معلم باید به معرفی مواد اولیه و برقراری ارتباط با این مواد بپردازد. پس از تسلط روی مواد مدنظر مربی (کاغذ رنگی، گیاهان، پلاستیک، پارچه، دورریختنی‌ها و...)، بچه‌ها می‌توانند از تلفیق مواد با یکدیگر استفاده کنند.

پایان دوره‌ی چسبانه کاری

در پایان، حتماً باید از فرایند کارهای هر جلسه‌ی کلاس نمایشگاهی برگزار شود تا کودکان دوباره مسیر طی شده را ببینند و به خلاقیت‌های اتفاقی افتاده در آثار توجه بیشتری کنند.

استفاده از تکه چسبانی یا ترکیبی هندسی از مواد گوناگون.

مرحله ۲: بستر خود را انتخاب کنید (بر اساس ابعاد کار و موادی که استفاده می‌کنید، سطحی را که قرار است روی آن تصویر ایجاد شود، انتخاب کنید).

مرحله ۳: تصویرهای (مواد اولیه) خود را برش دهید.

مرحله ۴: اشیاء و کاغذها و... را روی بستر بچینید.

مرحله ۵: بعد از اطمینان از محل هر شکل، همه چیز را چسب بزنید.

مرحله ۶: چسبانه کاری خود را مهر و موم کنید. قاب کردن یکی از راه‌های ثابت کردن یا مهر و موم کردن است (این مرحله اختیاری است).

توجه به این نکات ضروری است:

۱. شناخت بافت‌ها و مواد گوناگون و هم‌نشینی آن‌ها با رنگ‌بندی‌های متفاوت باعث تسلط بیشتر در خلق اثر می‌شود و خلاقیت بیشتری را به وجود می‌آورد.

۲. علاقه‌مندان به هنر چسبانه کاری در طول زندگی به دنبال مواد گوناگونی هستند تا بتوانند از آن‌ها اثری تازه بیافرینند؛ پس نسبت



ابزارهای لازم تکه چسبانی

- قیچی؛
 - چسب مایع و ماتیکی؛
 - سطح اصلی کار، برای چسباندن بقیه‌ی وسایل روی آن (معمولاً از کاغذ ضخیم استفاده می‌شود)؛
 - گیاهان (برگ، چوب، شاخه، حبوبات و دانه‌ها و...)
 - وسایل دورریختنی (در بطری، دکمه، زیپ، تکه‌ی پارچه و...)
 - کاغذ رنگی؛
 - عکس و تصویرهای روزنامه و مجلات قدیمی، کاغذهای چاپی، عکس‌ها یا نمونه‌های دیجیتال.
- توجه:** ابزار و وسایل تکه چسبانی بسیار متنوع است و محدودیت ندارد. در تکه چسبانی برای کودکان از چسب مایع استفاده می‌شود؛ اما به یاد داشته باشید که حتی می‌توان از دوخت و دوز نیز برای در کنار هم نگهداشتن اجزای تکه چسبانی استفاده کرد.

نحوه‌ی کار

مرحله ۱: انتخاب کنید چه نوع تکه چسبانی‌ای می‌خواهید بسازید؛ تکه چسبانی عکس، تکه چسبانی بازیافتی، ساخت تصویر خاصی با



زبان جهانی نقش‌ها

تأملی بر کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی نقاشی کودکان

باشد و بیشتر از همه وقفه و مکث و ماهیت حرکتی داشته باشد. کودکان بیشتر از هر چیز به تجربه کردن علاقه‌مندند. بنابراین فضایی که برای کودکان طراحی می‌شود، به‌ویژه فضاهای آموزشی، باید محیطی شاد و سرشار از انرژی باشد که نیروهای ذهنی و احساسی او را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از فضاهای آموزشی که کودک بخشی از ساعات عمر خود را در آن می‌گذراند و در آن به آموزش و یادگیری می‌پردازد، مدرسه است. مدرسه را می‌توان خانه‌ای با ابعادی وسیع‌تر دانست که کودکان بخشی از زندگی‌شان را در آن سپری می‌کنند (فهیمی جمایران، ۱۴۰۰). در این میان، دوره‌ی ابتدایی، هم به لحاظ کمی یعنی تعداد معلمان و دانش‌آموزان و هم از لحاظ کیفی یعنی تأثیری که این دوره در موفقیت تحصیلی در سراسر زندگی و دوران تحصیل دارد، از اساسی‌ترین و مهم‌ترین دوره‌های تحصیلی به شمار می‌آید. به جرئت می‌توان گفت هیچ یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی برخوردار نیستند. تحقیقات نشان می‌دهند دانش‌آموزانی که در دوره‌ی ابتدایی با ناکامی تحصیلی روبه‌رو هستند، در تمام دوره‌های تحصیلی دچار مشکل می‌شوند. به همین دلیل کشورهای پیشرفته تمام کوشش خود را به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان این دوره معطوف می‌کنند (سمیعی درونه، ۱۳۹۴).

تربیت هنری در رشد مهارت‌های تفکر و توانایی خلاقیت و شکل‌دهی ارزش‌ها بسیار سهیم است. تربیت هنری افراد را برای یادگیری و غلبه بر موانع یادگیری برمی‌انگیزاند و هیجان‌های منفی و دارای اثرات زبان‌بار را مانند بی‌علاقگی، اضطراب و خستگی کاهش می‌دهد یا از بین می‌برد. رشد ارزش‌های انسانی هم از طریق فعالیت‌های هنرمندانه امکان‌پذیر است (آیزنر، ۲۰۰۲). یکی از هنرهایی که می‌تواند در تربیت

است. در نتیجه توانسته است پیامدهایی از قبیل ابتکار و خلاقیت، درمان پرخاشگری، ناامیدی و تنهایی و... را مورد تفسیر و واکاوی قرار بدهد.

کلیدواژه‌ها: نقاشی، پیامدها، کودکان

مقدمه

فضای آموزشی عامل مهمی برای رشد افراد به حساب می‌آید و در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها، و به‌طور خاص شخصیت کودکان، نقشی مؤثر ایفا می‌کند. فضای آموزشی تأثیر مثبتی در رشد جسمی و عقلی کودکان دارد. کودکان به فضایی برای بازی و یادگیری نیاز دارند که در عین قابل کنترل بودن، آنان را محدود نکند، جذاب

هنر به‌صورت عام و نقاشی به‌صورت خاص تاریخچه‌ی دیرینه‌ای در آموزش و پرورش جهان دارد و به‌عنوان روشی درمانی از اهمیت بسیاری هم برخوردار است. این پژوهش به دنبال بررسی پیامدهای نقاشی برای بهبود فضای آموزشی دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، است که با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و به بررسی مقالات و کتاب‌های متعدد پرداخته

نگین فگار
کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی،
مازندران
فاطمه ستوده‌نیا
کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی،
مازندران

عکاس: عبدالرضا فرخ‌نژاد





پیامدهای نقاشی کودکان (الف) تقویت ادراک دیداری

هنرهای تجسمی، چون نقاشی، با تقویت نیمکره‌ی راست و چپ مغزی می‌توانند ادراک دیداری فضایی را تقویت و با پرورش قشر آهیانه‌ای و قشر پس سری راست و افزایش ارتباط بین آن‌ها فرایند یادگیری را آسان‌تر کنند (مقدم و استکی، ۱۳۹۰). بر اساس پژوهش‌های دیگری که در زمینه‌ی تأثیر هنر نقاشی بر نیمکره‌های چپ و راست مغز صورت گرفته، یافته‌ها حاکی از آن است که هر دو نیمکره‌ی مغزی در درک هنر مؤثرند و آموزش نقاشی و یادگیری آن می‌تواند هر دو نیمکره‌ی چپ و راست را فعال کند و مشکلات ادراکی و شناختی کودکان را کاهش دهد (زیدل، ۲۰۰۵؛

رامی خواهد بیان کند. در این میان نقاشی خانواده، به‌ویژه، به کودک امکان می‌دهد تمایلات و پس‌زده به ناخودآگاهش را فراق‌کنی کند و از این طریق از احساسات واقعی خود در قبال بستگانش به راحتی سخن بگوید. به همه‌ی کودکان باید فرصت داد، در مدت زمان کافی، با علاقه و تمایل شخصی و استفاده از وسایل و ابزار مناسب به نقاشی بپردازند. بنابراین نقاشی و طراحی از عوامل مهم در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر به شمار می‌رود. در نقاشی‌های کودکان می‌توان اطلاعات مناسبی از ویژگی‌های شخصیت کودکان، توانایی‌های ذهنی، ویژگی‌های عاطفی، ناکامی‌ها، فشارها و تمایلات درونی آن‌ها باز شناخت (صادقی سیاه، ۱۳۹۱).

کودک سهم بسزایی داشته باشد، نقاشی است. نقاشی کردن فعالیت تقریباً غریزی است که در رشد هوشی و ذهنی کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است (محمدپور، ۱۳۸۲). بسیاری از پژوهندگان بر این عقیده‌اند که نقاشی کودک در پیچه‌ای است که بر اندیشه‌ها و احساسات او گشوده می‌شود. می‌توان در سنجش شخصیت یا تشخیص نابسامانی‌های روان‌شناختی کودک از نقاشی‌هایش استفاده کرد و در پی درمان آن‌ها برآمد. هدف این مقاله بررسی تأثیرات و پیامدهای هنر نقاشی بر فضای آموزشی در کودکان است. به عبارت دیگر، می‌توان با واکاوی پیامدهای به کارگیری هنر نقاشی بسیاری از مشکلات جسمی و روانی را در کودکان کاهش یا حتی از بین برد.

ضرورت کاربرد نقاشی در فضای آموزشی

دوران کودکی از نقشی حساس و تعیین کننده در زندگی انسان برخوردار است. از نگاه روان‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت کودکی بر جسته‌ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان شناخته شده است. آن‌ها وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی‌های روانی را در این سنین از عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی دانسته‌اند.

توجه به ارزش‌های روان‌شناختی هنر به‌طور عام و نقاشی به‌طور خاص و اثرهای فردی و جمعی آن پیشینه‌ای دیرین دارد؛ میراثی گران‌بها از نظریات صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت. در این میان، نقاشی رامی‌توان وسیله‌ای برای بیان عواطف، گرایش‌ها، آرزوها، نگرانی‌ها و تعارضات و نیز زمان نقاشی کردن را لحظاتی برای احساس آرامش و کاستن از هیجانات به شمار آورد. نقاشی کودکان را وسیله‌ای برای تشخیص و ارزیابی ویژگی‌ها و مشکلات شخصی، روشی برای درمان و تجربه‌ای هنری برای احساس رضایتمندی و تکامل فردی نیز می‌دانند. این همه از طریق بیان احساسات واقعی و تمایلات پنهان و به سبب ابراز و برون‌ریزی عواطف و هیجانات امکان‌پذیر است. همچنین از نقاشی برای سنجش توانمندی ذهنی کودکان استفاده می‌شود. به عبارت دیگر «غالبه‌ی وجوه زندگی کودک در بازی یا نقاشی ظاهر می‌شود» (جودیت و براین، ۱۳۷۷).

از دیدگاه پیاژه نیز نقاشی چیزی در حد فاصل بازی و تصویر ذهنی است که کودک به واسطه‌ی آن دنیای واقعی خود را باز‌نمایی می‌کند (توماس و سیلکر، ۱۳۸۰: ص ۸۰). برای استفاده از فواید و ارزش‌های نقاشی، کودک باید بتواند آزادانه هر چه





نقاشی‌درمانی می‌تواند با فراهم کردن زمینه‌هایی برای ابراز احساسات و تخلیه‌ی هیجانی کودکان سبب کاهش احساس ناامیدی در آنان شود. با توجه به اینکه هنگام نقاشی کردن دست‌ها، چشم‌ها و مغز هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند، این امر سلامت ذهن و تقویت ادراک دیداری را در پی دارد. نقاشی‌های کودکان بیانگر دنیایی است که آن‌ها در ذهن خود می‌سازند و روان‌شناسان می‌توانند با مشاهده‌ی نقاشی آن‌ها به تجزیه و تحلیل افکارشان بپردازند. کودکان، با نقاشی، دنیای پیرامون خود را آن گونه که درک کرده‌اند، به تصویر می‌کشند. امید است دلسوزان آموزش و پرورش کشورمان بتوانند از اهمیت و ضرورت نقش هنر و نقاشی در فضای آموزشی آگاه شوند و تمام تلاش خود را برای بهبود این فرایند به کار گیرند.



کودک بر احساس تنهایی و ناامیدی مؤثر باشد. کودکان در جلسات نقاشی، ترس‌ها و احساسات منفی خود را در قالب نقاشی بیان می‌کنند. کودک با بیان فراقکنانه‌ی احساسات خود در وجود آدم‌ها و حیوانات نقاشی شده، خود را از نظر تنظیم هیجانات به سطح سازش یافته می‌رساند و همین موضوع سبب می‌شود مشکلات عاطفی وی بهبود یابد و از نظر تطابق و سازش با خود و محیط، در سطح بالاتری عمل کند (فرامرزیان و مرادی، ۱۳۹۴).

روان‌درمانی کودکان

با تأیید و تشویق کارهای کودکان، می‌توان اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت و شوق تجربه‌های بعدی را در آنان ایجاد کرد. نقاشی کردن برای کودک به معنای مفید، سازنده و مبتکر بودن است و تأثیر مهمی بر ذهن او می‌گذارد؛ به همین دلیل در نقاشی به هیچ وجه نباید از مدل استفاده کرد. بچه‌ها باید آزادانه در مورد موضوعی بیندیشند و ایده‌ی خود را در حد توانایی‌شان اجرا کنند تا از درون ارضا شوند. با توجه به این دیدگاه، نقاشی کودکان جنبه‌ی تربیتی دارد نه آموزشی. کودکان در نقاشی‌هایشان از قوه‌ی تخیل و حافظه‌ی خود بسیار استفاده می‌کنند. نقاشی پلی برای برقراری ارتباط با درون کودکان است. آن‌ها دنیای شخصی خود را می‌آفرینند و واقعیت‌ها را همان گونه که می‌دانند و می‌شناسند، به تصویر می‌کشند. در واقع آن‌ها نه فقط آنچه را می‌بینند، بلکه آنچه را از جهان پیرامون خود می‌فهمند، نقاشی می‌کنند (محمدی صبا، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

هنر از دیرباز، به عنوان اولین ابداعات بشر، مورد توجه پژوهشگران بوده است. آموزش هنر، به ویژه نقاشی، در مدرسه برای کودکان ابتدایی امری مهم و اجتناب‌ناپذیر است. نقاشی هم بر افزایش خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان و هم بر درمان برخی اختلالات یادگیری تأثیرگذار است.

زیدل ۲۰۰۶؛ استوارت و همکاران، ۲۰۰۳). آندریاس هنر درمانگری است که از آموزش هنرهای تجسمی (نقاشی و سفال) برای افزایش مهارت‌های ادراک دیداری کودکان نارساخوان و حساب‌نارسا استفاده کرده است. پژوهش‌ها و بررسی‌های او نشان داده است که آموزش هنرهای تجسمی می‌تواند مهارت‌های مرتبط با ادراک دیداری چون ادراک فضایی، حافظه‌ی دیداری و تشخیص شکل از زمینه را بیفزاید و در پی آن، یادگیری را در این گروه از کودکان ارتقا دهد (آندریاس، ۲۰۰۵؛ کیس و دیلی، ۲۰۰۶؛ هنلی و کلی، ۲۰۰۲).

ب) خلاقیت و ابتکار

هنر قادر است به عواطف عمیق دست یابد و نحوه‌ی احساس کودک را به جهان پیرامون و جهان درونش تغییر دهد. به بیان دیگر، هنر شیوه‌ای ظریف برای آزادسازی عواطف خاموش و سرپوشیده‌ی کودکانی است که از بیان مستقیم آن‌ها ترس دارند، با هنر تغییراتی سریع، بینشی عمیق و رویکردی خلاقانه به زندگی ایجاد می‌شود (برزگر بغروی و همکاران، ۱۳۹۴).

ج) درمان پر خاشگری

نقاشی در شناخت و درمان مشکلات کودکان سازش‌نا یافته، پر خاشگر و بی‌قرار مناسب است و به این کودکان امکان می‌دهد قابلیت و خلاقیت خود را نشان دهند. فرایند ساختن، ترسیم و نقاشی فرایند پیچیده‌ای است که در آن، کودک اجزای گوناگونی از تجربه‌هایش را برای ساخت یک کل معنادار مورد استفاده قرار می‌دهد (صادقی سیاه، ۱۳۹۱).

د) درمان ناامیدی و تنهایی

پژوهش‌ها نشان داده‌اند نقاشی درمانی بر بهبود احساس تنهایی کودکان مؤثر است. به طور کلی هنر درمانی به طور خاص نقاشی درمانی می‌تواند با فراهم کردن زمینه‌ای برای بروز و تخلیه‌ی هیجانات

- منابع
۱. فیهمی‌جمایران، شهلا، ۱۴۰۰، فضاهای آموزشی، چاپ اول، تهران: دفتر انتشارات و فناوری آموزش.
 ۲. سمیعی درونه، رضا، ۱۳۹۴، اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی، دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شادگان.
 ۳. محمدپور، آیت‌الله، ۱۳۸۲، آموزش هنر در مدارس دوره‌ی ابتدایی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت.
 ۴. دادستان، پریرخ، ۱۳۸۸، ارزشیابی شخصیت کودکان، تهران: رشد.
 ۵. توماس، گلین وی و سبیلکلی، آنجل ام جی، ۱۳۸۰، مقدمه بر روان‌شناسی کودکان، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: طرح نو.
 ۶. کرمن، لوتیز، ۱۳۷۳، تحلیل روان‌شناختی نقاشی کودکان، ترجمه‌ی نقایان، چاپ اول، تهران: نیس.
 ۷. عطاران، ابوالفضل، ۱۳۸۵، «ارزش‌های روان‌شناختی در نقاشی کودکان»، مجله‌ی روان‌شناسی رشد و تحول، شماره‌ی ۱۳.
 ۸. برزگر بغروی، کاظم؛ میرجلیلی، مرصیه؛ شیرجهانی، اعظم؛ مهر و آبان، ۱۳۹۴، «نقش بازی‌های حرکتی، نقاشی و موسیقی در کاهش مشکلات رفتاری-تحمیلی کودکان دارای مشکلات یادگیری»، مجله‌ی تعلیم و تربیت استثنایی، سال یازدهم.
 ۹. محمدی صبا، جواد، تابستان ۱۳۹۱، «نقاشی کودکان و نقش آن در پرورش خلاقیت»، مجله‌ی رشد آموزش هنر، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۴.
 10. Eisner, Elliot, The lessons The Arts teach, Available at Learning and Arts, Crossing Boundariens 2002.
 11. Granger, D.A, Pragmatist Aesthetics: Living Beauty, Rethinking Art, A review of Richard Shuster Man, 2nd edn Maryland: Rowman & Publisher, Inc, 2010.
 12. Greene, M, Variations on a blue guitar: The Lincoln Center Institute lectures on aesthetic education VT: Teachers College Press, 2011.
 13. Moghadam, K, sticky M, Music and math learning disability, Education exceptional, No 107, 2012, pp 4838-.
 14. Stewart, Lauren; Henson, Rik; Kampe, Khut; Walsh; Vincent; Turner, Robert; Frith, uta. Brain. Changes after learning to read and play music. Institute of cognitive neuroscience. 2003, Elsevier Inc.
 15. Andreas, C. The effects of Art education on Promotion of visual-Perceptual skills, 2005, USA: Florida University Press.
 16. Case C, Dalley, nd T. The Hand book of Art Therapy, 2 ed. 2006.
 17. Henley D. Clay Works in Art Therapy. 2002, London: Jessica Kingsley.



به روانی آب، به سختی سنگ

۱. تنوع نیازها

آموزش کودکان استثنایی، به دلیل وجود نیازهای متنوع آموزشی، جسمی و روانی این کودکان، با چالش‌های خاصی مواجه است؛ مثلاً کودکانی که با اختلالات یادگیری مانند خوانش پریشی (دیسلکسیا) یا اختلال ریاضی (دیسکالکولیا) مواجه هستند، نیاز به روش‌های آموزشی خاص و متفاوت دارند.

دانش‌آموزان دچار مشکلات شنوایی، بینایی، جسمی حرکتی، درخودماندگی (اتیسم) و چندمعلولیتی با وجود اینکه با مشکلات متنوع و متفاوتی درگیرند و نیاز به آموزش‌های متعددی دارند، در مدرسه‌های استثنایی، به‌خصوص در شهرستان‌ها، در کنار هم و در یک کلاس و با یک معلم مشغول به تحصیل‌اند و همین کار تدریس را برای معلم با مشکل مواجه می‌کند.

شادی آن لحظه و لبخند دلنشین کودکی استثنایی با خبر قبولی در رشته‌ی پزشکی دانش‌آموز دیگران برابری نمی‌کرد؟! سر به آسمان بلند کردم و گفتم: «خدایا، همین‌طور که من از کم این بچه‌ها آن قدر راضی و خوش‌حالم تو هم از کم من راضی باش!»

آموزش و پرورش کودکان استثنایی همیشه با مشکلات خاص خودش همراه بوده است و همین ارزش و لذت کار با آن‌ها را برای کسانی که به هر شکلی با کودکان استثنایی درگیرند، بیشتر می‌کند. در این نوشتار به بخش کوچکی از این مشکلات اشاره می‌کنیم:

فاطمه شیخ‌محسنی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی، آموزگار مدرسه‌ی استثنایی آموزش و پرورش اقلید فارس

مجتبی مخرابی

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، معاون دبیرستان شاهد اقلید فارس

سمانه مخرابی

کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار مدرسه‌ی استثنایی آموزش و پرورش اقلید فارس

چند سالی بود معلم مدرسه‌ای استثنایی بودم. جبر روزگار کارم را به اینجا کشانده بود، وگرنه سروکله‌زدن با بچه‌هایی که هر چه بگویی یاد نمی‌گیرند، کار آسانی نیست. تازه فقط بچه‌ها هم نبودند! کلاً هیچ‌جا معلمان مدرسه‌های استثنایی جدی گرفته نمی‌شدند، حتی در جمع همکارانشان؛ مثلاً همین دیروز در جلسه‌ای، معلمی با جعبه‌ای شیرینی وارد شده بود و از دانش‌آموزی می‌گفت که حالا پزشک شده و برای تقدیر از او برایش گل و شیرینی برده است. بقیه هم با حسادت برایش کف زدند و بعد با نگاهی طعنه‌آمیز ما را مستفیض کردند. همکاران مدرسه‌های استثنایی هم نگاهی به هم کردند و روز بعد بی‌حوصله‌تر از قبل وارد مدرسه شدند.

چند ماهی می‌شود درگیر آموزش نوشتن کلمه‌ی آب به یکی از شاگردان هستیم. از هر دری که فکر کنید، وارد شدم. هزار روش ریز و درشت و تازه و کهنه را آزموده‌ام. رنگ به رنگ از وسایل کمک آموزشی گوناگون استفاده کرده‌ام؛ اما انگار نه انگار. آهی از سر خستگی و ناامیدی زدم و طبق هر روز، دانش‌آموز را پای تخته صدا زدم. در حالی که بی‌حوصله دفتر کلاسی را می‌نوشتیم، با صدایی که معمولاً برای تازه‌واردها نامفهوم است، صدایم زد و گفت: «خانم معلم، نوشتیم. آب؛ آ اول، ب آخر. بالاخره یاد گرفتیم».

بعد هم خندید. در چشمان من خندید.

من به نوشته‌ی پای تخته نگاه کردم و با شادی او را در آغوش کشیدم و گفتم: «آفرین! بله بالاخره یاد گرفتی!»





۲. کمبود منابع و تجهیزات

بسیاری از مدرسه‌ها به تجهیزات و منابع آموزشی مناسب برای تدریس به کودکان استثنایی دسترسی ندارند. معلمان در بیشتر مواقع مجبورند از ابزار معلم‌ساخته استفاده کنند. استفاده از این ابزار هر چند مزایای خاص خود را دارد؛ اما برای معلمان خستگی بیشتری در پی خواهد داشت. همچنین ممکن است



معلمان مهارت لازم برای ساخت ابزار کمک آموزشی را نداشته یا آموزش‌های لازم برای کار با این کودکان را دریافت نکرده باشند، که این موضوع می‌تواند به کیفیت آموزش آسیب بزند.

۳. نبود حمایت اجتماعی

بی‌اطلاعی عموم جامعه از نیازها و توانمندی‌های کودکان استثنایی می‌تواند منجر به تبعیض و نادیده‌گرفتن این کودکان شود. همچنین، خانواده‌ها ممکن است در درک و حمایت از نیازهای آموزشی و اجتماعی کودکان خود با چالش‌هایی مواجه شوند. در خیلی از موارد، خانواده حاضر به پذیرفتن مشکل کودک خود نیستند و از او توقعی فراتر از توانش دارند. این مسئله علاوه بر ایجاد فشار بیش از حد به کودک، معلم او را نیز در فشار قرار می‌دهد و برای آموزش کودک نیز مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

۴. چالش‌های عاطفی و اجتماعی

کودکان استثنایی ممکن است با احساس تنهایی و انزوا مواجه و در برقراری ارتباط با همسالان خود با مشکل روبه‌رو شوند. این مشکلات عاطفی می‌توانند بر اعتمادبه‌نفس آن‌ها تأثیر منفی بگذارد. ناتوانی این کودکان در برقراری ارتباطی مطلوب گاهی باعث پرخاشگری و ناسازگاری در آن‌ها می‌شود. همین امر باعث می‌شود آن‌ها در محیط‌های عمومی مثل بوستان‌ها یا در مهمانی‌های خانوادگی و در جمع دیگران مورد مقایسه قرار بگیرند یا طرد شوند؛ اما مشکل به همین جا ختم نمی‌شود. در موارد بسیاری هم ترحم زیاد اطرافیان به‌اندازه‌ی طرد و نپذیرفتن کودک می‌تواند آسیب‌زا باشد.

۵. برنامه‌ریزی و تطبیق

طراحی برنامه‌های آموزشی فردی (IEP) که به نیازهای خاص هر کودک پاسخ می‌دهد، چالش بزرگی است. معلمان باید روش‌های تدریس خود را با توجه به نیازهای خاص هر کودک تطبیق دهند که این کار زمان‌بر و دشوار است. تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های مدرسه‌های استثنایی کمتر از مدرسه‌های عادی است؛ اما با توجه به اینکه برنامه‌ی آموزشی برای این کودکان باید بسیار خاص و منحصر به خودشان باشد، عملاً معلم برای هر دانش‌آموز باید برنامه‌ای مجزا و تدریسی متفاوت ارائه دهد. این

هم از مشکلات تدریس برای کودکان استثنایی است. کار زیاد و بازده کم و طولانی‌مدت می‌تواند بسیاری از معلمان را از ادامه‌ی راه خسته و دلزده کند.

۶. محدودیت‌های قانونی و اداری

برخی از نظام‌های آموزشی ممکن است به اندازه‌ی کافی انعطاف‌پذیر نباشند تا نیازهای کودکان استثنایی را به‌خوبی پاسخ دهند. همچنین، دسترسی به خدمات حمایتی مانند مشاوره و توانبخشی برای خانواده‌ها می‌تواند دشوار باشد. در بیشتر شهرستان‌ها مراکز ارائه‌ی خدمات درمانی و حمایتی مانند گفتاردرمانی و کاردرمانی که از نیازهای ضروری این کودکان است، در دسترس نیست یا بسیار محدود است. همان تعداد محدود هم هزینه‌های بالایی دارد و با توجه به طول مدت درمان، برای خانواده‌ها، مسئله‌ای مهم و اساسی محسوب می‌شوند. حضور این نیروها در مدرسه‌های استثنایی که به‌صورت رایگان و دائمی به کودکان خدمات دهند، از نیازهای ضروری آموزش به کودکان استثنایی است و می‌تواند بار بزرگی را از دوش معلم بردارد.

نتیجه‌گیری

کودکان استثنایی بخشی از جامعه‌ی ما هستند که حق دارند در کنار سایرین از یک زندگی معمولی لذت ببرند. اطرافیان، جامعه و خانواده باید برای رسیدن به این حق طبیعی آن‌ها تلاش کنند. زندگی کودکان استثنایی علاوه بر خود فرد برای خانواده و سایر اطرافیان او نیز پرچالش است؛ اما می‌توان با کمک آموزش و توانبخشی مؤثر و به‌موقع بسیاری از مشکلات و چالش‌ها را کاهش داد و آن را به‌سوی زندگی مطلوب‌تر هدایت کرد.

منابع

1. Smith, T. E. C., & Smith, M. D. (۲۰۱۶). Teaching Students with Special Needs in General Education Classrooms. Pearson.
2. Bateman, D. F., & Cline, J. (۲۰۱۴). Special Education: A Conceptual Approach. Pearson.
3. Lindsay, G. (۲۰۰۷). "Inclusive Education: A Critical Perspective." International Journal of Inclusive Education, ۱۱(۳), ۳۰۳-۳۱۷.
4. McGregor, G., & Campbell, A. (۲۰۰۶). "The Impact of Social Context on the Well-Being of Children with Special Needs." Children & Society, ۲۰(۵), ۳۴۸-۳۶۰.
5. Friend, M., & Cook, L. (۲۰۱۳). Interactions: Collaboration Skills for School Professionals. Pearson.
6. Turnbull, H. R., Turnbull, A. P., Wehmeyer, M. L., & Shogren, K. A. (۲۰۱۵). Exceptional Lives: Special Education in Today's Schools. Pearson.



فکری به حال تفکر!

سید احمد ابوالحسنی

کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، رئیس اداره

آموزش متوسطه اول استان مرکزی

ربحانه خاقانی نژاد

کارشناس ارشد کامپیوتر، کارشناس آموزش هنرستان‌های

استان مرکزی

آموزش و پرورش نیز باید بر پرورش توانایی تفکر و حل مسئله تمرکز کند؛ زیرا انسان در مسیر زندگی همواره با مسائل متعددی از ساده تا پیچیده، مواجه می‌شود. برای موفقیت در این جهان متغیر، ضروری است توانمندی‌های شناختی همچون هوش، تفکر و خلاقیت از طریق تعلیم و تربیت توسعه یابد. این مسئولیت بر عهده‌ی نظام آموزشی است و معلمان می‌توانند با روش‌های نوین تدریس، دانش‌آموزان را به تفکر مستقل و انتقادی ترغیب کنند (دارستانی فراهانی، محمدرضا، ۱۳۷۶).

تفکر انتقادی به افراد کمک می‌کند، در ارتباطات اجتماعی، تصمیم‌گیری‌هایی مبتنی بر تحلیل منطقی داشته باشند و میان عناصر مطلوب و نامطلوب تمایز قائل شوند. این مهارت باعث شکل‌گیری جوامعی خردمندتر، متعادل‌تر و انعطاف‌پذیرتر خواهد شد. در صورتی که مدرسه‌ها در آموزش تفکر انتقادی ناموفق باشند، نه تنها جامعه‌ی ما، بلکه جامعه‌ی جهانی متحمل خساراتی جبران‌ناپذیر خواهد شد (ملکی، حبیبی‌پور، ۱۳۸۶).

از دیگر ضرورت‌های پرورش تفکر انتقادی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. **ایجاد انگیزش شناختی:** مواجهه با چالش‌های فکری صحیح بر علاقه و لذت یادگیری می‌افزاید.

ضمن بررسی ضرورت و اهمیت پرورش تفکر انتقادی و سطوح آن، به تحلیل مهارت‌های تفکر انتقادی و روش‌های پرورش آن پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تفکر، تفکر انتقادی، مهارت‌های تفکر انتقادی، فرد متفکر

ضرورت و اهمیت موضوع

تفکر یکی از ارکان اساسی رشد انسانی است و در آموزه‌های دینی نیز بر اهمیت آن تأکید شده است. در آیات متعددی از قرآن کریم، انسان‌ها به اندیشیدن دعوت شده‌اند:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (قطعاً در این‌ها برای مردمی که می‌اندیشند، آیتی است) (نحل / ۱۱ و ۶۹).

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد / ۳ و زمر / ۴۲ و جاثیه / ۱۳).

«لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (باشد که آن‌ها فکر کنند) (حشر / ۲۱).

یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت، رشد مهارت‌های فکری است. نکته‌ی مهم این است که این مهارت‌ها قابل آموزش هستند. دوران کودکی و نوجوانی مناسب‌ترین زمان برای فراگیری این مهارت‌ها به شمار می‌آید. بازگرداندن تفکر به نظام آموزشی و احیای برنامه‌ی آموزش تفکر، در مدرسه‌ها، یکی از اقدامات اساسی و تحول‌آفرینی است که این برنامه دنبال می‌کند. همچنین، تغییر رویکرد آموزش و پرورش از حافظه‌محوری به تأمل‌محوری و جایگزینی «تقویت قدرت قضاوت و داوری» به جای تمرکز صرف بر تقویت حافظه‌ی دانش‌آموزان، از دیگر اهداف این برنامه است.

رشد و پرورش مهارت‌های فکری، به‌ویژه مهارت‌های تفکر انتقادی، همواره یکی از چالش‌های نظام آموزشی بوده است. با این حال، امروزه این موضوع به مسئله‌ای بحرانی تبدیل شده است؛ چراکه یافته‌های اخیر نشان می‌دهند متخصصان تعلیم و تربیت به شدت از ناتوانی یادگیرندگان در تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده‌اند. در این مقاله،





۲. افزایش تعامل در کلاس‌های آموزشی:

دانش‌آموزان در محیط‌هایی که انگیزه‌های فکری و استدلالی بیشتری وجود دارد، مشارکت فعال‌تری دارند.

۳. انطباق با دنیای نوین: امروزه مهارت‌هایی

که برای نسل‌های گذشته مفید بودند، لزوماً برای دانش‌آموزان امروز کارآمد نیستند. تفکر انتقادی ابزاری کلیدی برای تطبیق با تحولات سریع اجتماعی و علمی است.

۴. رشد اخلاقی و ارزش‌های انسانی: پرورش

ذهن از طریق چالش‌های عقلانی، نه تنها به موفقیت در زندگی منجر می‌شود، بلکه به توسعه‌ی فضایل اخلاقی و ارزش‌های انسانی نیز کمک می‌کند (فیشر، رابرت؛ ترجمه‌ی سرمد، ۱۳۸۸).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیق توصیفی تحلیلی و از دسته‌ی پژوهش‌های کیفی است که با توجه به آثار نوشتاری موجود در حوزه‌ی تفکر انتقادی تدوین شده است. در این پژوهش، همچنین از منابع دیگر در خصوص آموزش و پرورش و... استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش‌های نمونه‌برداری

پژوهش حاضر بر اساس فیش‌برداری از مقالات، کتاب‌ها و... صورت پذیرفته و به صورت کتابخانه‌ای است.

مقدمه

آموزش تفکر و پرورش روحیه‌ی پژوهشگری همواره از جذاب‌ترین و چالش‌برانگیزترین حوزه‌های نظری و عملی در تعلیم و تربیت بوده است. این حوزه که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار داشته است، اهداف و برنامه‌های متنوعی دارد.

برنامه‌های آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان، بیش از پنج دهه در کشورهای توسعه‌یافته اجرا شده و حدود یک دهه است که در ایران مورد توجه اندیشمندان، معلمان و علاقه‌مندان که دغدغه‌ی ارتقای تفکر در جامعه و فرهنگ را دارند، قرار گرفته است. روند معرفی و گسترش این موضوع در ایران کند بوده است (ناجی، ۱۳۸۸)؛ اما در سال‌های اخیر، روان‌شناسان پرورشی و دیگر متخصصان از تمرکز بیش از حد مدرسه‌ها بر انتقال دانش به دانش‌آموزان انتقاد و بر لزوم پرورش مهارت‌های فکری و اندیشیدن در فرایند یادگیری تأکید کرده‌اند (سیف، ۱۳۷۹).

یکی از روش‌های مؤثر در توسعه‌ی توانایی اندیشیدن، پرورش تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی بر اساس اطلاعات، به دسته‌بندی و تحلیل و کاربرد داده‌ها می‌پردازد و از طریق کشف قوانین علمی و ارائه‌ی نظریه‌های جدید، به تولید علم شتاب می‌بخشد. بر همین اساس، هدف اصلی تعلیم و تربیت در دنیای امروز، پرورش انسان‌هایی متفکر و خلاق است. متخصصان و پژوهشگران نیز بر این باورند که تفکر انتقادی و خلاق نه تنها باید یکی از اهداف آموزشی باشد، بلکه باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری در تمامی دوره‌های آموزشی گنجانده شود (ندافی، ۱۳۸۵).

شایان ذکر است که اصطلاح تفکر نقادانه، به معنای منفی‌نگری یا فقط جست‌وجوی ایرادات نیست، بلکه به معنای ارزیابی دلایل و استدلال‌ها بر اساس منطق و شواهد است. تفکر انتقادی هدف اصلی فردی معقول را که قادر به اندیشیدن مستقل و بدون تأثیرپذیری از دیگران است، برجسته می‌کند. کودک، به عنوان متفکری نقاد، بدون تحلیل و بررسی، هیچ باور یا استدلالی را به سادگی نمی‌پذیرد یا رد نمی‌کند (فیشر، ۱۳۸۵).

توجه به تفکر انتقادی، پژوهش درباره‌ی آن و تلاش برای توسعه‌ی توانایی‌های مرتبط با آن در محیط‌های آموزشی، موضوع جدیدی نیست و ریشه‌های آن به مکتب افلاطون بازمی‌گردد (مایزر، ترجمه‌ی ایلی، ۱۳۸۳). این رویکرد آموزشی، بر اساس دیدگاه‌های جان دیویی و روان‌شناس روسی، لیو ویگوتسکی، شکل گرفته است. هر دو اندیشمند بر اهمیت آموزش تفکر، تأمل و رد روش‌های مبتنی بر حفظ مطالب بدون درک عمیق تأکید داشتند (لیپمن، میتو، در مصاحبه با ناجی، سعید).

در ایران و سایر کشورها، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

طبق یک نظرسنجی، در پاسخ به این پرسش که «چه انتظاراتی از فعالیت‌های تربیتی دارید؟»، ۸۲ درصد از اعضای انجمن نظارت و برنامه‌ریزی درسی که یکی از عوامل اصلی تحول نظام‌های آموزشی در سطح جهان محسوب می‌شوند، آموزش تفکر را یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی مطرح کرده‌اند (شعبانی، ۱۳۸۲، به نقل از ملکی و حبیبی‌پور). تحلیل سیلور (۱۹۸۶) از نتیجه‌های آزمون سراسری تحت عنوان «ارزیابی ملی پیشرفت آموزش و پرورش» نشان‌دهنده‌ی شواهد قانع‌کننده‌ای است که بیان می‌کند بیشتر



دانش‌آموزان هنگام انجام تکالیف علمی و آموزشی، بدون تفکر عمیق و به‌شیوه‌ای مکانیکی عمل می‌کنند (مارزینو و همکاران، ترجمه احقر، ۱۳۸۰).

جاویدی و عبدلی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی روند تحول تفکر انتقادی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد پرداختند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات تفکر انتقادی دانشجویان دختر و پسر و همچنین میان دانشجویان سال‌های اول و چهارم رشته‌ی علوم انسانی، تفاوت معناداری وجود دارد. با این حال، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات تفکر انتقادی دانشجویان علوم انسانی و سایر رشته‌ها مشاهده نشد (جاویدی و عبدلی، ۱۳۸۶). عابدینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مطالعه‌ای، تجربه‌های دانشجویان را در زمینه‌ی ادغام روش یادگیری مبتنی بر حل مسئله با کار گروهی بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد این شیوه‌ی آموزشی، با تجربه، پژوهش، خودتنظیمی و انگیزش همراه است. با این حال، برخی موانع نیز شناسایی شدند که شامل زمان‌بر بودن این روش، اختلاف نظر میان اعضای گروه و مقاومت در برابر تغییر بود.

یافته‌هایی از تجربه و تحلیل داده‌ها

دانش ما درباره‌ی تفکر ریشه در دو سنت متمایز فلسفه و روان‌شناسی دارد. فلاسفه ذهن انسان را جایگاه عقل می‌دانند و بر پرورش آن از طریق تحلیل، استدلال و منطق تأکید می‌کنند، در حالی که روان‌شناسان بیشتر به ساختار ذهن و فرایندهای تفکر خلاق، یعنی چگونگی شکل‌گیری ایده‌ها، می‌پردازند.

تفکر هر دو جنبه‌ی خلاق و انتقادی ذهن را شامل می‌شود و در حل مسائل، تصمیم‌گیری و درک مفاهیم نقش دارد. این فرایند اگرچه آگاهانه است، اما تحت تأثیر عوامل ناآگاهانه نیز قرار می‌گیرد. همچنین، تفکر امری فردی است؛ اما در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود (فیشر، ۱۳۸۵).

تعریف تفکر انتقادی

یکی از چالش‌های پرورش تفکر انتقادی، نبود تعریفی واحد و مورد توافق است. برخی آن را توانایی تحلیل و تنظیم مسائل، استدلال قیاسی و استقرایی، استخراج منطقی اطلاعات، دفاع از نتیجه‌های معقول و تمایز بین حقیقت و عقیده

می‌دانند. گروهی دیگر، تفکر انتقادی را به فعالیت‌های شناختی سطح بالا برای حل مسائل پیچیده محدود می‌کنند.

اینس معتقد است تفکر زمانی انتقادی است که فرد بتواند مباحث را دقیق تحلیل کند، به دنبال شواهد معتبر باشد و به قضاوت و نتیجه‌ای منطقی برسد. بیر و نیدلر نیز تفکر انتقادی را مجموعه‌ای از مهارت‌ها می‌دانند و بر قضاوت به‌عنوان عنصر کلیدی آن تأکید دارند. در بسیاری از فرهنگ‌نامه‌ها نیز تفکر انتقادی مترادف با قضاوت تعریف و نوعی تمرین در ارزیابی دانسته شده است (شعبانی، مهرمحمدی، ۱۳۷۹).

رابطه‌ی تفکر انتقادی و تفکر خلاق

پل والد معتقد است تفکر خلاق و انتقادی ارتباطی تنگاتنگ دارند و در فرایند استدلال روزمره از یکدیگر جدانشناخته‌اند. تفکر خلاق بر تولید و نوآوری تمرکز دارد، در حالی که تفکر انتقادی به ارزیابی و اصلاح می‌پردازد. ذهن انسان باید هم‌زمان قادر به خلق و ارزیابی باشد؛ زیرا قضاوت انتقادی نقش اساسی در فرایند خلاقیت دارد. فیشر نیز جدایی این دو نوع تفکر را سوءبرداشت دانسته و معتقد است خلاقیت فقط ارائه‌ی راه‌حل‌های جدید نیست، بلکه یافتن راه‌حل‌های بهینه است که بدون قضاوت انتقادی امکان‌پذیر نیست. او ویژگی‌هایی مانند تحلیل، استدلال استقرایی و همگرایی را برای تفکر انتقادی و خصوصیات همچون جسارت، فرضیه‌سازی و واگرایی را برای تفکر خلاق برمی‌شمارد (مکتبی، لیلا، ۱۳۸۸).

سطوح تفکر انتقادی

تفکر انتقادی در سه سطح پایه، پیچیده و تعهد طبقه‌بندی می‌شود:

۱. **سطح پایه:** در این مرحله، فرد با تکیه بر دانش و اصول اولیه، برای هر مسئله راه‌حلی قطعی ارائه می‌دهد.

۲. **سطح پیچیده:** فرد از وابستگی به منابع راهنما فاصله می‌گیرد و با تحلیل و آزمایش روش‌های متعدد، به تفکر مستقل می‌پردازد.

۳. **سطح تعهد:** در این مرحله، یادگیرنده بدون نیاز به دیگران تصمیم می‌گیرد و خود را ملزم به پاسخ‌گویی در قبال انتخاب‌هایش می‌داند (حسینی‌راد و علمداری، ۱۳۹۰).

ویژگی‌های افراد دارای تفکر انتقادی

● حمل ابهام و پرهیز از قضاوت عجولانه؛

- انعطاف‌پذیری و قدرت ارزیابی چندجانبه؛
- نگاه جامع و توانایی تفکیک تفکر از متفکر؛
- اعتمادبه‌نفس و قاطعیت در تصمیم‌گیری (شفیعی‌فرد، یعقوب، ۱۳۹۱).

مهارت‌های تفکر انتقادی

روش‌های پرورش آن

تفکر انتقادی مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی است که باید در فراگیرندگان تقویت شود تا بتوانند از آن‌ها در موقعیت‌های متعدد استفاده کنند. فاشیون (۱۹۹۴) مهارت‌های اصلی تفکر انتقادی را شامل این موارد می‌داند:

- **تفسیر:** درک و بیان معانی از طریق دسته‌بندی و تحلیل تجربه‌ها، اطلاعات و باورها.
 - **تحلیل:** تشخیص هدف مطالب و بررسی ارتباطات استنباطی بین جملات و ایده‌ها.
 - **ارزشیابی:** سنجش میزان اعتبار داده‌ها و بررسی استدلال‌ها.
 - **استنباط:** نتیجه‌گیری منطقی از اطلاعات و شواهد موجود.
 - **توضیح:** ارائه استدلال و دلایل قانع‌کننده برای نتایج به‌دست‌آمده.
 - **خودتنظیمی:** بازبینی و اصلاح افکار و باورهای شخصی (ماشاءاللهی‌نژاد و کارشکی، ۱۳۹۰).
- این مهارت‌ها به‌طور خطی عمل نمی‌کنند، بلکه در تعامل با یکدیگر در موقعیت‌های گوناگون به کار گرفته می‌شوند.

نقش معلمان در پرورش تفکر انتقادی و خلاق

معلمان می‌توانند با روش‌های زیر تفکر خلاق و انتقادی را در دانش‌آموزان پرورش دهند:

۱. ارائه‌ی مطالب آموزشی متنوع فراتر از کتاب‌های درسی.
۲. اجرای مناظره‌های مرتبط با زندگی دانش‌آموزان.
۳. سازمان‌دهی گروه‌های کوچک برای بحث و تعامل.
۴. بازسازی رویدادهای زندگی شخصیت‌های متفکر.
۵. تشویق دانش‌آموزان به نگارش انتقادهای اجتماعی و ارسال آن به نشریات.
۶. استفاده از تکلیف‌های نوشتاری اثربخش شامل:
 - خلاصه‌نویسی؛
 - نگارش مقاله‌های تحلیلی؛
 - حل مسائل روزنامه‌ها و مجلات؛
 - اجرای پروژه‌های تحقیقاتی؛

۱. شروع با سؤال: طرح سؤال یا مسئله‌ای در ابتدای درس توجه‌ها را جلب و در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد می‌کند.

۲. استفاده از سکوت برای تفکر: سکوت می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تفکر عمیق‌تری داشته باشند.

۳. توجه به تعامل در طرح موضوعات: کلاس باید به شکلی طراحی شود که تبادل افکار و بحث‌ها را تسهیل کند.

۴. مدیریت زمان: به دانش‌آموزان باید وقت کافی برای تفکر داده شود. استفاده از جلسات طولانی‌تر می‌تواند مفید باشد.

۵. ایجاد فرصت مساوی برای همه: باید فضایی ایجاد شود که همه‌ی دانش‌آموزان بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند و اعتمادبه‌نفس آن‌ها تقویت شود (چیت و مایزر، ۱۳۸۳؛ مالکی‌پور، ۱۳۸۱؛ یارمحمدیان، ۱۳۷۷). این روش‌ها به توسعه‌ی مهارت‌های تفکر انتقادی در دانش‌آموزان کمک می‌کنند و آن‌ها می‌توانند نتیجه‌های چشمگیری در یادگیری و حل مسائل داشته باشند.

نتیجه‌گیری

تحقیقات نشان می‌دهند تفکر پدیده‌ای طبیعی است که تمام قوانین و اصول حاکم بر رفتار انسان بر آن صادق است. تفکر به‌ویژه تفکر انتقادی، قابل یادگیری است. می‌توان با فراهم کردن شرایط مناسب، افراد را به تفکر خلاق و منتقد پرورش داد. امروزه پژوهشگران بر این باورند که تفکر انتقادی نه تنها باید یکی از اهداف آموزش باشد، بلکه باید در تمام مراحل آموزشی به‌طور جدی گنجانده شود.

برای تربیت نسلی پویا و فعال در جامعه، ضروری است به دانش‌آموزان شیوه‌های قضاوت و تفکر انتقادی در مورد جامعه و زندگی‌شان آموزش داده شود. باید این مهارت‌ها در عمل پرورش یابد، نه فقط از طریق نظری و صحبت‌های کلی. در عصر حاضر، برای تربیت دانش‌آموزانی متفکر و منتقد و منطقی، استفاده از روش‌های نوین آموزشی ضروری است. معلمان باید با این روش‌ها آشنا شوند و از آن‌ها در تدریس و مدیریت کلاس‌ها بهره ببرند.



۶. استفاده از تکلیف‌های نوشتاری مؤثر: تکلیف‌هایی که شامل خلاصه‌نویسی، تحلیل مسائل، حل مسائل از منابع گوناگون و پروژه‌های تحقیقاتی هستند. این تکلیف‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند مهارت‌های تفکر انتقادی خود را پرورش دهند.

همچنین، انواع دیگر تکلیف نوشتاری برای تقویت تفکر انتقادی عبارتند از:

● **خلاصه‌نویسی:** در این نوع تکلیف، دانش‌آموز نیازمند مهارت‌های سازمان‌دهی ذهنی و تشخیص نکات کلیدی است.

● **نوشتن مقالات تحلیلی یا نقد:** دانش‌آموزان باید مسائل روزمره را تحلیل و از دیدگاه‌های متعدد نقد کنند.

● **حل مسائل از منابع گوناگون:** تمرین حل مسائل مرتبط با مسائل روزنامه‌ها و مجلات نوع دیگری از این تکلیف‌هاست.

● **پروژه‌های خارج از کلاس:** دانش‌آموزان با تحقیق در مورد مسائل مرتبط با درس‌ها و زندگی خود، توانایی‌های تحقیقاتی خود را تقویت می‌کنند.

● **شبیه‌سازی و الگوبردازی:** استفاده از الگوهای موجود در علوم برای ایجاد خلاقیت و تفکر نو یکی از تکلیف‌هایی است که می‌توان در نظر گرفت.

برای ایجاد کلاسی مناسب برای تفکر انتقادی، معلمان می‌توانند از این روش‌ها استفاده کنند:

● **شبیه‌سازی و الگوبردازی در علوم متعدد** (مالکی‌پور، ۱۳۸۱؛ یارمحمدیان، ۱۳۷۷).

برای پرورش تفکر خلاق و انتقادی در دانش‌آموزان، معلمان می‌توانند از روش‌های گوناگونی استفاده کنند:

۱. تهیه و تدوین مواد آموزشی متنوع: معلمان باید مطالبی فراتر از کتاب‌های درسی برای تکمیل و تقویت یادگیری دانش‌آموزان فراهم کنند.

۲. برگزاری بحث‌ها و مناظره‌ها: اجرای مناظره‌های مرتبط با زندگی دانش‌آموزان، به ویژه در موضوعات بحث‌برانگیز.

۳. تقویت تعامل گروهی: سازماندهی دانش‌آموزان به صورت گروهی برای بحث و تبادل نظر درباره‌ی مسائل گوناگون و تغییر چیدمان کلاس برای تسهیل کنش متقابل.

۴. نمایش حوادث و رویدادهای شخصیت‌های برجسته: دانش‌آموزان باید در کلاس از وقایع مهم زندگی شخصیت‌های متفکر و خلاق صحبت کنند.

۵. تشویق به نوشتن انتقادهای اجتماعی: از دانش‌آموزان خواسته شود تا نظرهای خود را در مورد مسائل اجتماعی بنویسند و در کلاس مطرح کنند.



منابع

قصه‌های رشد

نگاهی کوتاه به قصه‌درس‌های مجلات کودک، نوآموز و دانش آموز



محمدرضا رشیدی
عضو شورای برنامه‌ریزی مجلات رشد
دانش آموزی دوره‌ی ابتدایی

قصه‌درس‌های مجله‌ی کودک اردیبهشت ماه

در شماره‌ی اردیبهشت‌ماه مجله‌ی رشد کودک، بر اساس بودجه‌بندی کتاب فارسی پایه‌ی اول، برای درس‌های بیست‌ویکم و بیست‌ودوم دو داستان نوشته و در هر داستان سعی شده است کلماتی که نشانه‌ی آن درس را دارند و در متن درس آمده‌اند، پرتکرار باشند. در تمام داستان‌ها کلمات موردنظر درس (کلمات هدف) به رنگ آبی هستند تا توجه دانش‌آموزان را بیشتر به خود جلب کنند.

با توجه به اینکه این دو درس، درس‌های پایانی کتاب فارسی اول هستند، انتظار می‌رود بچه‌ها بتوانند با همراهی معلم آن‌ها را بخوانند و بعد از خواندن داستان، بازی‌هایی را با استفاده از کارت‌های کلمات هدف انجام دهند تا یادگیری کلمات هدف در ذهن دانش‌آموزان تثبیت شود.

داستان اول: صدای زندگی

قار قار قار؛ صدای کلاغ خانه‌ی مادر بزرگ بلند شد. سما جیغ زد. کوچولو شروع به گریه کرد. از هر گوشه‌ی خانه‌ی مادر بزرگ صدایی می‌آمد. این داستان بر مبنای کلماتی نوشته شده است که نشانه‌ی «غ» دارند و در متن درس بیست‌ویکم کتاب فارسی آمده‌اند. کلماتی که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند

از: مرغابی، غمگین، کلاغ، جغد، جیغ.

داستان دوم: زور نگو!

سروصدای دارا و سما بلند بود. سما گفت: «دارا مثل پادشاه‌های ظالم زور می‌گوید.» کتابچه ورق خورد. یک کاغذ از لای ورق‌هایش افتاد. دارا گفت: «وای آرشام!»

این داستان بر مبنای کلماتی نوشته شده است که نشانه‌ی «ظ» دارند و در متن درس بیست‌ودوم کتاب فارسی آمده‌اند. کلماتی که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: اعظم و ظالم.

قصه‌درس‌های مجله‌ی کودک خردادماه

با توجه به اینکه این شماره آخرین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است، ناگزیر قصه‌درس‌های شماره‌ی ۹ مجله‌ی کودک (خردادماه) را نیز در این شماره به اختصار بیان می‌کنیم.

مجله‌ی خردادماه کودک در اردیبهشت و قبل از تعطیلی دانش‌آموزان پایه‌ی اول به دستشان می‌رسد. در تولید محتوای این شماره از مجله، فصل تابستان و تعطیلی دانش‌آموزان هم مدنظر قرار گرفته شده است. به همین منظور در چهار قصه‌درس، با استفاده از کلمات هدف درس‌های کتاب فارسی، داستان‌هایی نوشته شده تا در کنار جذابیت داستانی قصه‌درس‌ها، فضایی هم برای مرور کلماتی که دانش‌آموزان طی سال یاد گرفته‌اند، ایجاد شود.

خیال بازی

دارا از مدرسه رسید. کیفش را انداخت کنار تخت‌خواب و با کسی حرف نزد. بشقاب ماکارونی‌اش را تا آخر خورد؛ اما با کسی حرف نزد. توپ بازی کردن کوچولو را دید؛ اما باز





قصه‌های رشد شماره‌ی هفت



هم با کسی حرف نزد. او حسایی در فکر بود و دنبال جواب سؤالی می‌گشت. سؤال را امروز خانم معلم در کلاس پرسیده بود. کتابچه گفت: «این جوری نمی‌شود! بیا خیال‌بازی کنیم!» ...

کتاب‌ها قهر می‌کنند

سما داد زد: «داداش، شوت کن!» دارا توپ را محکم شوت کرد. معصومه گفت: «علی، مواظب باش!» علی پرید جلوی دروازه و توپ را گرفت. کتابچه تنها بود. دوتا آه کشید. این طرف را نگاه کرد. آن طرف را دید.

قصه‌ی ایران

دارا دستپاچه وارد اتاق شد. سلام کرد. کیفش را انداخت گوشه‌ای و با عجله کاغذ و مدادش را درآورد. مادر و سما با تعجب به دارا نگاه کردند. سما گفت: «چی شده امروز نپرسیدی ناهار چی داریم؟» دارا گفت: «خیلی کار دارم مزاحم نشو!»

آبنبات پیچ پیچی

دارا دو بار کتابچه را صدا زد؛ ولی جوابی نشنید. به طرف کتابخانه رفت و بعد فریاد زد: «سما، سما، بدو بیا اینجا، سما با عجله رفت به طرف کتابخانه. کتابچه بی‌حرکت روی میز کنار کتابخانه افتاده بود. دارا دست‌های کتابچه را تکان داد. سما پای کتابچه را کشید؛ ولی کتابچه هیچ حرکتی نکرد. قصه‌درس‌های نوآموز و دانش‌آموز در شماره‌ی ۷ (فروردین ماه) مجلات نوآموز و دانش‌آموز به پایان رسیده‌اند.





الگوی روستایی مدرسه

فراخوان ایده‌ها و تجربه‌های طراحی موقعیت‌های
یادگیری متناسب با فرهنگ بومی، روستایی و چندپایه

احسان وادی‌السلامی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی



و معیشت پایدار دخیل‌اند. در سیاست‌گذاری‌های کلان، می‌شود به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر ظرفیت‌های محلی، مانند کشاورزی، صنایع دستی و گردشگری روستایی توجه و از همین مسیر روند مهاجرت روستا به شهر را کندتر کرد؛ اما توجه به اقتصاد روستایی بدون در نظر گرفتن عوامل فرهنگی، کاری از پیش نخواهد برد. به این معنی که بایستی هویت جمعی و حس تعلق به محیط روستا را در دل تک‌تک اهالی‌اش زنده کرد. اینجا همان جایی است که آموزش و پرورش پا به عرصه می‌گذارد. این نهاد از طریق مدرسه و ابزارهایی که در دست دارد، می‌تواند ارزش‌ها و سنت‌ها و میراث فرهنگی روستا را به نسل بعدی منتقل کند و جوانه‌ای امید به آینده را در دل نسل جدید بکارد و هویت روستایی را تقویت کند. در این صورت، مدرسه‌ی روستا تبدیل می‌شود به قلب تپنده‌اش که امید به آینده و زیست‌خلاقانه را در رگ و ریشه‌ی دانش‌آموز روستایی روانه و او را پایبند حفظ اصالت فرهنگی روستای خود می‌کند. در نهایت، نتیجه‌ای جز تثبیت جمعیت نخواهد داشت. این معنا جز با عاملیت و تأثیر معلم بر فضای مدرسه ممکن نمی‌شود؛ اما معلم چالشی اساسی به نام «برنامه‌ی درسی» پیش رو دارد.

دانش‌آموزان روستایی و عشایر و محیط آن‌ها نیازها و اقتضائاتی دارند که کتاب و برنامه‌ی درسی متمرکز فعلی پاسخگوی آن نیازها نیست یا حداقل تمام آن اقتضائات در برنامه‌ی درسی دیده نشده است. یکی از ابزارهای آموزش و پرورش، برای تأثیر فرهنگی، برنامه‌ی درسی است که می‌تواند جهت‌گیری آموزشی، تربیتی و پرورشی مدرسه را هدایت کند. برای مدرسه‌های روستایی دو راهبرد را می‌توان در نظر داشت؛ یکی ناظر به جذب و تثبیت دانش‌آموزان روستایی در مدرسه است. در حال حاضر، تفاوت معناداری بین فرهنگ حاکم بر

تا حالا معلم روستا بوده‌ای؟ یا به مدرسه‌ای روستایی رفته‌ای؟ از همان تابلوی سر در تادل دفتر و کلاس، تا حیاط و درخت و چه و چه، حسی خوشایند و خاطره‌آمیز در خون آدمی تزریق می‌شود. هوای پاک و سبک و سکوت منحصر به فردش برای چند دقیقه تصمیم مهاجرت معکوس را به سر آدم می‌اندازد؛ اما این همه‌ی ماجرا نیست. این‌ها فقط رویه‌ی ظاهر است و عمق ماجرا چیز دیگری می‌گوید. مدرسه‌های روستایی حتی اگر در ظاهر فیزیکی‌شان تفاوتی با مدرسه‌های شهری نداشته باشند، اما در نوع نیازها و محیط اجتماعی و سنت‌های فرهنگی تفاوت‌های مهمی با یکدیگر دارند. سؤال اینجا است: «آموزش و پرورش، به‌عنوان نهادی تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی، چه فکری به حال این تفاوت کرده است؟» سال ۱۳۸۰ جمعیت روستایی کشور چیزی حدود ۷۹ درصد جمعیت کل کشور بود و طبق آمار سال ۱۳۹۵، با سیر نزولی پرشتایی، این عدد به ۲۵/۹ درصد کاهش پیدا کرده است. اگر همین سیر ادامه پیدا کند، در سال ۱۴۲۵ جمعیت روستایی کشور به ۱۶ درصد می‌رسد. برآوردهای کارشناسی ادامه‌ی روند مهاجرت روستایی به شهر را تأیید می‌کند. مهاجرت روستاییان اتفاقی رایج است؛ اما ساده نیست.

این نوع از مهاجرت بر ابعاد کلان اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیری مستقیم و پایدار دارد. تا حد زیادی، اقتصاد درون‌زا و تولید داخلی کشور وابسته به حضور روستاییان است. پیامد این انتقال رو به افزایش و چشمگیر وابستگی اقتصادی و تولیدی کشور به دیگران خواهد بود. در تثبیت جمعیت روستایی عوامل فرهنگی و اقتصادی بسیاری مثل افزایش تولید ملی و ایجاد اشتغال

برنامه‌ی درسی متمرکز و فرهنگ‌های بومی و محلی روستایی به چشم می‌آید. از همین‌جا معلوم می‌شود برنامه‌ی درسی فعلی باید انعطاف‌پذیری و تناسب‌سازی بهتری با محیط روستایی پیدا کند؛ اما راهبرد دوم ناظر به نقش هدایتگری برنامه‌ی درسی روستایی بر تکوین هویت روستایی و جهت‌دهی اقتصادی با توجه به تولید ملی است.

کیفیت یادگیری در کلاس درس متأثر از عوامل گوناگونی نظیر زمان، محتوا، محیط یادگیری و روش‌های یاددهی یادگیری است. این عوامل در همه‌جا یکسان نیستند؛ یعنی نمی‌توان شرایط



بهره گرفت و همچنین با شناسایی و شبکه‌سازی معلمان صاحب ایده، از آنان در طراحی بسته‌های آموزشی متناسب با محیط و دانش آموز روستا استفاده کرد. معلمان محترم می‌توانند در فراخوان «ایده‌ها و تجربه‌ها در طراحی موقعیت‌های یادگیری مبتنی بر فرهنگ بومی روستایی و چندیایه» که ادارات کل استان‌ها آن را اطلاع‌رسانی خواهند کرد، شرکت کنند و ایده‌ها و تجربه‌های خود را در این زمینه به اشتراک گذارند. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید از طریق پیام‌رسان شاد و ایتا به نشانی @tajarob-roosta ارتباط برقرار کنید.

و دقیق را دریافت کند. همین امر مسبب ایجاد رغبت و علاقه‌مندی دانش آموز به مدرسه می‌شود. در حال حاضر، یکسان‌نگاری یادگیرنده و محیط آموزشی، در برنامه‌ی درسی، معلمان مدرسه‌های روستایی و عشایری را در طراحی آموزشی خود با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند. نتیجه این‌که برای ایجاد عدالت تربیتی با در نظر گرفتن محیط‌های متنوع فرهنگی و جغرافیایی و افزایش امید، تکوین هویت روستایی و ایجاد فرهنگ تولید ملی در روستا بایستی از تجربه‌های معلمان موفق در تلفیق و تطبیق کتاب‌های درسی با محیط آموزشی روستایی

محیطی کلان‌شهرها را در یک روستا پیاده‌سازی کرد و برعکس. معلم باید برنامه‌ی درسی متمرکزی را تدریس کند که تفاوت‌های فاحشی با اقتضائات و شرایط و محیط و تفاوت‌های فردی دانش آموزان روستایی دارد. راهبرد دوم جز با انعطاف برنامه‌ی درسی کشور در محیط‌های متعدد و خلاقیت در تدریس و مطابقت کتاب درسی با موقعیت روستایی ممکن نخواهد شد. تفاوت محتوا با محیط یادگیری در روستا استلزام ایجاد موقعیت‌های متنوع و خلاقانه و متناسب با شرایط بومی و محلی را ایجاب می‌کند تا دانش آموز روستایی هم بتواند آموزشی باکیفیت

علم زندگی



سینا آقاجانی دفرازی
دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی،
دانشگاه فرهنگیان استان گیلان

بر رشد روان‌شناختی و اجتماعی آن‌ها دارد (Zins & Elias, ۲۰۲۱).

با توجه به اینکه کودکان در این دوره‌ی سنی از طریق تعامل با همسالان و محیط اطراف خود یاد می‌گیرند، فراهم کردن بستری مناسب برای تقویت مهارت‌های زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است. در دنیای امروز که چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی به‌سرعت در حال افزایش هستند، آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه‌های ابتدایی می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری کند. این موضوع باعث شده است بسیاری از کشورها برنامه‌های آموزشی خود را در این زمینه تقویت کنند (Meyers et al., ۲۰۱۹).

دوران کودکی یکی از مهم‌ترین مراحل رشد انسان است که در آن شخصیت، نگرش و الگوهای رفتاری فرد شکل می‌گیرد. در این میان، مهارت‌های زندگی، به‌عنوان ابزاری کارآمد، به کودکان کمک می‌کنند تا بتوانند در مواجهه با چالش‌های فردی و اجتماعی، عملکرد مطلوبی داشته باشند. آموزش این مهارت‌ها در دوره‌ی ابتدایی، نقش مهمی در رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کند.

علاوه بر تأثیرات فردی، آموزش مهارت‌های زندگی نقش مهمی در بهبود شرایط اجتماعی نیز ایفا می‌کند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند دانش‌آموزانی که در دوران ابتدایی مهارت‌های زندگی را آموخته‌اند، در نوجوانی و بزرگسالی، عملکرد بهتری در تصمیم‌گیری، کنترل هیجانات و تعاملات اجتماعی از خود نشان می‌دهند (Jones et al., ۲۰۲۰). همچنین، توسعه‌ی این مهارت‌ها به افزایش حس مسئولیت‌پذیری و کاهش فشار روانی در میان دانش‌آموزان منجر می‌شود (Greenberg et al., ۲۰۱۹).

روش پژوهش

این مطالعه با استفاده از روش اسنادی و

این مقاله به بررسی اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی در دوره‌ی ابتدایی می‌پردازد و نقش این مهارت‌ها در رشد فردی و اجتماعی کودکان را تحلیل می‌کند. مهارت‌های زندگی شامل تفکر نقادانه، تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر، مدیریت فشار روانی، همدلی و خودآگاهی می‌شوند؛ مهارت‌هایی که تأثیر بسزایی در توانمندی کودکان در مواجهه با چالش‌های زندگی دارند. پژوهش حاضر با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی مطالعات داخلی و خارجی مرتبط می‌پردازد و بر ضرورت آموزش این مهارت‌ها در سنین پایین تأکید می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند آموزش مهارت‌های زندگی در سال‌های ابتدایی، علاوه بر تأثیر مثبت بر رشد شناختی و عاطفی کودکان، باعث کاهش رفتارهای پرخطر در سنین بالاتر نیز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زندگی، آموزش ابتدایی، رشد فردی، تفکر نقادانه، مدیریت فشار روانی، توسعه‌ی اجتماعی

مقدمه

دوران کودکی مرحله‌ای حساس از رشد انسان است که در آن پایه‌های یادگیری، شخصیت‌سازی و مهارت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. مهارت‌های زندگی که شامل خودآگاهی، تنظیم هیجان، ارتباط مؤثر و تفکر نقادانه هستند، در این دوران به‌عنوان ابزارهای کلیدی برای موفقیت فردی و اجتماعی عمل می‌کنند. به گفته‌ی پژوهش‌های جدید، سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های زندگی در این دوره، نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود، بلکه تأثیرات مثبت طولانی‌مدتی نیز



پسندیدم

نگاش: احسان رضا کریمی

کتابخانه‌ای انجام شده است. اطلاعات از منابع معتبر علمی داخلی و خارجی گردآوری و به‌صورت کیفی تحلیل شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل مقالات پژوهشی، کتاب‌های تخصصی و گزارش‌هایی هستند که سازمان‌های معتبر علمی، مانند اشپیرینگر و گوگل اسکولار، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ منتشر کرده‌اند.

روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان

• آموزش از طریق بازی‌های تعاملی: بازی‌های گروهی، نمایشی و تعاملی می‌تواند کودکان را به‌صورت غیرمستقیم با مهارت‌های



برنامه‌ی درسی: تلفیق آموزش مهارت‌های

زندگی با درس‌های رسمی، مانند علوم اجتماعی و هنر، می‌تواند تأثیر بیشتری در یادگیری ایجاد کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند برنامه‌های درسی که به‌طور نظام‌مند مهارت‌های زندگی را ادغام می‌کنند، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند (OECD, ۲۰۲۲). چالش اصلی در این روش، نیاز به اصلاح برنامه‌های درسی و آموزش معلمان برای پیاده‌سازی مؤثر آن است.

• فناوری و رسانه‌های دیجیتال: استفاده

از برنامه‌های آموزشی دیجیتال، نرم‌افزارها و بازی‌های آموزشی نوین، امکان یادگیری مهارت‌های زندگی را برای کودکان جذاب‌تر و تعاملی‌تر می‌کند. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که برنامه‌های آموزشی دیجیتال به تقویت مهارت‌های خودمدیریتی و تصمیم‌گیری در کودکان کمک می‌کنند (Selman et al., ۲۰۲۳). با این حال، استفاده‌ی بیش از حد از فناوری ممکن است تعاملات اجتماعی مستقیم کودکان را کاهش دهد.

• همکاری والدین و مدرسه: خانواده نقش

کلیدی در آموزش مهارت‌های زندگی دارد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و معلمان می‌تواند تأثیر چشمگیری در موفقیت برنامه‌های آموزشی داشته باشد (Greenberg et al., ۲۰۲۳). چالش این روش، نیاز به هماهنگی بین خانواده‌ها و مدرسه‌ها و تضمین مشارکت فعال والدین در برنامه‌های آموزشی است.

نتیجه‌گیری

مطالعات نشان داده‌اند برخی کشورها در آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند؛ مثلاً فنلاند از طریق برنامه‌ی آموزشی جامعی که شامل آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی است، توانسته است میزان موفقیت تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان را افزایش دهد. سنگاپور نیز با اجرای برنامه‌هایی که بر یادگیری تجربی و تفکر انتقادی تمرکز دارد، توانسته است دانش‌آموزانی با مهارت‌های بالاتر در حل مسائل و تصمیم‌گیری تربیت کند. همچنین، در کانادا استفاده از روش‌های نوین آموزش مانند فناوری‌های دیجیتال و برنامه‌های آموزشی مشارکتی در مدرسه‌ها، عملکرد اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان را بهبود بخشیده است.



تقویت می‌کنند (Weissberg et al., ۲۰۲۱). چالش این روش، نیاز به مربیان متخصص و زمان کافی برای ارائه‌ی داستان‌های هدفمند است.

• آموزش تجربی و پروژه‌محور: فعالیت‌هایی

مانند مدیریت مالی کودکان، حل مسئله‌ای گروهی و شبیه‌سازی موقعیت‌های زندگی واقعی یادگیری را عمیق‌تر می‌کند و مهارت تصمیم‌گیری و تفکر نقادانه را ارتقا می‌بخشد (Taylor et al., ۲۰۲۱). اجرای این روش ممکن است به‌دلیل کمبود منابع و آماده‌نبودن برخی مدرسه‌ها با دشواری مواجه شود.

• ادغام آموزش مهارت‌های زندگی در

زندگی آشنا کنند. مطالعات نشان داده‌اند که بازی‌های نقش‌آفرینی به بهبود توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان کمک می‌کنند (Durlak et al., ۲۰۱۹). با این حال، یکی از چالش‌های اجرای این روش، محدودیت زمانی و امکانات مدرسه‌ها برای پیاده‌سازی آن است.

• داستان‌گویی و نمایش‌های تعاملی:

داستان‌ها و نمایش‌های آموزشی ابزاری مؤثر برای انتقال مفاهیم انتزاعی به کودکان هستند. تحقیقات نشان داده‌اند داستان‌هایی که شامل مسائل اجتماعی و اخلاقی هستند، توانایی همدلی و درک دیدگاه‌های دیگران را در کودکان



منابع
۱. افروز، غ.، ۱۳۹۸. آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس ابتدایی: نظریه‌ها و کاربردها. تهران: دانشگاه تهران.
۲. باقری، م. و عباسی، ن.، ۱۴۰۰. «تحلیل تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان». فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، ۲۴(۲)، ۱۵۶-۱۷۲.
۳. رضایی، ف.، ۱۳۹۷. «رویکردهای نوین در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان». مجله مطالعات تربیتی، ۲۹(۱)، ۵۳-۷۵.

4. Durlak, J. A., Weissberg, R. P., & Pachan, M. (2017). A meta-analysis of after-school programs that seek to promote personal and social skills in children and adolescents. *American Journal of Community Psychology*, 49(1309-294), (2-).
5. Greenberg, M. T., Domitrovich, C. E., Weissberg, R. P., & Durlak, J. A. (2019). Social and emotional learning programs: Current findings and future directions. *Educational Psychologist*, 54(3), 179-199.
6. Jones, S. M., Brush, K. E., Bailey, R., Nelson, B., & Barnes, S. P. (2020). Navigating social and emotional learning from research to practice: The role of implementation science. *Journal of Educational Psychology*, 112(1), 120-.
7. OECD. (2022). The future of education and skills: Education 2030. OECD Publishing.
8. Selman, R. L., Davidson, P. M., & Snow, C. E. (2023). Technology-driven approaches to social-emotional learning. *International Journal of Educational Technology*, 45(2), 1001-115.
9. Taylor, R. D., Oberle, E., Durlak, J. A., & Weissberg, R. P. (2020). Promoting positive youth development through school-based social and emotional learning interventions: A meta-analysis of follow-up effects. *Child Development*, 91(3), 833-848.
10. Weissberg, R. P., Taylor, R. D., & Greenberg, M. T. (2021). The importance of social-emotional learning in schools. *Annual Review of Psychology*, 72, 125-.

افزایش همکاری میان معلمان، والدین و مشاوران آموزشی: برای اثربخشی بهتر آموزش مهارت‌های زندگی، پیشنهاد می‌شود والدین و معلمان در کنار مشاوران آموزشی در برنامه‌های مشترک مشارکت داشته باشند. تشکیل جلسات آموزشی برای والدین و کارگاه‌های عملی برای معلمان می‌تواند باعث هم‌افزایی در فرایند آموزش این مهارت‌ها شود.

استفاده از فناوری‌ها و ابزارهای دیجیتال
برای آموزش مهارت‌های زندگی: با توجه به گسترش فناوری، پیشنهاد می‌شود از بازی‌های آموزشی دیجیتال، برنامه‌های تعاملی و ویدیوهای آموزشی برای تقویت مهارت‌های زندگی در کودکان استفاده شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند استفاده از ابزارهای دیجیتال می‌تواند یادگیری را جذاب‌تر و درک عمیق‌تری برای کودکان ایجاد کند.

ارزیابی و پایش مستمر تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی: برای تضمین کیفیت و تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی به‌طور مستمر ارزیابی شوند. اجرای آزمون‌های مهارتی، بررسی رفتارهای دانش‌آموزان و نظرسنجی از معلمان و والدین می‌تواند به بهینه‌سازی روش‌های آموزشی کمک کند.

آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در دوران ابتدایی نه تنها بر رشد شناختی و هیجانی آن‌ها تأثیرگذار است، بلکه به ایجاد جامعه‌ای پایدارتر و سالم‌تر کمک می‌کند. با توجه به تغییرات سریع دنیای امروز، تربیت کودکانی که قادر به مدیریت احساسات، حل مسائل پیچیده و برقراری ارتباط مؤثر باشند، ضروری است. ادغام آموزش مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی مدرسه‌های ابتدایی می‌تواند به بهبود تعاملات اجتماعی، کاهش مشکلات رفتاری و افزایش توانایی‌های فردی کودکان کمک کند. اجرای برنامه‌های مؤثر در این زمینه نیازمند همکاری میان معلمان، والدین و سیاست‌گذاران آموزشی است تا کودکان به بهترین نحو برای مواجهه با چالش‌های زندگی آینده آماده شوند.

پیشنهادهای راهکارها

ایجاد برنامه‌ی آموزشی جامع در مدرسه‌های ابتدایی: پیشنهاد می‌شود برنامه‌ی جامع و ساختارمندی برای آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه‌های ابتدایی تدوین شود. این برنامه می‌تواند شامل درس‌های تعاملی، پروژه‌های عملی و فعالیت‌های گروهی باشد که مهارت‌های اجتماعی، مدیریت هیجانات و تفکر نقادانه را تقویت کند.



معلم بودن شغل شگفت‌انگیزی است. چاشنی، پویا انرژی‌زا و تحلیلی‌تر، اما برای اغلب ما با ارزش است. تأثیر ما بسیار فزاینده است که تصور می‌کنیم، ما به عنوان آموزشگر باید به اصول پایدار بمانیم و بر آنچه به نفع دانش‌آموزان است متمرکز باشیم. کتاب «معلمان موفق متفاوت عمل می‌کنند»، کتاب میان‌بر آموزش و شیوه‌های یک‌شبه برای موفقیت نیست، بلکه چارچوبی است که کار مهمی آموزشگران موفق را نشان داده و تأیید می‌کند. مثل یک نقشه‌ی راه است. معلمان مثل معلمان هستند و درس‌ها پایه و اساس لایه‌ی کار محسوب می‌شوند. دانش‌آموزان وارد ساختمان مدرسه می‌شوند و آن را با زندگی و معنا و مفهوم لایرز می‌کنند.

معلمان موفق متفاوت عمل می‌کنند. نوشته‌ی تاد ویبکر



۱۲

اردیبهشت
روز معلم
وسالروز شهادت
استاد شهید
مرتضی مطهری
گرامی باد

ستاد مرکزی بزرگداشت مقام معلم
۱۲ الی ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴